

# نیروهای ترقیخواه جهان از دفاع قهرمانانه

## خلق ما حمایت می کنند!

همه رژیم های سرسپرده امپریالیسم آمریکا پشتیبان تجاوزات رژیم عراق اند!

## به فدائیان خلق که جان برفک برای رهائی زحمتکشان و استقلال میهن می رزمند

فردای پیروزی شورانگیز طبقه کارگر و دهقانان ایران، نابودی کامل امپریالیسم آمریکا و همه متحندان و نوکرانش و بنای ایرانی آزاد و دمکراتیک، ایرانی که در آن از رنج گرسنگی، بیماری، بی خانمانی و بیسوادی اثر نباشد، ایرانی که در آن استقلال، گار، مسکن و آزادی همه زحمتکشان تامین باشد، ایرانی که رابطه انسان با انسان و زندگی زحمتکشان نه در زندان تنگ و گشنده استثمار، حقارت، اسارت، حسادت و خفقان سرمایه داری بلکه در پهنه هستی بخش و سعادتبار صلح، استقلال، آزادی و سوسیالیسم بنا شود و رنج و حرمان جامعه

سرمایه داری جای خود را به عشق و امید و شور زندگی دهد، این است آرمانی که فدائیان خلق را وامی دارد جان برفک همه جا پیشواز مبارزه علیه امپریالیسم و علیه همه مظاهر ستم و ارتجاع وابسته به آن باشند، این است آن انگیزه های که سینه های گرم صدها هزار فدائی پرشور و پرخروش را در شهرهای پر حماسه آبادان، خرمشهر، اهواز، دزفول، اندیمشک، مسجد سلیمان، قصر شیرین، گرمانشاه و سراسر غرب میهن در برابر توپ، تانک، مسلسل رژیم ضد مردمی عراق به سیری نیرومند بدل ساخته و خون بقیه در صفحه ۱۹

در صفحه ۱۹

## امپریالیسم آمریکا از تهاجم عراق علیه مراکز صنعتی ایران، چه هدفهائی را دنبال می کند؟

جوزف سیسکو، کارشناس وزارت خارجه آمریکا در امور خاورمیانه در مصاحبه چهارشنبه دوم مهرماه یعنی دو روز پس از تهاجم گسترده نیروی نظامی عراق به ایران چنین می گوید:

"ما هیچ آمیبدی به این که حاکمیت کنونی ایران با آمریکا به تفاهم رسد، نداریم. آنچه جنگ عراق و ایران می تواند در پی داشته باشد، درهم شکستن حکومت کنونی ایران است. امیدواری ما به جلب ایران بسوی آمریکا نه در نتیجه فوری جنگ بلکه در نتایجی است که این جنگ بدنبال خواهد داشت."

در صفحه ۶

## در این شماره: توده های مسلح و پرسنل انقلابی

با قهرمانی علیه تجاوزگران پیکار می کنند!

کارتون ساروناس	جیش کارگری ایران
عده محکومین و واسطه های ضد انقلابی مبارزه می کنند	کارتون سوز بانک مرکزی ایران: اتحاد آگاهانه مردم شکست ناپذیر است
در صفحه ۹	سندمای کارگران مادهران: قای جان از انقلابمان دفاع می کنیم
	در صفحه ۹

ایجاد شرکت های واقعی تعاون روستائی گامی در جهت حل مساله گرانی و قطع نفوذ واسطه ها به نفع روستائیان زحمتکش

امامزاده حسن:	سوسیالیسم در سرزمین آلمان:
محلله مشکلات بی شمار	در هم شکستن دستگاه نظامی - بوروکراتیک کهن
محلله آمیبدو مبارزه	شرط مقدماتی پیروزی هر انقلاب واقعا خلقی است
در صفحه ۱۵	دستاوردهای انقلاب و سوسیالیسم
انگیزه تهاجم حکومت عراق و محتوای مقاومت مردم میهن ما	پنجده سال پیش بیکاری برای همیشه در اتحاد شوروی ریشه کن شد
در صفحه ۲	در صفحه ۱۱



## از یادداشتهای فدائیان خلق: خلق در سنگرها حماسه می آفریند!

مقاومت و پایداری مردم و انقلابیون ایران در برابر تجاوزات رژیم مرتجع عراق باردیگر نمونه هایی از ایثار و جانبازی در راه حفظ استقلال و آزادی به همه خلقهائی که برای رهائی از سلطه امپریالیسم آمریکا پیکار می کنند، ارائه داده است

فدائیان خلق از نخستین لحظات یورش جنایتکارانه رژیم عراق، دوشادوش و پیشاپیش مردم در برپاداشتن سنگرهای مقاومت تلاش عظیمی را سازمان دادند.

امروز سازمان ما در سرتاسر میهن در پیکار عادلانه مردم علیه توطئه های امپریالیسم آمریکا و تجاوزات رژیم عراق شرکت موثر و فعال دارد. ما می گوئیم گوشه هایی از این تلاش عظیم را بازگو کنیم و در این راه از تمامی رفقای که در چهره های مقدم و در سرتاسر میهن با تحکیم پیوندهای سازمان با توده های میلیونی مردم پیکار عظیم و دوراندازی را آغاز کرده اند، می خواهیم یادداشتها، مشاهدات، تجارب و آموزشهایی را که با آن روبرویند، برای درج در "گار" بفرستند. در این شماره قسمت هایی از یادداشت رفقا در سنگرهای مقاومت خوزستان را درج می کنیم:

بقیه در صفحه ۲

## متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم عراق را درهم کوبیم!

از یادداشتهای فدائیان خلق در سنگر:

# خلق در سنگرها حماسه می آفریند!

● امروز هم زندگی پر جوش و خروش مردم مبارز و خونگرم اهواز در پرتو آفتاب درخشان و حیات بخش آخرین روزهای شهریور ماه به روال روزهای دیگر آغاز شد.

هزاران هزار کارگر رزمنده با قلبی آکنده از نفرت نسبت به امپریالیسم جهانی در کارخانهها چرخ تولید را به گردش در آورده بودند. هزاران و دهها هزار کودک و نوجوان دانشآموز اهوازی مشتاقانه در انتظار شروع سال تحصیلی جدید و ورود به دبستانها و دبیرستانها - این سنگرهای همیشه استوار آزادی و آزادیخواهی - لحظه شماری می کردند.

اما در نیمروز یکشنبه حدود ساعت ۱ یا یک و ربع بعد از ظهر صدای غرش مهیب و ناگهانی انفجار بمب، سه بار پیاپی کوی ملت (کوروش سابق) و زیتون کارمندی را به لرزه در آورد.

مردم، پیر و جوان، زن و مرد، متحیر و کنجکاو، اما آماده استقبال از هرگونه حادثه و خطر به خیابانها ریختند. آتش و دود غلیظ و انبوهی از طرف فرودگاه اهواز به هوا سر می کشید. سه هواپیما عراقی به فاصله کم در آسمان اهواز دیده شده بود.

مردم با شور و شتاب پیاده یا سوار بر دوچرخه و موتور و یا هر وسیله دیگر برای انجام هر کاری که از دستشان برمی آمد و کسب خبر دقیقتر به طرف فرودگاه در حرکت بودند...

"هواپیماهای عراقی باند فرودگاه را بمباران کرده اند" هواپیماهای عراقی پایگاه وحدتی دزفول را هم زده اند، خیرها به سرعت در شهر پیچید. موج خشم و کینه انقلابی نسبت به رژیم ضد مردمی و متجاوز عراقی سراپای وجود کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی و مبارز و هر میهن پرست واقعی را فرا گرفت.

دستاوردهای خونین توده های میهن انقلابی آشکارا و در همسویی و

همنوایی با رژیم بعث عراق با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا مورد تهاجم قرار گرفته بود. سیل خروشان توده های همیشه بیدار آماده و مهیبی درهم کوبیدن این تهاجم فاشیستی در هر کوی و برزن اهواز به حرکت درآمد، سرپنجهی محکم و پرصلابت هر کارگر و هر زحمتکش اهوازی، دست مشتاق هر پسر و دختر دانشآموز و دانشجوی ضد امپریالیست و ترقیخواه، از هر گروه و با هر عقیده و مرام بی صبرانه در انتظار فشردن قبضه سلاح آتشین و دفاع تا پای جان از انقلاب و جمهوری اسلامی بود. اینک همکس در همه جا به خوبی می دانست که:

## بسیج مسلح توده ها

## ضامن پیروزی

## خلق های ماست

منابع رسمی خبر در مورد حمله هوایی رژیم بعث سکوت کرده بودند. رادیو اهواز با پخش آژیر وضعیت قرمز نکاتی را که در چنین شرایطی باید رعایت شود، بیان می کرد، لیکن خبری در مورد حمله هوایی عراق به گوش نمی رسید. رادیوها در خانه، اداره، مغازه، کوچه و خیابان برای شنیدن اخبار رسمی و واقعی باز بود.

عصر همان روز، ۳۰ شهریور، شاخه خوزستان سازمان نخستین اعلامیه پس از بمباران را تحت عنوان "به پیکاری پرتوان با تجاوزات نظامی رژیم فاشیستی عراق برخیزیم منتشر کرد.

اخباری که از مناطق مرزی ایران و عراق می رسد، بیانگر یورش متجاوزکارانه و وحشیانه نیروهای رژیم عراقی به مرزهای میهن رژیم ضد مردمی بعث عراق

پس از بمباران هوایی پایگاه های ایران، با توپ و تانک و دیگر سلاح های سنگین تجاوز به خاک ایران و انقلاب مردم ما را آغاز کرد.

صبح است. تمام روز گذشته نقاط مختلف خرمشهر با خمپاره ارتش متجاوز عراق کوبیده شد. مناطق غربی و مرکزی شهر آسیب های فراوانی دیده، تعداد شهدا و مجروحین بسیار است.

حملات امروز با توپ صورت گرفت. زیر فشار شدید آتش توپخانه جنایتکاران بعضی تعداد زیادی از مردم شهر وادار به ترک خانه و کاشانه شده اند. بسیاری از ثروتمندان و تجار شهر در فکر نجات جان بی مقدار و بیش از آن به فکر به در بردن مال و منال و فرش های قیمتی خود هستند. زحمتکشان و شهیدستان خلق عرب ایران که جز کلبه های محقر و گلین که اینک در اثر شلیک توپخانه ارتش بعث عراق به ویرانه های بدل شده چیزی ندارند به روستاهای اطراف پناه می برند. آنسان که باقیمانده اند، بدخوبی می دانند که چرا و برای چه در شهر مانده اند. بسیاری از کارگران و زحمتکشان به همراه جوانان انقلابی و فداکار به قصد دفاع جانبازانانه از شهر سنگرهای مقاومت را برپا می دارند. نیروهای مدافع شهر در کنار خود اعضا و هواداران جان برکف سازمان را می بینند که سنگرهای استوار ایستادگی و ایثار را در صف مقدم جبهه مقاومت سازمان می دهند. آری

نیروهای انقلابی مصمم اند تا پای جان از شهر دفاع کنند.

حملات هوایی به شهرهای مختلف خوزستان ادامه دارد. در اندیشک یک مجتمع آموزشی مورد اصابت بمب هواپیماهای عراقی قرار می گیرد و منهدم می شود. حملات هوایی عراق، کور، وحشیانه و فاشیستی است.

● امروز ۱ مهرماه ۵۹ شاخه خوزستان با انتشار

تراکت مردم مبارز خوزستان و کلبه هواداران سازمان را که دوره خدمت سربازی را گذرانده اند، دعوت به مراجعه و همکاری با سپاه پاسداران نمود. در این تراکت از هواداران خواسته شد تا شایستگی انقلابی خود را در دفاع از جمهوری اسلامی و دستاوردهای انقلاب خونین توده های قهرمان میهن به کار گیرند.

● در سینه دم امروز هواپیماهای عراقی به قصد بمباران اهواز در آسمان شهر ظاهر شدند. آتش شدید صد هوایی ایران به طرف هواپیماهای متجاوز عراقی باریدن گرفت. نکته تازه در این حمله جنایتکارانه فروریختن بمب توسط جتر نجات متجاوزین عراقی که ناجوانمردانه قصد انهدام کارخانجات صنایع فولاد اهواز را داشتند، بود. تجاوزگران بمب های خود را در آن منطقه فرو ریختند که خوشبختانه در نزدیکی صنایع فولاد به زمین افتاد و سبب نشد این بمبها توسط افراد سپاه پاسداران خنثی گردید.

● ساعت ۱۱ و ۱۰ دقیقه امروز هواپیماهای عراقی به قصد انهدام پل نادری اهواز به طرف پل بمب پرتاب کرد. این بمب سبز در رودخانه کارون افتاد.

در ساعت ۱۲ رادیو اهواز اطلاع داد که ۲۵۰ تانک نیروهای متجاوزگر عراقی در نزدیکی اهواز به محاصره نیروهای جمهوری اسلامی درآمده اند. رادیو اهواز مردم را به هوشیاری و آمادگی جهت مقابله با فاشیست های عراقی فراخواند از آن ساعت به بعد شهر اهواز مطلقاً تعطیل و مردم آگاه و مبارز اهواز با شور انقلابی بی نظیر در تمام خیابانها، محله ها و کوچه ها به ساختن سنگر پرداختند. هزاران دختر و پسر جوان، هزاران هزار زن و مرد، و پیر و جوان با

تراکت مردم مبارز خوزستان و کلبه هواداران سازمان را که دوره خدمت سربازی را گذرانده اند، دعوت به مراجعه و همکاری با سپاه پاسداران نمود. در این تراکت از هواداران خواسته شد تا شایستگی انقلابی خود را در دفاع از جمهوری اسلامی و دستاوردهای انقلاب خونین توده های قهرمان میهن به کار گیرند.

یگانگی و وحدتی چشمگیر و تلاشی تحسین برانگیز، در مدت کوتاهی سنگرهای بسیاری برپا داشتند. بطوری که در عرض ۴ تا ۵ ساعت حدود ۳ هزار سنگر در سطح شهر اهواز محکم و استوار ساخته شد. صدها و هزاران هوادار پرشور سازمان و دیگر نیروهای انقلابی در محلات کمپلو، کیان، خشایار، لشکرآباد سی متری، زیتون کارگری، حصیر آباد، آسیا آباد، زیتون کارمندی همدوش تمامی جانبازان راه استقلال و آزادی میهن انقلابی سراسر اهواز را سنگر بندی کردند تا هر کوی به سنگر تسلیم ناپذیر رزم خلق و گورستان متجاوزین ضد مردمی عراق تبدیل کنند.

فعال ترین سازمان سیاسی که در سازماندهی و بسیج مردم نقش دارد، سازمان ما است. رهنمودهای سازمان و به ویژه "نکاتی درباره آموزش مقاومت توده ای در مقابل دشمن" در هزاران نسخه تکثیر شده و توسط مردم و زن، پیر و جوان با ولع و اشتیاق خوانده می شود.

دیوار مساجد از رهنمودهای سازمان، که امضای آن را کنده اند، پر است. پشت جیب پاسداران و حتی ارتشی ها سبز نمونه های بی امضای رهنمود سازمان دیده می شود.

بر اساس رهنمودهای سازمان، صدها سنگر پایبندی علیه تجاوزات رژیم عراق برپا شد و دهها هزار تن در رزمی قهرمانانه با دشمن سازمان یافته اند.

بمباران های هوایی و آتش توپخانه ارتش متجاوزگر عراق شدت گرفته است. تاکنون صدها تن کشته و خانه های فراوانی ویران شده است.

هزاران نفر از زحمتکشان و جوانان که توسط بسیج مسلح شده اند، با پاسه راهی و گوگنل خود را مسلح کرده اند، راهی جبهه و سنگرها هستند.

# بسیج مسلح توده ها ضامن پیروزی خلق های ماست



### خلق در سنگر

امروز در ساعت ۱ و ربع روز پنجشنبه حمله هوایی صورت گرفت. این حمله در شمار حملات وحشیانه و نفرت‌انگیز مهاجمین جنایتکار به محلات مسکونی مردم اهواز است. دهها تن از مردم زحمتکش اهواز به شهادت رسیده‌اند و تعداد بیشتری زخمی شده‌اند. اهواز را پروائی از ویرانی و کشتار نیست.

## خرمشهر: بیم و امید، فتح و پیروزی

عراقی‌ها شهر را محاصره کرده‌اند. ممکن است شهر را گلوله‌باران کنند. دستور سازمان پرافتخارمان اسد که تا آخرین نفر و با تمام قوا مقاومت کنیم. همه مصمم به دفاع هستیم.

تا ساعت ۱۰ صبح اوضاع به سود عراقی‌ها بود که تا جاده کمربندی، یعنی تا دروازه شهر پیش آمده بودند. از ساعت ۱۰/۵ موج یک ضدحمله جانانه بر علیه نیروهای متجاوز عراق سازمان داده شد. مردم و پاسداران، پرسنل و سازمان در این ضد حمله فعالانه شرکت جستند. سلاح‌های مورد استفاده نیروهای خودی، تعدادی محدود توپ و تانک خمپاره‌انداز، آر.بی.جی هفت - بطور عمدۀ ۳- و ام. یک - کونکتل، سمراهی و از این قبیل بود. قوای متجاوز بعث تا حدود ۲۰۰ تانک به‌همراه داشتند. در این حمله که توده مردم جان برکف خرمشهر نقش برجسته و به‌یادگار ماندنی خود را قهرمانانه ایفا کردند تعداد زیادی از تانک‌ها، خودروها و مهمات دشمن منهدم و یا به غنیمت گرفته شد. متجاوزین، شکست خورده و با روحیه از دست رفته، عقب نشینی مفتضحانه را آغاز کردند. فدائیان خلق (اکثریت) که با کونکتل و سمراهی به خط اول جبهه رفت‌اند، به همراه مدافعین مفروز و سرفراز شهر پیام فتح و پیروزی را کوچه به کوچه و سنگر به سنگر ندا دادند تا به گوش تمامی

زحمتکشان ایران و جابازان راه استقلال و آزادی میهن برسانند.

خبر پیروزی مردم قهرمان خرمشهر بر قوای متجاوز عراقی موجی از شادی و امید در سراسر شهرهای خوزستان بخصوص اهواز و آبادان به‌وجود آورد. نسیم جان‌پرور امید و ایمان به پیروزی و سعادت انسان فضای شهر را فرا گرفت، خبر پیروزی مردم خرمشهر بلافاصله طی اطلاعیه کوتاهی از طرف شاخه خوزستان به اطلاع مردم مبارز اهواز رسید.

## ثروتمندان می‌گریزند زحمتکشان می‌رزمند

صبح زود است. بمباران هوایی است. صدای انفجار بمب‌ها نسبتاً شدید است. به‌دنبال بمباران هوایی آتش توپخانه فاشیست‌های بعثی روی محلات شهر متمرکز شده است و تا ظهر محلات مسکونی را می‌کوبد!! توپخانه عراق محلات

کیان، خشا‌بار، محوطه بین خیابان‌های امیر کبیر و ولی عصر، میدان راه‌آهن، فلکه سه‌دختر، خیابان لشکر نزدیک پادگان کوی یوسفی نزدیک پاداد و کوی گلستان را زیر آتش گرفته است. خانه و کاشانه بسیاری از زحمتکشان ویران شده، عده‌ای شهید و تعدادی زخمی شده‌اند.

تجار، ثروتمندان، کارمندان مرفه اولی‌ن دسته‌هایی هستند که شهر را ترک می‌گویند. زحمتکشان و جوانان نیروهای واقعی مدافع شهر هستند.

رادپو اهواز، اعلام می‌کند که توپخانه عراقی‌ها از فاصله ۳۰-۴۰ کیلومتری شهر را زیر آتش گرفته است. رادپو اهواز از مردم می‌خواهد که با کونکتل و سمراهی صهیای دفاع از شهر و مقابله با متجاوزین باشند.

### توده مردم، قهرمانان واقعی‌اند!

جوانان انقلابی اهواز، از چند روز گذشته همزمان با برپائی سنگرها، هزاران کونکتل و سمراهی آماده کرده بودند. در هر کوی و برزن،

مخله و خیابان، مرد و زن دختر و پسر، پیر و جوان با همگامی و همدلی بی‌مانندی چون روزهای پرشکوه قیام بهمن ۵۷ خود را آماده مقابله با تجاوزگران می‌کنند!

هزاران نفر از جوانان و زحمتکشانی که با توسط بسیج مسلح شده یا مجهز به سمراهی و کونکتل بودند، به قصد رویارویی با تانک‌های عراقی به طرف سراه اهواز خرمشهر در حرکتند. گلوله توپ همچنان بر شهر می‌بارد ساعت ۴ بعد از ظهر کوی صدیقه رضائی به ضرب گلوله توپ دشمن آسیب بسیار دید. تعداد شهدا را تا ده نفر برآورد می‌کنند. حمله کور و فاشیستی نیروهای مهاجم عراقی به محلات مسکونی مردم شهر تا اندازه‌ای سراسیمگی و آشفتگی را در شهر به‌وجود آورده است. متأسفانه از رادپو هم اطلاعیه یا رهنمود مشخصی در مورد چگونگی کم و کیف حمله توپخانه عراق و طرز ایمن ماندن از گلوله توپ در شهر پخش نمی‌شود. پیش از ظهر همان روز ۵ مهر ماه در حالی که زیر فشار آتش توپخانه عراق عده‌ای از مردم با سراسیمگی خانه و کاشانه خود را ترک می‌کردند اعلامیه شاخه خوزستان مبنی بر ضرورت دفاع تا پای جان به همراه رهنمودهای عملی درباره حفر خندق منتشر و دست به دست گشت. هزاران جوان انقلابی پرشور زیر آتش توپخانه عراق با بیل و کلنگ و هر وسیله دیگر، حفر خندق در تمام محلات شهر را آغاز کردند. کسانی که در آغاز باور می‌کردند در مقابل گلوله توپ، خندق جان‌پناه مناسبی باشد، با دیدن دختران جوانی که زمین سخت را آماده ساختن خندق می‌کنند، به جوانان پیوستند و در عرض چند ساعت هزاران خندق حفره‌ای تک نفره و چند نفره در سطح شهر اهواز آماده شد. در قسمتی از اعلامیه سازمان خطاب به مردم اهواز چنین گفته شد:

"عزم و دلآوری‌های مردم قهرمان ما بپوزه هر متجاوزی را به خاک می‌مالد. سنگرها در هر کوی و برزن، کوچه و خیابان، شهر و روستا درزی است تسخیرناپذیر و گورستانی است برای دفن امپریالیسم آمریکا. رمز پیروزی خلق ما در اتحاد و از خود گذشتگی است. این اتحاد و این از خود

"عزم و دلآوری‌های مردم قهرمان ما بپوزه هر متجاوزی را به خاک می‌مالد. سنگرها در هر کوی و برزن، کوچه و خیابان، شهر و روستا درزی است تسخیرناپذیر و گورستانی است برای دفن امپریالیسم آمریکا. رمز پیروزی خلق ما در اتحاد و از خود گذشتگی است. این اتحاد و این از خود

### گذشتگی استوارتر باد. پیروزی از آن ماست."

یکشنبه ۶ مهر ۱۳۵۹

از ساعت ۶/۵ صدى توپخانه ایران به گوش می‌رسد. از حدود ۷/۵ شلیک توپخانه عراق شروع شد. ساعت ۹ صدى شلیک شدیدتر بود. گلوله توپ در فیش‌آباد و کیان فرود آمده است.

آخرین خبر تا ساعت ۱۰ صبح: حمله متقابل نیروهای ایرانی که به وسیله توپخانه کمکی مشهد و اصفهان تقویت شده‌اند، از عصر روز گذشته شروع شده. قوای عراق تا ۶۰ کیلومتری اهواز عقب‌نشینی کرده. تلفات سنگینی به تانک‌های عراق وارد شده حدود ۲۰ تانک عراقی در گل نشسته و ۳۰ تانک منهدم شده است. قوای عراق در مقابل ضد حمله نیروهای ایران مجبور به عقب‌نشینی شده‌اند. فداکاری و همکاری مردم قهرمان اهواز در تقویت و پشتیبانی از جبهه برای همیشه در تاریخ مقاومت توده‌های ثبت خواهد شد. مردمی که با کونکتل و سمراهی و ام-یک به سوی تانک‌های عراقی حمله می‌کردند، شایسته تحسین ابدی‌اند. سیل خروشان توده‌های انقلابی بپوزه هر نیروی متجاوز را به خاک خواهد مالید.

اخبار پیشروی نیروهای ایرانی و عقب‌نشینی قوای متجاوز عراق مرتباً از جبهه به گوش می‌رسد.

آبادان در آتش می‌سوزد. پالایشگاه، تانکی فارم، آموزش و پرورش، خانه و کاشانه مردم زحمتکش آبادان زیر شلیک بی‌امان خصمه‌های عراق قرار گرفته‌اند. میگ‌ها هر از چند گاه پرواز می‌کنند و در زیر رگبار آتشبارهای ضد هوایی ایران انبوهی از بمب بر سر شهر کارگری آبادان فرو می‌ریزند. رزمندگان پرشور دوران قیام کارگران و زحمتکشان، جوانان، زنان و مردم قهرمان آبادان سنگرهای تدافعی، سنگرهای رزم خیابانی را برپا می‌کنند. "شوراهای دفاع محلی" شکل گرفته است و دیگر برای مردم آبادان نامی آشنا است. زیر آتش توپخانه عراق که از آن سوی "شط" بر مردم شهر فرو می‌ریزد، "کلاس‌های آموزش نظامی، گروه‌های امداد و تدارکات زیر نظر "شورای محل" به فعالیت

مشغولند. اینک روزهاست که در سراسر غرب و جنوب غربی میهن، میلیون‌ها زحمتکش ایرانی همراه با پاسداران، هواداران سازمان، جان بر کف و دلاورانه در برابر تجاوزگران مورد حمایت امپریالیسم آمریکا، از استقلال میهن ادامه می‌دهند. خبرها و گزارشات غرب میهن نیز همه حکایت از قهرمانی‌های مردم و شرکت فعال پاسداران و اعضای و هواداران سازمان در دفاع از استقلال میهن دارد.

تجاوزگران روز به روز در برابر مقاومت و پایداری خلق به‌پاخاسته ما، سرآسیخته و مایوس‌تر می‌شوند. هزاران شهید و مجروح خلق و میلیون‌ها زحمتکشی که به دفاع از استقلال ایران برخاسته‌اند، خبر از تداوم پرشکوه انقلاب می‌دهند. خلقی که اینچنین از استقلال خویش و از دستاوردهای انقلابش به دفاع برمی‌خیزد، و اینچنین در راه رهایی خویش از جان خود می‌گذرد، هر تجاوزی را درهم خواهد شکست و ایران را به گورستان امپریالیسم بدل خواهد ساخت...



کارگر پیشرو رفیق شهید فریدون مرتضی‌زاده



- ۱- چند تن از رفقای فدائی که در جبهه‌های مقاومت خوزستان همراه با صدها زحمتکش، پرسنل انقلابی و پاسدار به شهادت رسیدند و تاکنون به دست ما رسیده‌است:
- ۲- فدائی خلق رفیق علی حاتم زاده
- ۳- فدائی خلق رفیق غلامعباس بخرد
- ۴- فدائی خلق رفیق سهیلا مستعان‌زاده
- ۵- فدائی خلق رفیق فریدون مرتضی‌زاده

از میان پرسنل انقلابی نیز چند تن از فدائیان خلق به شهادت رسیده‌اند که پس از بررسی‌های بیشتر نام رفقا اعلام خواهد شد

# انگیزه تهاجم حکومت عراق و محتوای مقاومت مردم میهن ما

دارد این موضوع را فاش کند و به مردم عراق اعلام نماید که انگیزه تجاوز به خاک ایران همانا حفظ رژیم متزلزلی است که توده‌های عرب و کرد عراق علیه آن پیکار می‌کنند، این مسائل را همواره بطور فرعی مطرح کرده و می‌کوشد تا با تبلیغات شوونیستی چنین وانمود کند که رژیم صدام در اوج قدرت است و قصدش از تجاوز به خاک ایران آزاد ساختن " مشرق وطن عربی " از چنگ "مجوسان" است !!

همچنانکه مردم ایران در مقابله با توطئه‌های امپریالیسم و تجاوزات حکومت عراق از حمایت مردم مبارز عراق و احزاب و سازمان‌های انقلابی درگیر با رژیم صدام برخوردارند ، همچنانکه جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تجاوزات رژیم عراق از حمایت جنبش انقلابی عراق برخوردار است. رژیم عراق در ستیز با انقلاب ایران و تهاجم به میهن مانیزاحمایت ارتجاع وابسته به امپریالیسم، فرماندهان فراری رژیم شاه، دار و دسته بختیار خائن و خانهای باغی و شیخ‌های خودفروخته‌بهره‌مند است.

**دفاع قهرمانانه مردم میهن ما در برابر تهاجم رژیم جنگ افروز عراق عادلانه و انقلابی است. این را مردم ما به‌درستی دریافته‌اند و از همین روست که چنین قهرمانانه به‌پا خاسته‌اند.**

حکومت ارتجاعی عراق در ستیز با انقلاب ایران و تهاجم به میهن ما اولین و آخرین کلام را در افشای ماهیت رژیم عراق و محتوای این تهاجم فاشیستی بازگو می‌کند.

همه امپریالیست‌ها و در راس آنها امپریالیسم جهان‌خوار و جنایتکار آمریکا با تمام نیرو و شیوه‌های گوناگون کوشیده‌اند تا به ستیز رژیم عراق با انقلاب ایران دامن زنند و هرچه سریعتر حکومت عراق را به‌جنگ با جمهوری اسلامی ایران برانگیزند. در این راه امپریالیست‌ها به صورت پنهان و آشکار و به دست خود یا توسط متحدین و عمال خود ، رژیم ارتجاعی عراق را یاری کرده و چشم‌اندازهای حمایت همه‌جانبه را بروی آن گشودند. حکومت‌های مرتجع منطقه که همچون رژیم عراق جنبش توده‌ای و انقلاب ایران آنها را به هراس افکنده است ، در ستیز با انقلاب ایران چشم امید به رژیم عراق دوخته‌اند و همینکه حکومت عراق در پی دو سال توطئه با تمام قوا جنگ گسترده علیه مردم میهن ما را آغاز کرد ، یک به یک با تمام امکانات به یاری آن برخاستند و در واقع از کانال رژیم عراق جنگی همه‌جانبه را علیه انقلاب ما برراه انداختند.

حکومت عراق بطور اخص در دوسه سال اخیر منطبق با منافع بورژوازی قدرت یافته از یکسو با تمام قوا به سرکوب مبارزه توده‌ها پایمال کردن حقوق خلقها و نابودکردن آزادی‌های سیاسی مشغول شده و از سوی دیگر با شتاب زیاد در راه اتحاد با رژیم‌های ارتجاعی منطقه و پیوند با جبهه جهانی ارتجاع بسرکردگی امپریالیسم آمریکا گام نهاده است.

در این دوره ناسیونالیسم ارتجاعی که همواره و قبل از هرچیز جنبش کمونیستی و اردوگاه سوسیالیستی را دشمن و امپریالیسم جهانی را دوست و متحد طبیعی خود می‌داند، مبنای همه سیاست‌ها و عملکردهای حکومت عراق قرار گرفت ناسیونالیسم ارتجاعی رژیم عراق که معرف تمایلات بورژوازی است، دربرابر طبقه کارگر به شکل آنتی‌کمونیسم، در برابر خلق کرد به شکل پان‌عربیسم، در برابر سازمان‌های انقلابی به شکل تروریسم و در برابر انقلاب ایران بشکل شوونیسم عربی جلوه‌گر شد و عملکرد آن در رابطه با بلوک بندی جهانی انقلاب و ارتجاع دورشدن از اردوگاه سوسیالیستی و جبهه انقلاب و همسوئی و اتحاد با اردوگاه امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن بوده است.

بر این اساس رژیم عراق نه تنها نمی‌توانست جنبش توده‌ای و انقلاب ایران را با منافع خویش دمساز ببیند بلکه انقلاب ما را هم از آغاز خطری ملموس و عینی برای بقا خویش یافت و با تمام نیرو با آن به‌ستیز برخاست.

مبارزه گسترش یابنده مردم عراق علیه دیکتاتوری حزب بعث اساسا با جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم میهن ما سمت و سوی واحدی دارد و نظر به پیوندهای دیرینه خلقهای عراق و ایران و نیز شرایط ناشی از همجواری، انقلاب ایران بازتاب همه‌جانبه‌ای در میان مردم ستمدیده عراق برجای گذاشت و به نیروی ذخیره و یاری دهنده جنبش انقلابی مردم عراق مبدل شد.

بدین‌گونه رژیم ارتجاعی عراق، جنبش توده‌ای و انقلاب ایران را به‌صورت نیروئی که نه تنها از بیرون بلکه از درون قلمرو آن، حاکمیتش را مورد تهدید قرار داده در برابر خود و علیه خود یافت و طبیعتا دربرابر چنین خطری نه تنها ساکت ننشست بلکه برای دفع آن دست یاری بسوی همه مرتجعین منطقه و ارتجاع جهانی دراز کرد.

همانگونه که انقلاب ایران برای حکومت عراق به خطری جدی که مبارزه خلق عرب و کرد عراق را علیه رژیم صدام دامن زده است، مبدل شده، تجاوز علیه انقلاب ایران برای حکومت عراق بمثابة ادامه کوششهای آن برای سرکوب مبارزات مردم عراق جهت تحکیم حیات رو به زوالش ضرورت یافته است.

اگر بخواهیم این واقعیت را بطور ملموس‌تری مشاهده کنیم باید به مواضع رژیم عراق در قبال مبارزات شیعیان و کردهای عراق اشاره کنیم. رژیم عراق مدعی است که جمهوری اسلامی ایران از طریق تحریک شیعیان عراق در امور داخلی عراق دخالت کرده و به نقض حاکمیت دولت عراق اقدام کرده است، از سوی دیگر مدعی است که کردهای عراق توسط حکومت ایران تسلیح و حمایت می‌شوند و مستشاران نظامی و مبلغین جمهوری اسلامی ایران در میان کردها به فعالیت مشغولند. حکومت عراق با دست گذاشتن روی این موارد درواقع می‌خواهد تهاجم خود را به میهن ما بمثابة دفاع مشروع از حاکمیت خویش جلوه‌گر سازد. اما در عین حال از آنجا که بیم

این جبهه ارتجاعی هم از آغاز به متشکل ساختن فرماندهان فراری و خان‌های باغی و شیخ‌های مزدور و همه انگل‌های بازمانده از رژیم وابسته شاه مشغول شد و این عوامل مزدور را برای سرکوب جنبش انقلابی مردم میهن ما بسیج نمود.

ارتجاع وابسته به امپریالیسم، ضد انقلابیونی که در میهن ما به توطئه مشغولند، فرماندهان فراری ارتش، ساواکی‌ها، خان‌های باغی، شیخ‌ها و لیبرال‌ها به عنوان نیروی ذخیره این جبهه ارتجاع از درون به خرابکاری و زمینه‌چینی

برای به شکست کشاندن انقلاب مشغولند. ترکیب چنین جبهه‌ای جای هیچگونه شک و شبهه‌ای در شناخت ماهیت رژیم عراق سمت و سوی تحول آن و انگیزه تهاجم آن به خاک میهن ما باقی نمی‌گذارد. به‌درستی باید گفت که این همان جبهه‌ای است که امپریالیسم آمریکا آرزوی آن را در سر می‌پروراند و اینک توسط حکومت عراق جامعه عمل پوشید.

حکومت عراق که اینک همچون شمشیری برهنه و خونین در گف امپریالیسم قرار گرفته است تا بر پیکر انقلاب ما فرود آید، تلاش زیادی دارد تا انگیزه اصلی خویش را در تجاوز به میهن ما همچنان پنهان دارد. لیکن انگیزه‌های ادعائی رژیم عراق برای تجاوز به خاک میهن ما نه تنها کمتر از انگیزه اصلی این تجاوز در افشای این رژیم تخریخ‌ش نیست، بلکه ماهیت ضد مردمی آن را هر چه بیشتر برای مردم عراق و ایران برملا می‌سازد. حکومت عراق اینک از "قادسیه صدام" سخن می‌گوید و "سعد و قاص" این بار به هیئت صدام "خروج کرده‌است تا "شرق وطن عربی" را از اشغال "مجوسان" درآورد.

دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم عراق اینک به‌گونه‌ای فاشیستی از "وحدت میهن عربی" ، "عراق بزرگ" و "وحدت عربی" دم می‌زنند و مذبحخانه می‌کوشند تا ناسیونالیسم ارتجاعی را دامن بزنند، شوینیسم را تبلیغ کنند و به دست مردمی که می‌خواهند این رژیم را سرنگون کنند، امپراطوری جدیدی علیه مردم بنا نهند!

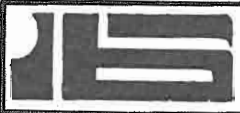
رژیم عراق اکنون می‌کوشد تا عرب را در برابر فارس! اسلام را در برابر مجوس!! و عراق را در برابر ایران !!! قرار دهد و با چنین خودفریبی‌هایی تلاش مذبحخانه خود را برای جلوگیری از سقوط حتمی به "قادسیه صدام" تعبیر کند و دفاع از تخت دیکتاتوری را در لطف من درآوردی جهاد اکبر برای رهایی "شرق وطن عربی" !! قالب کند. لیکن اینهمه از نظر مردم میهن ما تنها و تنها یک معنی دارد و آن هم تهاجم یاس‌آمیز ارتجاع رو به زوال عراق به انقلاب ایران است و نه‌چیزی دیگر. مردم میهن ما همچون همه خلق‌های جهان نه طالب جنگ‌اند و نه حامی جنگ‌طلبان. مردم میهن ما به خوبی می‌دانند که خلق‌های هر کشور یا پیکار متشکل خویش سرنوشت خود را تعیین می‌کنند و انقلاب خود را به پیروزی می‌رسانند. خلق‌ها در این راه از حمایت جبهه جهانی انقلاب برخوردارند. لیکن هرگز برای دستیابی به پیروزی طالب جنگ میان دولت‌ها نیستند.

دفاع قهرمانانه مردم میهن ما در برابر تهاجم رژیم جنگ‌افروز عراق عادلانه و انقلابی است. این را مردم ما به‌درستی دریافته‌اند و از همین رو است که چنین قهرمانانه به‌پا خاسته‌اند. رژیم عراق که اکنون تنها به ارتش و پلیس‌سیاسی متکی شده است، در تهاجم به میهن ما نه تنها

بقیه در صفحه ۱۷

**بگوئیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنان را  
علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم**





# توده‌های مسلح و پرسنل انقلابی با قهرمانی علیه تجاوزگران پیکار می‌کنند!

حمله تجاوزکارانه رژیم ارتجاعی عراق به دستاوردهای انقلاب مردم ایران با سد محکمی از مقاومت زحمتکشان ما روبرو شده است.

سرزمین‌های غربی و جنوبی میهن اینکروزها است که شاهد پایداری توده‌هایی است که برای دفاع از دستاوردهای انقلاب خویش چون تنی واحد در برابر ارتش متجاوز عراق بپا جاسته‌اند. مقاومت مردمی که در زیر بمباران وحشیانه هواپیماها و آتش مداوم توپخانه ارتش عراق به دفاع از استقلال میهن خویش برخاسته‌اند گوشه دیگری از حماسه جانبازی و دلاوری زحمتکشانی است که با آفریدن روزگاری چون رژیم شهریور و ۲۲ بهمن رژیم دیکتاتوری شاه را به گور سپردند و اکنون دست در کار نابودی سلطه امپریالیسم جهانی بر ایران هستند.

تجاوز رژیم ارتجاعی عراق و ضرورت رو یا روئی آشکار با آن، امروز تسلیح توده‌های زحمتکش را برای مقاومت در برابر این جنگ تحمیلی برای دفاع از استقلال میهن بیش از هر زمان دیگر ضروری ساخته است. واقعیت این است که بار اصلی جنگ، از تحمل مصائب آن گرفته تا مقاومت‌های قهرمانانه به دوش طبقه کارگر و سایر زحمتکشان ایران است و درست به همین خاطر است که مردم و در راس آن طبقه کارگر بعنوان نیروی اصلی مدافع انقلاب باید مسلح شوند. تجاوز رژیم عراق به ایران علیرغم همه مصائبی که دارد باردیگر درستی این گفته ما را - که همواره برای انجام آن پافشاری کرده‌ایم - به اثبات رساند که: یگانه نیرویی که قادر است از دستاوردهای انقلاب دفاع کند، آن را قاطعانه به جلو برده و به پیروزی نهایی رساند قدرت مسلح کارگران و زحمتکشان است.

تسلیح توده‌ها بعنوان ضرورت حفظ انقلاب و به پیش بردن آن در برابر انواع و توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا از همان روزهای پیروزی قیام وجود داشت ولی علیرغم خواست توده‌ها و پافشاری همه

نیروهای انقلابی تسلیح توده‌ها عملی نشد. دولت موقت بازرگان و سپس از سقوط آن نمایندگان لیبرال‌ها در درون و بیرون ارگان‌های حکومتی، پرچمدار تلاش در جهت خلع سلاح مردمی که در نتیجه قیام بهمن ماه مسلح شده بودند و جلوگیری از تسلیح توده‌ها بوده و هنوز هم هستند. لیبرال‌ها لحظه‌ای از تلاش در جهت خلع سلاح مردم دریغ نکردند. مردم ایران بیاد دارند که مهندس بازرگان همواره درصدد به دست آوردن فرصت مناسبی بود تا به کمک همفکران دیگر زحمتکشان را خلع سلاح سازد. او چنین وانمود می‌ساخت که تا وقتی اسلحه در دست مردم است، سنگ بر روی سنگ باقی نخواهد ماند! البته این حرف مهندس بازرگان که اعتقاد همه سرمایه‌داران است حاوی حقیقت بس مهمی است. زمانی که اسلحه در دست توده‌های مردم زحمتکش است خواب راحت به چشمان سرمایه‌داران راه نخواهد یافت و امروز نیروهایی در برابر حمله تجاوزکارانه ارتش عراق به مقابله ایستاده‌اند که لیبرال‌ها بیشترین دشمنی را نسبت به آنان ابراز داشته‌اند.

پاسداران و پرسنل انقلابی ارتش و توده‌سربازان درجه‌داران و افسران جزء که در کنار مردم رزمنده ایران و نیروهای انقلابی خلق برای درهم شکستن تجاوز رژیم ارتجاعی عراق می‌جنگند همواره مورد انواع دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌های لیبرال‌ها و دیگر وابستگان به امپریالیسم بوده‌اند. متحدان داخلی امپریالیسم جهانی برای پیشبرد مفاصد خود در جهت نزدیکی هرچه بیشتر به امپریالیسم جهانی پاسداران را که نیروی ضد امپریالیست هستند همواره به عنوان "مزاحمی" پیش

روی خود دیده‌اند و با دسایس گوناگون برای تضعیف آنان کوشیده‌اند. پرسنل انقلابی ارتش و توده محروم سربازان و درجه‌داران که فرزندان کارگران و زحمتکشان میهن ما هستند و با دلاوری و جانفشانی بزرگ‌ترین سهم را در پیروزی‌های ایران بر ارتش رژیم ارتجاعی عراق برعهده دارند نیز مورد شدیدترین فشارها و اتهامات قرار گرفته و شوراها و انجمن‌های آنان پیوسته مورد یورش واقع شده و همواره خواسته‌های برحق آنان مبنی بر لغو نظام اطاعت کورکورانه در ارتش و تصفیه ارتش از لوث وجود فرماندهان سلطنت طلب و ضدانقلابی نادیده گرفته شده است.

نقش سربازان، درجه داران و افسران جزء متعهد به انقلاب در دفاع دلاورانه از استقلال میهن و کشف و خنثی ساختن فعالیت عناصر ضدانقلابی درون ارتش بار دیگر این تجربه زندگی را - که ما همواره بر آن پای فشرده‌ایم - ثابت می‌کند که نیروهای مسلح باید متکی بر زحمتکشان باشند، باید شوراها و انجمن‌های سربازان درجه‌داران و همافران و افسران جزء در درون ارتش به رسمیت شناخته شوند. باید ارتش هرچه بیشتر به این نیروهای انقلابی متکی گردد.

حکومت جمهوری اسلامی نیز هرگز به تسلیح توده‌ها آنچنان که نیاز انقلاب ما است توجه نکرد و حتی تلاش‌های زیادی برای خلع سلاح مردم به عمل آورد و امروز زمانی که تهاجم دشمن خسارات و آسیب‌های بی‌شماری را بر مردم ما وارد آورده است، امروز که تنها شرط دفاع از استقلال میهن تکیه کردن هرچه بیشتر بر مقاومت مردم است، با تردید و دودلی دست به چنین کاری زده است.

رژیم جمهوری اسلامی نیز به‌صورتی بسیار محدود به تسلیح توده‌ها اقدام کرده است. این عمل باید هم چنان پس از درهم شکستن تجاوز رژیم بعثی عراق نیز بخاطر مقابله با تهاجمات احتمالی امپریالیسم جهانی و متحدین ضدانقلابی داخلی آن، ادامه داشته باشد. وجود توده‌های مسلح انقلابی یگانه روش مطمئن دفاع از انقلاب می‌باشد. وقتی زحمتکشان ایران مسلح و متشکل باشند، امپریالیسم آمریکا، رژیم عراق و هر نیروی ضد مردمی دیگری هرگز جرات حمله به مردم ما را در سر نمی‌پروراند و اگر هم چنین کنند، زحمتکشان ایران بسیار زودتر و سریع‌تر و با تحمل مصائب و دشواری‌های بسیار کمتری پوزه آنان را به خاک می‌مالند.

مقاومت دلیرانه مردم سرزمین‌های خوزستان، گیلان، غرب، ایلام و همه نوار مرزی و ایستادگی آنان در برابر تهاجم ارتش تجاوزگر عراق و مقاومت دلاورانه پرسنل انقلابی و مبارز باردیگر این درس همه انقلابات جهان را به اثبات می‌رساند که دشمنان مردم حقیرتر از آنند که در برابر اراده متحد خلق و بی‌خاسته یارای مقاومت داشته باشند.

هم‌اکنون نیز لیبرال‌ها و همه محافل مورد حمایت امپریالیسم علیرغم اعتراض توده‌های مردم و پرسنل انقلابی مایلند فرماندهان آمریکائی نظیر تیمسار

مقاومت دلیرانه مردم سرزمین‌های خوزستان، گیلان، غرب، ایلام و همه نوار مرزی و ایستادگی آنان در برابر تهاجم ارتش تجاوزگر عراق و مقاومت دلاورانه پرسنل انقلابی و مبارز باردیگر این درس همه انقلابات جهان را به اثبات می‌رساند که دشمنان مردم حقیرتر از آنند که در برابر اراده متحد خلق و بی‌خاسته یارای مقاومت داشته باشند.

باقری‌ها، علوی‌ها، مدنی‌ها، سپهبد مهدیون‌ها و... را در راس ارتش باشند. آنها که بیشترین مخالفت‌ها را با تصفیه عناصر ضدانقلابی درون ارتش انجام داده‌اند و عملاً یار و یاور امپریالیسم در تهاجم نظامی به طس، کودتای آمریکائی پایگاه نوزه و... بوده‌اند، همواره کوشیده‌اند تا با دروغگوئی و عوام‌فریبی بر اعمال ضد انقلابی خود سرپوش گذارد. ما بازم می‌گوئیم لیبرال‌ها و دیگر همدستانشان با توجه به موقعیت کنونی کوشش می‌کنند تا از تصفیه باقیمانده فرماندهان آمریکائی در ارتش جلوگیری کرده، اطاعت کورکورانه و وابستگی تسلیحاتی ایران را به امپریالیسم تحکیم بکنند.

اما مردم ایران دریافته‌اند که کسی می‌تواند از زحمتکشان دفاع کند که از میان آنان برخاسته و به آنان تعلق داشته باشد. مردم ایران هرگز و از هیچ کسی باور نخواهند کرد که امثال مدنی‌ها، علوی‌ها و باقری‌ها قلبشان برای انقلاب متید و از زحمتکشان دفاع کنند. برای حفظ دستاوردهای انقلاب و تداوم و تعمیق آن باید:

زحمتکشان ایران برای مقابله با تهاجمات امپریالیسم جهانی و متحدین داخلی‌اش و همه رژیم‌های ارتجاعی منطقه مسلح گردند. کمیته‌های دفاع کارگران به رسمیت شناخته شوند. پاسداران به سلاح‌سگین مجهز شوند.

شوراها و انجمن‌های پرسنل انقلابی ارتش، به رسمیت شناخته شوند. ساخت درونی ارتش دمکراتیزه شود و نظام اطاعت کورکورانه در ارتش ملغی اعلام شود. تصفیه انقلابی در ارتش با قاطعیت و پایداری ادامه یابد.

**توزیع سه‌گانه و مواد غذایی رایج**  
**شوراها و کمیته‌های محل، واگذار کنید**  
**تا احتکار کنندگان و سودجویان نتوانند مایحتاج مردم را انبار کنند**

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران (اکثریت)  
مهر ۱۳۵۹

**گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی،  
و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا**

# امپریالیسم امریکا، از تهاجم عراق علیه مراکز صنعتی ایران چه هدف هائی را دنبال می کند؟

جنگ عراق و ایران می تواند در پی داشته باشد درهم شکستن حکومت کنونی ایران است. امیدوار ما به جلب ایران به سوی امریکا نه در نتیجه فوری جنگ بلکه در نتایجی است که این جنگ بدنبال خواهد داشت.

آری! این بیان صریح و روشن برنامه ای است که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا برای مقابله با جنبش انقلابی ایران تدارک دیده است. توجه به همین سخنان جوزف سیسکو کافی است که دریابیم تهاجم نیروهای نظامی دولت ضد مردمی عراق به ایران تا چه حد در خدمت سیاست امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا است.

دولت عراق مراکز اقتصادی بویژه مراکز نفتی، پالایشگاه آبادان و تبریز و کرمانشاه، جزیره خارک، پتروشیمی بندر امام خمینی، کارخانه نورد اهواز و دیگر تاسیسات صنعتی بندرگاهها و سیلواها را مورد حملات هوایی قرار داده است.

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا امیدوار است که با این جنگ اقتصاد ایران فلج شود. تحریم اقتصادی مقدمه ای بود برای افزایش گرانی و بیکاری، ایجاد نارضایتی در میان توده ها و خلاصه آماده کردن زمینه برای به قدرت رساندن یک رژیم وابسته به امپریالیسم. تهاجم نظامی دولت ضد مردمی عراق به مراکز نفتی ایران نیز در جهت پیشبرد این سیاست است.

ممکن است گفته شود که امپریالیسم جهانی خود به نفت خام کشورهای خلیج فارس نیازمند است و از درگیری کنونی ضربه خواهد دید. اما کشورهای امپریالیستی از مدتها پیش خود را برای چنین روزی آماده کرده بودند. هم اکنون متجاوز از یک سال است که کشورهای امپریالیستی انبارهای خود را از نفت خام انباشته اند. ذخیره نفت خام در انبارهای شرکت های نفتی کشورهای امپریالیستی به تنهایی به اندازه ای است که برای بیش از سه ماه نیاز این کشورها را به نفت خام تامین کند. علاوه بر این ذخیره عظیمی تحت عنوان "ذخائر استراتژیکی" در اختیار دولت های امپریالیستی قرار دارد در یکسال گذشته دولت های عراق و عربستان سعودی با افزودن به میزان صادرات نفت خام خود (برای پائین آوردن قیمت نفت خام اوپک و تامین منافع شرکت های انحصاری نفتی و کشورهای امپریالیستی) علیرغم مخالفت ایران، لیبی و الجزایر در خدمت سیاست امپریالیسم جهانی قرار داشته اند. بدین ترتیب امپریالیسم جهانی از این که برای مدتی بخشی از نقل و انتقال نفت خام از خلیج فارس مختل شود چندان پروا می ندارد...

صنایع نفت میهن ما که به همت کارگران، تکنسین ها و کارشناسان و مهندسان متعهد و انقلابی می تواند در رشد اقتصادی مستقل ایران نقش بارز و برجسته ای ایفا کند، در اثر حملات نیروهای مهاجم عراقی تاکنون ضربه سختی خورده است و اگر این تهاجمات ادامه یابد و این صنایع عظیم بهش از این تخریب شود،

تجاوز دولت عراق به ایران همسوئی این رژیم را با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا آشکارا نشان داد. امپریالیسم جهانی به این خیال باطل دل بسته بود که فشار روزافزون بیکاری و گرانی و ناتوانی دولت در رفع آن و تحدید آزادی ها و حقوق دمکراتیک از جانب حکومت جمهوری اسلامی، مردم ایران را به سرخوردگی از ادامه انقلاب و دفاع از دستاوردهای آن کشانده است. امپریالیسم امریکا به این امید دل بسته بود که تهاجم عراق حاکمیت ایران را درهم خواهد شکست.

جوزف سیسکو کارشناس وزارت خارجه امریکا در امور خاورمیانه در مصاحبه چهارشنبه دوم مهرماه یعنی دو روز پس از تهاجم گسترده نیروی نظامی عراقی به ایران چنین می گوید:

ما هیچ آمیدی به این که حاکمیت کنونی ایران با امریکا به تفاهم رسد، نداریم. آنچه

قهرمانانه خویش علیه امپریالیسم، مبارزه ای که در تداوم خود رهائی کامل زحمتکشان را به ارمغان می آورد، منصرف سازد. امپریالیسم جهانی از اوایل سال جاری خرید نفت خام از ایران را عملاً تحریم کرده است. با این هدف که بدین وسیله فشار بازهم بیشتری بر اقتصاد وابسته ایران که همه چیزش، از بودجه دولت گرفته تا ارز برای واردات نوع کالای صنعتی و مصرفی، به صدور نفت خام وابسته است، وارد آورد.

در این میان سیاست های حکومت جمهوری اسلامی در برخورد با بحران اقتصادی، با مسئله بیکاری گسترده متجاوز از دو میلیون کارگر و زحمتکش، در برخورد با گرانی فزاینده و بحران مسکن و نیز در برخورد با مسئله وابستگی اقتصاد ایران به امپریالیسم چنان بوده است که راه را بر گسترش و تعمیق نتایج مورد نظر امپریالیسم از سیاست های فشار اقتصادی بسته است.

جمهوری اسلامی بجای اتخاذ سیاست های ضربتی و همه جانبه، بجای دنبال کردن برنامه ای منظم در جهت مقابله با سلطه اقتصاد امپریالیسم بر اقتصاد وابسته ایران، بجای گسترش پیوند با کشورهای سوسیالیستی و سایر دول ترقی خواه طرفدار انقلاب ایران که لازمه مقابله با وابستگی و دفاع از استقلال میهن است، بجای مقابله همه جانبه با گرانی و بیکاری که زندگی میلیون ها هم میهن ما را سخت زیر فشار گذاشته است، همچنان مرز میان کشورهای دوست انقلاب ایران را با امپریالیست ها درهم می ریزد و آزادی ها و حقوق دمکراتیک مردم میهن ما را که با خون هزاران شهید به دست آمده و لازمه گسترش انقلاب و مقابله با امپریالیسم جهانی و متحدان داخلی آن است، پایمال می کند.

و اینهمه جنبه انقلاب را بسود جنبه ضد انقلاب تضعیف می کند و ضربات سنگینی به تداوم و گسترش انقلاب وارد می سازد. در چنین شرایطی است که ضدانقلاب جهانی و در رأس آن امپریالیسم امریکا با تجاوز رژیم ضد مردمی عراق به میهن ما، آرزوی شکست انقلاب ایران را در سر می پروراند.

تجاوز دولت عراق به ایران همسوئی این رژیم را با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا آشکارا نشان داد. امپریالیسم جهانی به این خیال باطل دل بسته بود که فشار روزافزون بیکاری و گرانی و ناتوانی دولت در رفع آن و تحدید آزادی ها و حقوق دمکراتیک از جانب حکومت جمهوری اسلامی، مردم ایران را به سرخوردگی از ادامه انقلاب و دفاع از دستاوردهای آن کشانده است. امپریالیسم امریکا به این امید دل بسته بود که تهاجم عراق حاکمیت ایران را درهم خواهد شکست.

جوزف سیسکو کارشناس وزارت خارجه امریکا در امور خاورمیانه در مصاحبه چهارشنبه دوم مهرماه یعنی دو روز پس از تهاجم گسترده نیروی نظامی عراقی به ایران چنین می گوید:

ما هیچ آمیدی به این که حاکمیت کنونی ایران با امریکا به تفاهم رسد، نداریم. آنچه

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا، تا بحال تمامی توان خود را به کار گرفته است تا با اعمال فشارهای گوناگون اقتصادی، سیاسی، نظامی و تبلیغاتی، جنبش انقلابی ایران را به انحراف بکشانند. از نخستین روزهای پس از قیام بهمن ۵۷، انحصارات امپریالیستی با همدستی سرمایه داران وابسته اختلالاتی گسترده در صنایع و در اقتصاد وابسته ایران به وجود آوردند. با این هدف که بتوانند با کاهش تولید با افزایش گرانی و بیکاری گسترده، پشت مردم رزمنده میهن ما را خم کنند. مردم را از انقلاب و ادامه آن سرخورده و نومید سازند، سازشکاران را تدرت بخشند و انقلاب را دچار شکست کنند. با این هدف که لیبرال ها را بر سر کار آورند و کار خود را از سر گیرند و سلطه خود را بر ایران دوباره تثبیت و تحکیم کنند.

اما مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک کارگران و زحمتکشان میهن ما با شنایی روزافزون به پیش تاخته است و امپریالیسم را لحظه به لحظه به عقب نشینی واداشته است. هرچه انقلاب پیشتر می رود، جنبه ضدانقلاب فشرده تر در مقابل آن قرار می گیرد و هر لحظه که دامنه جنگ بالاتر می گیرد، امپریالیسم می کوشد سلاح دیگری را برای مقابله با مبارزان، از زرادخانه خود بیرون کشد. امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا آنگاه که به ناتوانی لیبرال ها برای کسب قدرت پی برد، آنگاه که توده های محروم و زحمتکش و آگاه سیاست "گام به گام" - بسوی سازش با امپریالیسم - بازرگان را طرد کردند و "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" با تسخیر مرکز جاسوسی امریکا ضربات سنگینی بر پیکر لیبرال ها وارد ساختند، دست به سلاحی تازه برد و آن تحریم رسمی اقتصاد ایران بود. این فشاری تدریجی و تشدید شونده بود که نیروهای امپریالیستی علیرغم تضادهای میان خود، علیرغم امیدواری دیدگاه هائی

که سازش با نیروهای امپریالیستی اروپا و ژاپن را موعظه می کردند (و هنوز هم می کنند) با اتحاد عمل در مقابل مبارزات ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان میهن ما اتخاذ نمودند.

اقتصاد وابسته میهن ما همانطور که بارها در این صفحات گفته ایم، با پیوندهای عمیقی در وابستگی و تابعیت از شبکه انحصارات امپریالیستی قرار گرفته است و این نتیجه چند دهه رشد منحط سرمایه داری وابسته در ایران است. آری! امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا، وابستگی اقتصادی میهن ما را چون سلاحی در مقابل جنبش انقلابی توده های محروم و زحمتکش میهن ما به کار گرفته است. امپریالیسم جهانی فروش مواد و وسایل مورد نیاز صنایع وابسته ایران را تحریم کرده است، یا از طریق وابستگیاش (چون کویت، پاکستان، ترکیه، کره جنوبی و...) با قیمت هائی بسیار گران عرضه می کند. این همه برای آن است که بیکاری هرچه بیشتر گسترش یابد و گرانی دم افزون، کارگران و زحمتکشان میهن ما را هرچه بیشتر در منگنه قرار دهد و مردم را از ادامه مبارزه تاریخساز و

# امپریالیسم امریکا

بقیه از صفحه ۶

اقتصاد میهن ما برای به راه انداختن کارخانه‌ها، کامیون‌ها، تراکتورها و اتوبوس‌ها باید نفت و بنزین و گازوئیل خود را از خارج وارد کند. باید سوم نیاتی و کود شیمیائی مورد نیاز کشاورزان تماما از خارج تامین گردد. با از کار افتادن بخشی از مراکز تصفیه نفت و شبکه نفت‌رسانی، صنایع ایران و تمامی حیات اقتصادی ایران مختل خواهد شد. هم‌اکنون برخی از عوارض آبی آن را شاهد بوده‌ایم. اما اگر حتی تخریب صنایع نفتی از همین حدی که تاکنون شده دشوارتر نبود، باید خود را آماده مقابله با روزهای دشواری که در پیش است، کنیم. کمبود مواد سوختی باعث ایجاد وقفه در تولید کارخانه‌های کشور خواهد شد. چنانچه سیاست‌هایی عاجل و همه‌جانبه برای مقابله با این مساله اتخاذ نشود، بیکاری گسترشی بسیار عظیم‌تر از آنچه داشته است، خواهد یافت و به ابعاد وحشتناکی خواهد رسید. کمبود کالا، گرانی و حتی قطعی با شدت و دامنه بی‌سابقه‌ای زندگی کارگران و زحمتکشان میهن ما را تهدید خواهد کرد.

شبکه حمل و نقل کشور دچار اختلال شدیدی خواهد شد. نه تنها زندگی روزمره بر مردم شهرها و روستاها دشوار خواهد شد بلکه نقل و انتقال کالا، مواد صنعتی مختل می‌شود و این خود سبب تشدید اختلالات در تولید، کاهش تولید، افزایش بیکاری و کمبایی بازم بیشتر و گرانی فزاینده‌ای خواهد شد.

کمبود سوخت تراکتورها و پمپ‌های آب کشاورزان را از حرکت باز خواهد داشت و تامین گرما در منازل، به‌ویژه در مناطق سردسیر میهن، را با دشواری مواجه خواهد ساخت.

حملات نیروهای دولت ضد مردمی عراق به خرمشهر، بر بزرگ‌ترین بندر وارداتی میهن ما لطمات شدیدی وارد ساخته و انبارهای بزرگ کالا را از میان برده است. این خود باعث ایجاد کمبود فوری در مواد صنعتی، لوازم یدکی، ماشین‌آلات و کالاهای مصرفی خواهد شد که تاثیر فزاینده‌ای بر کاهش تولید و افزایش گرانی و بیکاری خواهد داشت.

گذشته از اینها که تاثیرات فوری تهاجم نیروهای دولت ضد مردمی عراق به میهن ماست، در ماههای آینده با دشواری‌های بازم بیشتری مواجه خواهیم بود. بیش از ۷۰٪ از بودجه دولت قرار بوده است از محل صدور نفت خام تامین گردد. از ماههای نخست سال جاری به علت تحریم اقتصادی ایران به وسیله کشورهای امپریالیستی، صادرات نفت خام که دولت روزانه ۲ میلیون بشکه پیش‌بینی کرده بود، به کمتر از روزی ۷۰۰ هزار بشکه کاهش یافته بود و در روزهای گذشته این رقم کاهش یافته است. دولت ناگزیر با کسری بودجه عظیم‌تری از آنچه که پیش‌بینی کرده بود، مواجه خواهد شد و راه علاج آن را همچنان که اشاراتی به آن شده است، در کاهش اعتبارات جاری و عمرانی و افزایش اسکناس در گردش و اعتبارات بانکی خواهد جست. این نیز خود باعث افزایش بیش از پیش بیکاری (در نتیجه کاهش اعتبارات جاری و عمرانی) و بالا رفتن بازم بیشتر قیمت‌ها (در نتیجه افزایش اسکناس در گردش و اعتبارات بانکی دولت) خواهد گشت. در این تنگنا، بسیاری از آنچه را دولت نوید به انجام هرچند محدود آن داده

ناشی از مقابله با امپریالیسم و پیشگیری از خطر قطعی و فلاکت توده‌های محروم و زحمتکش، اقتصاد میهن ما درجهت قطع سلطه امپریالیسم برپا نگهداشته شود. در این راه:

۱- باید کارخانه‌های بیکار کارگران، تکنسین‌ها و مهندسان متعهد و انقلابی و با بسیج آنها در شوراها و سندیکاها واقعی درجهت مبارزه با وابستگی و قطع نهائی آن و برای جلوگیری از کاهش تولید بکار افتد. در یکسال ونیم گذشته دولت هیچ برنامه‌ای اساسی برای تبدیل صنایع وابسته ایران به صنایعی مستقل و در خدمت نیازهای کارگران و زحمتکشان میهن دنبال نکرده است. اکنون این وسوسه ممکن است در ذهن دولتیان باشد که برخی از صنایع را به تعطیل کشاند تحت این عنوان که این صنایع ضروری نیستند. ما می‌گوئیم به تعطیل کشاندن این صنایع به هر عنوانی به معنای بیکار کردن کارگران و از کار انداختن ظرفیت تولیدی است که می‌تواند در خدمت تامین نیازهای اقتصاد میهن ما باشد. بجای تعطیل کردن کارخانه‌ها باید آنها را با تغییر و تبدیلاتی به صنایعی مستقل و مورد نیاز بدل کرد. چرا هنوز محصول عمده کارخانه ایران ناسیونال اتوموبیل سواری است در حالیکه شبکه اتوبوسرانی شهرها به علت کمبود اتوبوس توان جابجا کردن مردم را ندارد، در حالیکه وسائل نقلیه عمومی برای ارتباط میان شهرها و روستاها در ابتدائی‌ترین شکل ممکن است؟

۲- باید ذخائر مواد اولیه صنعتی و مواد سوختی با دقت و برنامه‌ریزی همه‌جانبه به‌دور از دست کارخانه‌داران و تجار مورد استفاده قرار گیرد تا کمبود این مواد باعث تعطیل کارخانه‌ها، بیکاری کارگران، کمبود کالا و گرانی بیش از پیش نگردد. این کار مستلزم نظمی دقیق است که انجام آن تنها از عهده شوراهای کارخانه‌ها و موسسات دولتی و خصوصی برمی‌آید.

۳- باید تجارت خارجی و عمده‌فروشی داخلی هرچه سریع‌تر دولتی اعلام گردد و از تجاری که برای سودهای کلان در روزهای سختی که در پیش است کیسه دوخته‌اند، خلع ید به عمل آید. شورای انقلاب و رضا صدر وزیر بازرگانی، پس از ماهها ائتلاف وقت لایحه قانونی کدائی مراکز تهیه و توزیع را به تصویب رساندند که در واقع به موجب آن وزارت بازرگانی دست در دست تجارت بزرگ در پی تعدیل وضع بازار باشد. این لایحه قانونی به هیچ‌روی نمی‌تواند دست انحصارات تجاری را از گلوگاه بازار، کسبه جزئی و توده محروم و زحمتکش که شدیدترین بار گرانی بر پشت آنان سنگینی می‌کند، بردارد. باید تجارت خارجی و عمده‌فروشی دولتی یکسره دولتی اعلام شود.

۴- باید تمامی صنایع وابسته‌ای که تاکنون به تملک دولت درنیامده، یا آنکه تنها بخشی از سهام آنها در اختیار دولت قرار گرفته است، بیدرنگ دولتی اعلام گردند. این سیاست نه تنها واحدهای تولیدی بلکه باید واحدهای خدماتی و تجاری شرکت‌های عظیمی را که بر شبکه‌ای بزرگ از واحدهای گوناگون و متعدد فرمانروائی دارند، نیز دربر گیرد. باید از سرمایه‌داران بزرگ بطور کامل خلع ید به عمل آید تا زمینه ایجاد اختلال آنها در اقتصاد میهن ما از آنان سلب گردد.

۵- باید هرچه زودتر روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی و سایر کشورهای ترقی‌خواه که در مبارزه با امپریالیسم در کنار انقلاب‌طلبان ایران قرار دارند، بسط و گسترش یابد. این امر لازمه دفاع از استقلال میهن و مقابله با سلطه امپریالیسم است. با اتکاء به مواد اولیه صنعتی، ماشین‌آلات انحصارات امپریالیستی که اقتصاد میهن ما بدان وابسته است، نمی‌توان به نبرد با امپریالیسم رفت. باید این مواد و این مصنوعات از کشورهای تامین گردد که در نبرد

بود، چون تامین مسکن، بهداشت و امکانات آموزش دچار وقفه خواهد گشت. کمبود ارز برای تامین هزینه واردات مسئله دیگری است که در ماههای آینده اقتصاد وابسته میهن ما را تحت فشار شدید قرار خواهد داد چرا که تنها منبع قابل توجه تامین ارز برای اقتصاد ایران صادرات نفت خام است و با وضعی که پیش آمده است این صادرات دست کم در ماه‌های آینده انجام نخواهد پذیرفت.

بدین ترتیب اقتصاد وابسته ایران که در سال به متجاوز از ۱۵ میلیارد دلار مواد اولیه کالاهای واسطه، ماشین‌آلات و ابزار و هم‌چنین کالاهای مصرفی خارجی متکی بوده است، در سال جاری با مسئله کمبود ارز مواجه خواهد شد هرچند این مسئله تا حدودی با ذخیره ارزی که هم‌اکنون در دسترس دولت است قابل جبران است اما آنچه هست (بجز آنچه دولت امپریالیستی آمریکا در بانکهای آن کشور مسدود کرده است) آخرین ذخیره ارزی است که در دست دولت قرار دارد.

هم‌اکنون موقعیتی بسیار حساس در پیش است. زمان، زمان جنگ علیه تجاوز رژیم ضد مردمی عراق که مورد حمایت امپریالیست‌ها می‌باشد، است، جنگی که صحنه اقتصادی از میدان‌های کارزار عمده آن است. دولت باید تمامی سیاست‌های انحصارطلبانه و نفاق‌افکنانه را بیکاره کنار نهد و صریحا و علما اتحاد صفوف خلق را بپذیرد. باید بی‌درنگ سیاستی ضربتی و همه‌جانبه برای بازسازی اقتصاد ایران درجهت مقابله با امپریالیسم در پیش گرفته شود. باید تمامی توان درجهت مقابله سلطه امپریالیسم و برپائی اقتصادی مستقل و بدور از وابستگی به امپریالیسم بیکار کرد.

حاکمیت کنونی یکسال و نیم است که با ندامت‌کاری و ناتوانی، با اتخاذ سیاست‌های ضد و نقیض نه تنها به رفع بحران اقتصادی جامعه ما

جوزف سیسکو، کارشناس وزارت خارجه آمریکا در امور خاورمیانه، در مصاحبه چهارشنبه دوم مهرماه یعنی دو روز پس از تهاجم گسترده نیروی نظامی عراق به ایران چنین می‌گوید:

"ما هیچ امیدی به این‌که حاکمیت کنونی ایران با آمریکا به تفاهم رسد، نداریم. آنچه جنگ عراق و ایران می‌تواند در پی داشته باشد، درهم شکستن حکومت کنونی ایران است. امیدواری ما به جلب ایران بسوی آمریکا نه در نتیجه فوری جنگ بلکه در نتایجی است که این جنگ بدنبال خواهد داشت."

نبرداخته، نه تنها از شدت بیکاری و گرانی نکاسته بلکه با بی‌برنامگی و با دنبال کردن آرمان‌های تخیلی و پرواز در آسمان‌های بی‌انتهای تخیلات بر شدت این مسائل افزوده است. دیگر کوچک‌ترین فرصتی برای توسل به شعارهای بی‌محتوا و دنبال کردن سراب‌های تاریخی وجود ندارد باید با تمامی توان برای سامان دادن به اقتصاد وابسته و اکنون جنگ‌زده میهن به پیش رفت.

دولت رجائی باید هرچه زودتر برنامه اقتصادی را که به مجلس ارائه کرد به کنار گذارد و برنامه‌ای متناسب با موقعیت کنونی جنبش ضد امپریالیستی-دمکراتیک جامعه ما تدوین کند. باید چارچوب سیاست اقتصادی، برای مقابله با امپریالیسم، برای پیشرفت درجهت برپائی اقتصادی مستقل و تحقق بخشیدن به خواسته‌های اقتصادی و رفاهی کارگران و زحمتکشان میهن ما در چنین برنامه‌ای تعیین گردد. در این موقعیت حساس باید برنامه‌ای ضربتی تدوین گردد و با روشن‌بینی نسبت به مسائل



جنبش کارگری ایران

کارگران مبارزناست،  
علیه محترکین و واسطه‌های  
ضد انقلابی مبارزه می‌کنند  
در صفحه ۹

کارکنان مبارز بانک مرکزی ایران: اتحاد آگاهانه مردم شکست‌ناپذیر است

سندیکای کارگران قناد تهران: تپای جان از انقلابمان دفاع می‌کنیم در صفحه ۹

# کارگران در صفوف مقدم مبارزه درس اتحاد، تشکل و پایداری انقلابی می‌دهند



موقعیت خطیر کنونی از طرف دیگر آشکار می‌کند و این نمونه، نمونه دیگری از هز ازان نمونه در تأیید این حقیقت است که طبقه کارگر نه تنها فداکارترین و ثابت - قدم‌ترین نیروها بلکه - انقلابی‌ترین و هشیارترین نیروها در همه عرصه‌های مبارزه انقلابی است.

روسا و به‌ویژه مدیرکل مخالف آوردن ضدهوایی به راه‌آهن است زیرا معتقدند که اگر ضد هوایی در راه‌آهن مستقر شود، هواپیماهای دشمن متوجه راه‌آهن شده و آن را بمباران می‌کنند!! با توجه به اهمیت استراتژیک راه‌آهن چه در حمل و نقل سوخت و آذوقه و چه در نقل و انتقال نیروهای رزمی و مهمات و با توجه به تشبثات دشمن جهت از کار انداختن و فلج کردن آن، مضحک بودن استدلال مدیرکل راه‌آهن یک طرف و درک مسئولان - کارگران مبارز و قهرمان را از

اندود نمودن مخازن.  
۷- آمارگیری از خانواده‌های کارکنان راه‌آهن جهت صدور کارت خواروبار.  
۸- پیش‌بینی ایجاد نانوایی در داخل محوطه راه‌آهن جهت تأمین نان مصرفی کارکنان و خانواده‌هایشان.  
۹- دعوت از انجمن اسلامی و سپاه پاسداران برای همکاری و هماهنگی با ستاد و تقویت آن.

ضمناً کارگران کارخانجات راه‌آهن تبریز خواستار استقرار ضدهوایی برای حفاظت از راه‌آهن هستند اما

اسرع وقت، تا در صورت بمباران آتش‌سوزی غیر قابل کنترلی بوجود نیاید.  
۶- شناسایی مکان‌های محفوظ و پناهگاه‌ها از جمله کانال‌های بتونی سرپوشیده که به هنگام حملات هوایی مورد استفاده قرار گیرد.  
۷- حفر سنگ‌های تک نفره در نقاط مختلف پالایشگاه توسط خود کارگران و تکنسین‌ها.  
۸- تنظیم شیفت کار به نحوی که در تمام حالات و مواقع اضطراری پرسنل لازم در پالایشگاه آماده دفاع و برطرف کردن صدمات وارده باشند.

کارگران مبارز پالایشگاه تبریز بدببال تشکیلی " کمیته‌های دفاع از انقلاب در کارخانه‌ها" پاپای ضرورت تداوم و گسترش مقاومت انقلابی صفوف متحدهشان در برابر تجاوزگران بعثی عراق به تشکیل " ستاد هماهنگی بسیج" کمیته‌های دفاع در پالایشگاه نموده و با اتکاء به شرکت موثر توده کارگران، تجارب نوینی در این راه کسب کردند که دیلاً بخشی از اقدامات انقلابی ستاد هماهنگی بسیج در پالایشگاه و هم چنین راه‌آهن تبریز را از روز نخست تا نهم مهرماه می‌آوریم:

اقدامات انجام شده از طرف ستاد هماهنگی بسیج پالایشگاه تبریز از دوم تا نهم مهرماه:

۱- تبلیغ فعالانه ایده تشکیلی کمیته دفاع از انقلاب در کارخانه‌ها و تاکید بر ضرورت تسلیح کارگران تحت نظارت مسئولان تشکل‌های کارگری، جهت دفاع از دستاوردهای انقلاب در مناطقی که در معرض تهاجم نظامی رژیم تجاوزگر عراق است.

۲- هماهنگی با انجمن اسلامی، پاسداران، سربازان مستقر در پالایشگاه و هم چنین گارد پالایشگاه که وظیفه دفاع عمومی از پالایشگاه را بر عهده دارند.

۳- تقاضای مستقر کردن ضد هوایی در اطراف پالایشگاه که این امر عملی شده و در دونقطه جهت حفاظت از پالایشگاه ضد هوایی مستقر شده است.

۴- آموزش کارکنان جهت مقابله با حملات هوایی دشمن.

۵- انتقال مواد تصفیه شده به خارج از پالایشگاه در

۹- آماده کردن وسایل و امکانات برای کمکهای اولیه در صورت بمباران و آتش - سوزی بعد از حمله.

۱۰- تجهیز بهداری پالایشگاه آموزش تیم‌هایی جهت کمکهای اولیه از کارگران.

اقدامات انجام شده توسط ستاد هماهنگی بسیج راه‌آهن از دوم تا نهم مهرماه (هفته اول)

۱- سازماندهی کلیه کارگران و کارمندان در ستاد بسیج با استفاده از سازماندهی شغلی.

۲- مشخص کردن زیر - زمین‌های راه‌آهن بعنوان پناهگاه با نصب فلش‌ها و علامت‌های راهنما به طرف پناهگاه‌ها.

۳- کنترل ورود و خروج به ایستگاه با بازدید کارت شناسایی.

۴- تعیین کشیک از هر قسمت یک نفر برای نگهبانی در دفتر بسیج.

۵- نگهبانی کارگران داوطلب در کارخانجات راه‌آهن زیر نظر ستاد بسیج.

۶- استتار مخازن سوخت راه‌آهن با شاخه‌ها و گل -

## تشکیل «کمیته‌های فنی» دفاع از انقلاب در کارخانه‌ها ضرورت دفاع از انقلاب ایران است



نمونه‌ای از فداکاری انقلابی طبقه کارگر رزمنده و قهرمان ایران است. این کمیته‌های فنی در همه زمینه‌ها ورشته‌ها اعم از برق، مکانیک، پاسخگوی احتیاجات مردم نیروهای مبارز ما باشند. وظیفه انقلابی همه کارگران است (بویژه آنان که در زمینه‌های مربوط به نیازهای شرایط جنگ فعالیت دارند) که برای ترمیم سریع قسمت‌های آسیب‌دیده کارخانه‌ها و یا ابزار تخریب شده در واحد خود، کمیته‌ای فنی تشکیل دهند که در کوتاه‌ترین مدت بتواند به ترمیم و بازسازی ادوات و ابزار آسیب‌دیده بپردازد.

انقلابی توده‌ها و تعمیق و گسترش دامنه انقلاب ایران دارند. این اقدام بخشی مهمی از وظایف " کمیته‌های فنی دفاع از انقلاب در کارخانه‌ها" است که کارگران پیشرو قبل از همه در پالایشگاه تبریز ابتکار سازماندهی آن را به منظور دفاع از انقلاب در همه عرصه‌های مبارزاتی و با به‌کارگیری تمامی توان و ظرفیت انقلابی کارگران داشته‌اند. تشکیلی کمیته‌های فنی دفاع از انقلاب در کارخانه‌ها و اعزام کمیته‌های داوطلب برای ترمیم، تعمیر و بازسازی ادوات و وسایل آسیب‌دیده چه در جنبه و چه در پشت جبهه خود

گروه کشری از کارگران مبارز شرکت برق منطقه‌ای، با امضای طوماری داوطلب شدند برای تعمیر دستگاه‌ها و ادوات وسایل برقی آسیب - دیده جنگ هرچه زودتر به جبهه جنگ اعزام شوند. در شرایطی که یکی از هدف‌های عمده دشمن متجاوز، تخریب مراکز اقتصادی مهم و فلج کردن چرخ تولید از طریق تعرضات نظامی گسترده است ابتکار عمل انقلابی فوق توسط کارگران مبارز و پیشروی مبین اقدامی سترگ و تحسین برانگیز بوده و نمونه دیگری است از درک مسئولان کارگران ایران نسبت به تعهداتی که در قبال دفاع از دستاوردهای

# ۴۰ ساعت کار در هفته خواست همه کارگران است





کارگران مبارز «فاست»

علیه محتکرین

و واسطه‌های

## ضد انقلابی مبارزه می‌کند

همزمان با تحریم و محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا، تجاوزات نظامی متجاوزین بعضی به مهم‌ترین مراکز صنعتی و تولیدی ما، ضدانقلابیون داخلی نیز بیکار ننشسته‌اند و با بیای تحریکات و تعرضات جنبه ضدانقلاب علیه دستاوردهای انقلابی ما، با اخلال در تولید و احتکار کالاها و مواد غذایی مورد احتیاج عامه مردم سعی دارد انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک ما را از درون تضعیف نماید، غافل از آنکه هشیاری انقلابی کارگران و زحمتکشان میهن طومار این توطئه‌های ضد انقلابی را درهم خواهد پیچید. نمونه‌ای از این هشیاری انقلابی را در مبارزه کارگران کارخانه تیغ ناست در برابر توطئه ضدانقلابی محتکرین و واسطه‌های سودجو ملاحظه می‌کنیم:

اخیرا عرضه تیغ در بازار کاهش یافته و حتی در برخی از شهرها کمیاب شده است و این درست در شرایطی است که کارگران مبارز کارخانه تیغ ناست با تلاشی خستگی‌ناپذیر برای جابگویی به احتیاجات بازار داخلی، میزان تولید کارخانه را افزایش داده‌اند. ولی علیرغم این افزایش تولید متوجه شدند که عرضه تیغ در بازار کم است و در پیگیری علل آن متوجه توزیع نادرست این کالا شده و بعد جای پای محتکرین - واسطه‌های ضدانقلابی را به روشنی دیدند. کارگران برای مبارزه با گرانی و کمبود و جلوگیری از سودجویی‌های محتکرین ضدانقلابی به وزارت بازرگانی پیشنهاد کردند که مسئولیت عرضه تیغ

را به عهده گرفته و خود دولت از طریق شرکت‌های تعاونی و توزیع آن را بدون دخالت واسطه‌ها به مردم عرضه کند. کارگران می‌گفتند "در شرایط کنونی که یکی از تلاش‌های ضدانقلاب، احتکار کالاها ضرورت است باید شرکت‌های تعاونی به کمک شوراهای محله‌ها توزیع کالاها مورد نیاز مردم را وسیعاً عملی کنند شوراهای مردمی در محلات علاوه بر آن می‌توانند برای وارد آوردن ضربات موثرتری به محتکرین و واسطه‌های ضدانقلابی دیگر، محتکرین و انبارهای مواد احتکار شده را در هر محله‌ای به دقت شناسایی نموده و با کمک کمیته‌های محل در جهت مصادره انقلابی انبارها اقدام نمایند بدیهی است که امر مبارزه مسئولانها احتکار و محتکرین و واسطه‌ها در شرایط کنونی باید از کارخانه تا محله، از تولید تا مصرف گسترش یابد و با همکاری و هماهنگی کارگران و زحمتکشان محلات شرکت‌های تعاونی توزیع و شوراهای محل و کمیته‌های مسئول محل، این مبارزه به پیش رود. شوراهای سندیکاهای کارگری در واحدهای تولیدی به‌ویژه کارخانه‌هایی که کالاها ضروری و مورد نیاز عامه مردم را تولید می‌کنند، باید سرنوشت آنچه را که تولید کرده‌اند به دقت دنبال کنند و همانند کارگران مبارز ناست این وظیفه را هشیارانه پیگیری نمایند و به طبقه سرمایه‌دار و نیروهای ضد انقلابی کمترین مجال سود - جویی و خیانت را ندهند.

## کارکنان مبارز بانک مرکزی ایران:

### اتحاد آگاهانه مردم شکست ناپذیر است

انقلابی عراق را شدیداً محکوم کرده و آمادگی خود را جهت پاسداری از دستاوردهای انقلاب و مقابله با تجاوزات دشمن اعلام کردند. کارکنان مبارز بانک مرکزی طی این اطلاعیه بر موارد زیر تاکید نمودند:

- ۱- ما آماده‌ایم به مسئولین بانک در برنامه - ریزی برای اقتصاد جنگی (در صورت گسترش و ادامه جنگ) کمک نمائیم.
- ۲- همه می‌دانند که نتیجه سالهای طولانی اختناق و سرکوب رژیم‌های شاهنشاهی، ناآگاهی بخش‌هایی از مردم ماست، اتحاد مردم هنگامی شکست ناپذیر می‌شود که با آگاهی توأم باشد.

۳- باید از هرگونه عمل تفرقه‌افکنانه که اتحاد ما را در مقابل دشمنان انقلاب تضعیف می‌کند بطور کلی خودداری نمائیم و هرچه بیشتر در جهت تفاهم و یگانگی گام برداریم.

کارکنان مبارز و متعهد بانک مرکزی ایران که در جریان قیام نقش ارزنده‌ای در افشای چهره سیاه سردمداران رژیم و سرمایه‌داران وابسته به دربار و امپریالیسم ایفاء کردند، در رابطه با تجاوز نظامی رژیم ضد مردمی عراق به ایران طی اطلاعیه‌ای ضمن محکوم کردن تلاش‌های مذبح‌خانه امپریالیسم آمریکا برای ضربه زدن به انقلاب ایران، تجاوزات رژیم ضد

## سندیکای کارگران قناد تهران:

### نا پای جان از انقلابمان دفاع می‌کنیم

کارگران و زحمتکشان در برابر رژیم تجاوزگر عراق اعلام کردند. سندیکای کارگران قناد ضمن دعوت کارگران به دفاع از استقلال میهن انقلابی، تاکید می‌کند که:

"ما از تمامی کارگران و زحمتکشان ایران و بخصوص کارگران صنف قناد می‌خواهیم که با تمامی امکانات و توان انقلابی خود نا پای جان از استقلال میهن دفاع کنند. ما باید همواره و با شایستگی نشان

بدنبال توطئه‌ها و تحریکات پیاپی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و تجاوز نظامی رژیم ضد مردمی عراق به ایران، سندیکای کارگران قناد و تهران و حومه که جزئی از گردان رزمنده طبقه کارگر ایران است، اعلامیه‌ای انتشار داد و آمادگی کارگران مبارز این صنف را برای هرگونه فداکاری و جانپازی در راه دفاع از دستاوردهای انقلابی

## تأمین کار مناسب برای زحمتکشان بندرنگ (استان ساحلی)

### بهترین وسیله مبارزه با قاچاق اجناس خارجی است

دقت بخوبی می‌توان دریافت که بیشتر زحمتکشان این منطقه (مسافرین، ملوانان، مغازه‌داران کوچک و...) دقیقاً به علت فقدان امکانات تولیدی اعم از کشاورزی، صنعت و ماهیگیری به قاچاق اجناس خارجی روی آورده‌اند آنها برای آنکه زنده بمانند راه دیگری در برابر خود نمی‌بینند. خرید اجناس از شیخ‌نشین‌ها و فروش آنها در داخل تنها منبع امرار معاش آنهاست. مبارزه با قاچاق در صورتی که همراه با تأمین کار و شرایط زندگی مناسب برای این بخش از هم‌میهنان ما همراه

اکنون مدتی است که سپاه پاسداران استان ساحلی مبارزه با ورود اجناس قاچاق به کشور را آغاز کرده است. این اقدام از آنجا که به هر حال در جهت مبارزه هم - جانبه زحمتکشان میهن ما علیه امپریالیسم صورت می‌گیرد، مورد تأیید زحمتکشان بندرنگ نیز قرار دارد. اهالی این منطقه خود می‌دانند که ورود اجناس سنجل خارجی به هیچ روی نمی‌تواند به بهبود اوضاع اقتصادی میهنان که هم - اکنون زیر فشار اقتصادی شدید امپریالیستها قرار دارد کمکی بکند. لیکن با کمی

پر توان باد جنبش طبقه کارگر

پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



## سوسیالیسم در سرزمین آلمان:

### ”در هم شکستن دستگاه نظامی - بوروکراتیک کهن شرط مقدماتی پیروزی هر انقلاب واقعا خلقی است“

تحت اشغال خود را به هم دیگر ملحق نمودند و در اتحاد با فاشیست‌های آلمان نه تنها به اصلاحات دمکراتیک اقدام نکردند بلکه بلافاصله اقدامات سرکوبگرانه‌ای را علیه نیروهای کمونیست و دمکرات آغاز نمودند و بجای خلع سلاح بقایای ارتش فاشیست آلمان، به تقویت آن پرداختند تا از آن برای حمله به بخش شرقی آلمان و سایر کشورهای سوسیالیست استفاده کنند. بعدها آمریکا طبق ”طرح مارشال“ که هدف آن تحت نفوذ درآوردن کشورهای آسیب‌دیده اروپای غربی و تقویت آنها در مقابل کشورهای سوسیالیستی بود، آلمان غربی را به زرادخانه و متحد اصلی خود در مقابله با کشورهای سوسیالیستی تبدیل ساخت.

زحمتکشان بخش شرقی آلمان در ۷ اکتبر ۱۹۴۹ بدنبال اعلام تشکیل دولت جداگانه ”جمهوری فدرال آلمان“ در بخش غربی آلمان که برخلاف خواست و آرزوی قلبی تمام مردم آلمان انجام گرفت، از طریق ”شورای خلق آلمان“ که آن را در سال ۱۹۴۸ انتخاب کرده بودند، تشکیل ”جمهوری دمکراتیک آلمان“ را به جهانیان اعلام داشتند و بدین ترتیب اولین دولت کارگران و دهقانان در سرزمین آلمان استقرار یافت.

\* \* \*

از آنجا که انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک میهن ما هرچند به دستگاه نظامی - بوروکراتیک کهن ضربه وارد ساخته و در کنار این دستگاه نهادهای انقلابی به وجود آورده ولی نتوانسته است این دستگاه را کاملاً ”در هم شکسته“ و بجای آن تماماً نهادهای انقلابی دولتی برپا دارد. ما از تجربه غنی انقلاب در آلمان تنها به اقدامات مربوط به درهم شکستن دستگاه دولتی کهن می‌پردازیم. بویژه اینکه کارگران و زحمتکشان میهن ما همگی امروزه با تمام وجود خود درک می‌کنند و باید هرچه عمیق‌تر درک کنند که بقایای دستگاه دولتی کهن کاملاً در جهت حفظ منافع سرمایه‌داران و زمین‌داران و علیه منافع کارگران و زحمتکشان عمل می‌کنند.

\*

مردم آلمان شرقی بدنبال شکست فاشیسم وارث سرزمینی شدند که جز ویرانه اسم دیگری بر آن نمی‌توان گذاشت. نازی‌ها ضمن عقب‌نشینی خود بطرف غرب، آنچه را با خود می‌توانستند ببرند، بردند و باقیمانده را نابود کردند. مزید بر این باید بخاطر داشت که اصولاً منابع و ثروت‌های زیرزمینی کشف‌شده آلمان قبل از جنگ اساساً در بخش غربی آن قرار داشت بطوریکه قبل از جنگ ۹۸٪ کل تولید ذغال‌سنگ و ۹۳٪ فلزات از معادن بخش غربی آلمان استخراج می‌شد. بدین‌خاطر مردم آلمان شرقی می‌بایست جامعه نوینی را بر ویرانه‌های جنگ بنا نهند اما قبل از تمام اینها لازم بود که دستگاه حافظ نظام فاشیستی درهم شکسته شود.

حزب وحدت سوسیالیستی آلمان و اداره نظامی شوروی - که تا موقعی که احتمال هجوم امپریالیسم وجود داشت و آلمان شرقی مستقلاً

حزب سوسیالیست در سال ۱۹۴۶ تحت نام ”حزب وحدت سوسیالیستی آلمان“ و بر اساس مارکسیسم - لنینیسم با هم متحد شدند.

نیروهای متحد انقلابی در بخش شرقی آلمان که درهماهنگی کامل با ”اداره نظامی شوروی“ مستقر در آلمان عمل می‌کردند، اقدامات دمکراتیک خود را با قاطعیت و سرعت تمام پیش بردند: حدود ۹۳۰۰۰ بنگاه صنعتی که به صاحبان انحصارات که همه جزو فاشیست‌ها بودند، تعلق داشت مصادره شد و تحت مالکیت تمام خلق درآمد، تمام سیستم راه‌آهن سراسری و بانکها مصادره و ملی اعلام شد، از ۱۳/۷۰۰ مزرعه که در اختیار زمین‌داران بزرگ قرار داشت، توسط کمیسیون‌های محلی اصلاحات ارضی سلب مالکیت شد. مساحت این مزارع به ۳/۳۰۰۰/۰۰۰ هکتار می‌رسید که بیش از ۲/۲۰۰/۰۰۰ هکتار آن بین دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین تقسیم شد و در بقیه زمین‌ها مزارع تمام‌خلقی (دولتی) و تعاونی ایجاد شد... در اثر پیشبرد قاطعانه این اقدامات انقلاب دمکراتیک - ضد فاشیستی در فاصله چهار سال بعد از انقلاب به انقلاب سوسیالیستی تحول و تکامل یافت و بخش سوسیالیستی در سالهای آخر دهه ۵۰ بر اقتصاد غلبه یافت.

اما در بخش تحت اشغال آمریکا، فرانسه و انگلیس، امپریالیست‌های این سه کشور از آنجا که می‌دانستند اگر کمونیست‌ها اقدامات انقلابی خود را آغاز کنند بلافاصله حمایت توده‌های زحمتکش رنج‌دیده از مطامع سیری ناپذیر امپریالیست‌های آلمان را بدست خواهند آورد، با عجله سه منطقه

پیروزی ائتلاف دمکراتیک ضد فاشیستی (که اتحاد شوروی سوسیالیستی نیروی عمده آن بود) بر میلیتاریسم ژاپن و فاشیسم آلمان نازی در جنگ جهانی دوم، زمینه اقدامات دمکراتیک در آلمان را فراهم ساخت. مطابق مصوبات کنفرانس پوتسدام (۱۹۴۵) هرکدام از چهار کشور پیروزمند (شوروی، آمریکا، انگلستان و فرانسه) می‌بایست در منطقه تحت کنترل و اداره خود به استقرار رژیم دمکراتیک بر ویرانه‌های رژیم فاشیستی یاری رسانند.

در منطقه تحت کنترل و اداره شوروی (سرزمین جمهوری دمکراتیک آلمان فعلی) بلافاصله فعالیت احزاب کمونیست و دمکرات آزاد شد. حزب کمونیست آلمان که چه در دوره قبل از به قدرت رسیدن فاشیست‌ها و چه بعد از آن پیشقراول مبارزه ضد فاشیستی در آلمان بوده و در این راه قربانیان زیادی (از جمله ارنست تلمان از رهبران حزب که در اردوگاه مرگ بوخنوالد به قتل رسید) داده بود، بلافاصله یک برنامه دمکراتیک ضد فاشیستی ارائه داد که مورد قبول رهبری جدید سوسیالیست‌ها که چپ‌تر از رهبران سابق آنها بودند، قرار گرفت. دو حزب دمکرات دیگر نیز که پس از غلبه بر فاشیسم تشکیل شده بودند و در نابودی سلطه بورژوازی انحصاری و ملاکین بزرگ (بونکرها) ذینفع بودند، تحت رهبری حزب کمونیست آلمان درآمدند. حزب کمونیست آلمان

### از خاطرات ”وارنراکرات“ کارگرمبارز آلمانی

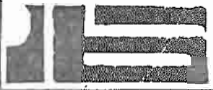
مجموع دام‌ها و دارائی‌های غیر منقول منطقه تهیه کردند و با طرح نقشمای، فعالیت کشاورزی را ادامه دادند. تحویل زمین‌های مصادره شده به افراد محتاج در ۱۶ اکتبر در جلوی عمارت ”بارون گرومیک“ آغاز شد. توزیع زمین در ۷۸ کمیسیون محلی توسط کارگران روستائی، دهقانان خرده‌پا و کارگران صنعتی عملی شد.

بدنبال نظرخواهی عمومی در ساکسونی قوانین مشابهی در ایالات دیگر منطقه تحت کنترل شوروی تصویب شد. این قوانین تشکیل کمیسیون‌هایی با شرکت تمام احزاب (خلقی) را مقرر نمودند که می‌بایست در مورد مصادره بنگاه‌های مختلف تصمیم بگیرند. مالکین سابق دهها نفر شاهد جور کردند تا شهادت دهند که ارباب ”رئیس خوبی“ بوده و فعالیت ضد فاشیستی داشته است اما گواهان واقعی یعنی حسابها و برداشت‌های بانکی، کمک به فاشیست‌ها و سوده‌های کلان از پیمان‌های فروش تسلیحات، غیرقابل انکار بودند هم‌چنین شواهد کافی وجود داشت که نشان می‌داد این به اصطلاح ”روسای معقول“ چه رفتار شرم‌آوری با کارگران مترقی و زندانیان زمان جنگ داشته‌اند.

من در دوره تسلط فاشیسم، ده سال از زندگی‌ام را در زندان گذراندم و در ۱۹۴۵ آزاد شدم. در ژوئیه همان سال مسئولیت اداری ”منطقه مانسفیلد“ به عهده من گذاشته شد. وضعیت عمومی اقتصادی فاجعه‌بار بود. یک مشت اربابان فقوئدال و سرمایه‌داران مرفه، قصرها و عمارات اربابی خود را داشتند. آنها ۵۹٪ تمام زمین‌های مزروعی را در اختیار داشتند.

اما ”منطقه مانسفیلد“ علاوه بر اینها طبقه کارگری نیز داشت که دارای سنت‌های مبارزاتی رزم‌جویانه‌ای بود. اینها مردمی بودند که چرخ تولید را در حرکت نگه‌داشته‌اند و تحویل محصول را تضمین کردند.

من تازه در سر کارم مستقر می‌شدم که اصلاحات ارضی در ۳ سپتامبر ۱۹۴۵ آغاز شد. هیچ‌کس، هیچ تجربه‌ای در این زمینه نداشت. با این‌همه در عرض ۴۸ ساعت با کمک کارگران بنگاه‌ها و معادن مس منطقه بیش از ۱۰۰ قطعه ملک اربابی که مساحت هرکدام بیش از ۱۰۰ هکتار بود، مصادره شد و در اختیار افراد قابل اعتماد قرار گرفت. این افراد به همراهی کمیسیون‌های محلی اصلاحات ارضی که از بین خود اهالی محلی انتخاب می‌شدند لیستی از



# جنگ کردستان

## بعد از تهاجم عراق به ایران

در "گار" ۷۶ یک قسمت از مقاله "زمینه‌ها و پیامدهای جنگ در کردستان" انتشار یافت. قسمت‌های بعدی مقاله که عمدتاً پیامدهای جنگ را تجزیه و تحلیل و تا حدی چشم‌انداز آن را در آینده پیش‌بینی می‌نمود، اکنون با آغاز جنگ عراق علیه ایران دیگر کهنه شده است. زیرا گسترش جنگ عراق با ایران روند استحاله بخشی از نیروهای جنبش ملی خلق کرد را زیر تأثیر گرفته و به نحو قابل ملاحظه‌ای سرعت بخشیده است. اکنون در شرایطی که جنگ عراق با ایران تمام روندهای سیاسی، اقتصادی و بطور کلی تمام شئون زندگی اجتماعی را در ایران تحت تأثیر قرار داده است، هرنوع بررسی ویژگی‌ها و تحولات جنگ کردستان لزوماً باید در ارتباط متقابل با جنگ عراق با ایران بررسی شود.

اینک شعار همه نیروهای ترقیخواه آن است که باید تمام قوای خود را برای مقابله با تجاوز عراق بسیج کرد. از روز اول پائیز امسال دیگر سیری که با اشعاب در حزب دمکرات شکل گرفته بود با آغاز جنگ عراق شتابی فراوان به خود گرفته است. اینکه می‌توان با قاطعیت گفت آنان که در بسیج علیه تجاوز عراق شرکت ندارند، خطاکار و آنان که جنگ با این بسیج راهبردی می‌کنند، آشکارا در راه خیانت گام برمی‌دارند. در مباحثی که در ادامه مقاله "گار" ۷۶ مطرح شده بود، بیش از همه چشم‌انداز رشد نیروهای ضد انقلاب و گسترش گرایش‌های انحرافی در حزب دمکرات و کومهله و وابستگی رهبری آنان به عراق که از بازتاب‌های گریزناپذیر جنگ است - مورد بررسی قرار گرفته بود. اکنون آن تحولات که ما آن را برای آینده توصیف کرده بودیم، دیگر پیرویهایی نیست که بعداً تکوین خواهد یافت. آنها هم اکنون مراحل نهایی تکوین خویش را سپری می‌کنند.

### تحول جنگ کردستان بعد از گسترش جنگ عراق با ایران

جنگ ایران و عراق که پاییز امسال با حمله مبع - افکن‌های عراقی به فرودگاه‌ها و تأسیسات نظامی و صنعتی ایران آغاز شد، با گسترش جنگ در مناطق کردستان نیز همراه بوده است. هم اکنون دو جنگ در خاک میهن ما جریان دارد. یکی جنگ ناسیونالیست‌های کرد با نیروهای جمهوری اسلامی ایران و دیگری جنگ رژیم عراق با جمهوری اسلامی ایران که جنگی است تجاوزکارانه به منظور صدور ضد انقلاب.

#### تناقضات ریاکارانه، آوارشیست‌ها و ناسیونالیست‌ها:

اکنون برای تمام کسانی که خود را در سرنوشت انقلاب و پیروزی‌های بازم بیشتر آن سهیم می‌بینند این مسئله اساسی مطرح است که آیا با تداوم و گسترش جنگ عراق با ایران بار هم می‌توان از دو نوع جنگ که دارای ماهیت جداگانه هستند، یاد کرد؟ چه تفاوت‌هایی میان این دو جنبه سرد وجود دارد؟ نیروهای جمهوری اسلامی ایران در شرایط فعلی در غرب کشور از یک طرف درگیر جنگ کردستان هستند و از طرف دیگر با نیروهای عراقی می‌جنگند. آیا در این شرایط می‌توان جنگ کومهله و دمکرات را با دولت ایران جدا از جنگ رژیم عراق با دولت ایران

بررسی کرد؟ چه تفاوت‌هایی وجود دارد میان رژیم‌های شیخ جلال، کوری‌رئیس و... و قاسملوها و مهندی‌ها؟ شرط صداقت انقلابی و صراحت در مواضع سیاسی آن است که سئوالات فوق را به وضوح روشن سازیم و توضیح دهیم که در شرایط سوب در سرخوردن جنگ کردستان کدامین سیاست یک سیاست واقعا انقلابی است؟

اکنون انقلابیون کاذب هم‌صدا با ناسیونالیست‌های کرد بر روی واقعیت برده می‌کنند. آنها خود را گرفتار تناقضی فجیع ساخته‌اند. آنها از یک سو از بسیج همه نیروها برای مقابله با تجاوز عراق سخن می‌گویند و از سوی دیگر با همین نیروها در کردستان علیه جمهوری اسلامی می‌جنگند. حزب دمکرات و کومهله بعد از آغاز تعرض عراق، حملات خود را حتی تشدید هم کرده‌اند.

اکنون در حالی که با جنگی عادلانه در برابر تجاوز رژیم عراق روبرو هستیم، مردم کردستان توسط ناسیونالیست‌های حزب دمکرات، بیش از هر زمان به جنگی کشیده می‌شوند که چون بیش از هر چیز با منافع خلق کرد و دیگر خلق‌های میهنمان در تضاد است. بیشترین تلاش را برای پایان بخشیدن به آن تا امروز از جانب سازمان ما موجب شده است.

رهبری ناسیونالیست‌های کرد پیشمرگان و مردم کردستان را به راهی هدایت می‌کنند که اکنون دیگر مسلم شده است که به هیچ وجه منضم منافع خلق کرد و آرمان‌های انقلابی آن نیست. در این شرایط میان رهبری جنگی که توسط قاسملوها و مهندی‌ها هدایت می‌شود، با جنگی که توسط شیخ جلال‌ها، رژیم‌های کوری‌رئیس‌ها رهبری می‌شود، دیگر تفاوتی وجود ندارد. به نظر ما اکنون این تفاوت‌ها عملاً واپس شده است و این حقیقتی است که خلق کرد باید بدان باور دارد.

انقلابیگری کاذب هرگز نمی‌فهمد که منطق واقعیت دیگر هرگز اجازه نخواهد داد که از یک سو از بسیج همه قوا برای دفاع از استقلال و آزادی میهن در برابر تجاوز عراق صحبت شود و از سوی دیگر - به هر دلیل و به هر سببی که باشد - برای شرکت در جنگ کردستان و تداوم درگیری‌های مسلحانه با نیروهای دولتی بهانه‌تراشی شود.

چگونه ممکن است هم همکاری همه نیروها برای مقابله با تجاوزگران عراقی شعار منطقی و انقلابی باشد و هم شرکت در جنگ علیه نیروهای جمهوری اسلامی - که درگیر جنگی گسترده با رژیم عراق هستند - از کم‌ترین یشتوانه منطقی و انقلابی برخوردار باشد؟

آشکارترین و قطعی‌ترین حقیقتی که در این تناقض نهفته است، دورویی و تزویر آشکار در برخورد با مبارزه و انقلاب است. جالب است که محتوا و مضمون این دغلکاری از جانب قشری‌ترین جریان‌های ضد کمونیست درون حکومت نیز به عینه تکرار می‌شود. حجت‌الاسلام هادی غفاری لیس رزم می‌پوشد و کلاشینکف دوش می‌اندازد و عکس خود را در سنگر جنگ با عراق در روزنامه جمهوری اسلامی چاپ می‌کند. اما در عمل در خوزستان با دشمنی و کینه‌توزی با نیروهای انقلابی و در راس همه‌فدائیان خلق، با دست زدن به حرکات فاشیستی قبل از آنکه به فکر مقابله با تجاوز عراق باشد، در فکر سرکوب نیروهای انقلابی و ممانعت از شرکت وسیع آنان در مبارزه علیه تجاوزگران بوده است.

آری، شعار اتحاد همه نیروها علیه تجاوز رژیم عراق وقتی صدافته مطرح شود، دیگر شرکت در جنگ کردستان به هر بهانه‌ای که باشد، چیزی فراتر از عوام‌فریبی است. تناقضی است آشکار میان تئوری و عمل، میان گفتار انقلابی و کردار ضدانقلابی. با آغاز جنگ عراق هرنوع تعرض نظامی علیه نیروهای دولت جمهوری اسلامی هیچ تعمیری ندارد. جرمه‌سنوی و همکاری با متجاوزین عراقی و این همکاری را لحاظ سیاسی چیزی نیست جز اجرای سیاست امپریالیسم

آمریکا در مقابل انقلاب ایران. آنان که ادعای انقلابیگری دارند، گروه‌های خرده و ریزی که تا امروز جز منفرد کردن جنبش کمونیستی ایران هیچ نقشی نداشته‌اند، امروز در کردستان به دنباله‌روی از ناسیونالیست‌ها، خود را در کار رژیم‌های شیخ جلال و شرکا قرار داده‌اند. آنها امروز، با شرکت در جنگ علیه جمهوری اسلامی آشکارا در خدمت تحقق اهدافی قرار گرفته‌اند که رژیم عراق و امپریالیسم آمریکا دنبال می‌کنند.

عناصری که از جنگ با نیروهای جمهوری اسلامی ایران در کردستان حمایت می‌کنند، اکنون هیچ راهی برای دفاع از مواضع عملاً ارتجاعی خود ندارند. تنگ یک لوله بیشتر ندارد. آنها باید توضیح دهند که امروز این لوله را به سوی کدام نیروها نشانه می‌روند؟ به سوی متجاوزین عراقی یا به سوی پاسداران و سربازان؟ راه گریزی نیست - جنگیدن با دو طرف حرف مسخره‌ای است. این حرف یا پی‌خواهد خطای تحلیل را لاپوشانی کند یا خیانت‌های آشکار را پنهان سازد. منطق واقعیت کوبنده‌تر از آن است که تسلیم این فریبکاری‌ها شود. جنگیدن با رژیم عراق امروز - برای کسی که مغزش را به کار اندازد - معایش همکاری با جمهوری اسلامی ایران است. و جنگیدن با جمهوری اسلامی ایران نیز در این شرایط مشخص فقط یک معنا دارد: همکاری با رژیم عراق و حمایت از اهداف آن در برابر جمهوری اسلامی.

اما کسی که شرکت در هر دو جنگ را توصیه کند، یا هنوز مغزش را به کار سبنداخته و یا عملاً راه خیانت به خلق و آرمان‌های انقلابی خلق را در پیش گرفته و اگر واقعا به سلامت مغز ایسن نیروها شک نباشد، جای آن است که نسبت به سلامت سیاسی خود آنها تردید کنیم.

#### سیاست ما:

سیاست ما نسبت به مسئله جنگ در کردستان - و هر نوع برخورد نظامی دیگر در سراسر ایران - کاملاً صریح و مشخص است. ما اعلام کرده‌ایم که در هیچ یک از نقاط ایران، در هیچ نوع عملیات نظامی علیه هیچ یک از نیروهای جمهوری اسلامی ایران شرکت نداریم. ما به نیروهای خود می‌گوئیم مشت دغلکاری را افشا کنند که علیه رژیم عراق حرف می‌زنند، اما در عمل نیروی پیشمرگه را برای جنگ با جمهوری اسلامی ایران بسیج می‌کنند. ما به نیروهای خود می‌گوئیم که همراه و همگام با نیروهای جمهوری اسلامی علیه رژیم عراق و تجاوزات او بجنگند. ما به نیروهای خود می‌گوئیم با تمام نیرو در مبارزه علیه تجاوز بعضی‌های عراق شرکت کنند و در مبارزه علیه تجاوز رژیم عراق شرکت کنند و در این راه از هیچ‌گونه همکاری با هر نیروی ضد امپریالیستی که علیه تجاوزگران می‌جنگد دریغ نوزند. سازمان ما از همان زمان که تشخیص داد جنگ با جمهوری اسلامی ایران مصالح انقلاب و حفظ دستاوردهای آن و خلاف مصالح واقعی خلق کرد است، با تمام نیرو کوشید نیروهای درگیر در جنگ کردستان به عملیات مسلحانه پایان دهند و راه استقرار صلح در کردستان هموار شود. اما اشعاب در حزب دمکرات و به دنبال آن تصفیه همه عناصر ترقیخواه حزب دمکرات و تسخیر کامل رهبری حزب توسط عناصر ناسیونالیست و حتی مشکوک، همراه با تحریکات و توطئه‌های رژیم عراق و به ویژه آغاز جنگ عراق با ایران تلاش‌های سازمان را در راه صلح و تأمین حقوق ملی خلق کرد در چارچوب جمهوری اسلامی با دشواری‌های بسیار مواجه ساخت. اکنون رهبری حزب دمکرات قبل از آن که به فکر تأمین خواست‌های خلق کرد باشد، به فکر ادامه جنگ با

بقیة از صفحه ۱

جمهوری اسلامی است. ما اعلام کرده‌ایم در شرایطی که رژیم عراق، همسو و هم جهت با تمام اهداف تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا، به میهن ما یورش آورده است، اتحاد همه‌حائنه همه نیروها در برابر تهاجمات و تجاوزات و توطئه‌های لوله‌های سلاح‌های خود را در کردستان به سوی این اتحاد عمل سراسری خلق‌های ایران در برابر توطئه‌های امپریالیسم و تجاوزات عراق نشانه گرفته‌اند. قطع نظر از این که با کدامین نیت چنین عمل آنان فقط و فقط یک نتیجه دارد: دشمنی با مردم به‌پا خاسته ایران و دوستی با دشمنان خلق‌های ایران.

در شرایطی که شهرهای ما در معرض تهاجم بمب‌افکن‌های عراقی است، در شرایطی که امپریالیسم و ارتجاع خاک ایران را به واسطه رژیم عراق مورد تهاجم قرار داده‌اند، جنگیدن با نیروهایی که باید علیه تجاوزگران بسیج شوند، صریح و آشکار بگوئیم، جنگی ضدانقلابی است و نتیجه آن چیزی نیست جز تضعیف جبهه مقاومت خلق در برابر توطئه‌های امپریالیسم و تجاوزات رژیم عراق و تقویت جبهه ضدانقلاب.

ما قبلاً گفته بودیم که باید تلاش کرد که جهت جنگ در کردستان تغییر کند. ما گفته بودیم باید جنگ علیه جمهوری اسلامی در کردستان را به جنگ با نیروهای وابسته به بعث عراق و عوامل ضد انقلاب تبدیل کرد. اما در شرایط نوین این حرف دیگر کهنه شده و مفهوم خود را از دست داده است.

نیروهائی که در این شرایط با جمهوری اسلامی می‌جنگند، از نیروهای وابسته به رژیم عراق و ضدانقلاب غیرقابل تفکیک‌اند. زیرا اتحاد عملاً همان وظایفی را برعهده گرفته‌اند که نیروهای عراقی در تجاوز به ایران برعهده دارند. نیروهایی که در کردستان با نیروهای جمهوری اسلامی می‌جنگند، عملاً در جبهه نیروهای عراقی قرار می‌گیرند. هیچ استدلال منطقی قادر نیست این واقعیت را انکار کند. انشعاب در حزب دمکرات، تصفیه نیروهای واقعا دمکرات و انقلابی در حزب دمکرات و جذب عناصر و دستجات "بعث پرورده" و ضد انقلابی در حزب از یکسو و آغاز و گسترش تهاجم عراق و افزایش کمک‌های دولت عراق به نیروهایی که با جمهوری اسلامی در کردستان در حال جنگند، نقطه عطفی جدید را در پروسه تحول رهبری حزب دمکرات، پدید آورد. رهبری حزب دمکرات هم اکنون با نیت حزب بعث همسوست. تمام شواهد عینی و اخباری هم‌کاز کردستان می‌رسد، نشان می‌دهد که از روز آغاز جنگ، "نزدیکی" و اتحاد عمل نیروهای عراق با نیروهای "بعث پرورده" در ایران به سرعت رو به گسترش است. تمام شواهد عینی حکایت از همین واقعیت دارد. اکنون عملاً در سراسر غرب میهنمان از شمال تا جنوب تنها دو جبهه وجود دارد. در یک طرف نیروهای مدافع انقلاب و مدافع جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوزگران عراقی و مداخلات و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا می‌جنگند و در آن سو نیروهای عراقی، ضد انقلاب ایران، تمام مترجمین منطقه - قیاس قرار گرفته‌اند که علیه جمهوری اسلامی و علیه انقلاب ایران سلاح برداشته‌اند. هم‌اکنون هر بیروشی که در کردستان علیه جبهه اول وارد جنگ شود، عملاً خود را در جبهه دوم قرار داده است.

### تسریع پروسه استنحاله حزب دمکرات بعد از تهاجم عراق

ما قبلاً گفته بودیم که بعد از انشعاب در حزب دمکرات کردستان، ناسیونالیسم بورژوازی (کردپتی) در آن حزب غلبه یافته است. ما این انشعاب را در جهت ارزیابی کردیم که تحول حزب دمکرات را به سوی وابستگی هرچه بیشتر، به دولت عراق تسریع کرده است. واقعیت این است که انشعاب و غلبه ناسیونالیسم بورژوازی کرد، راه نفوذ و گسترش نفوذ عناصر مشکوک و وابسته به امپریالیسم را در حزب دمکرات بارتر کرد.

اما امروز باید از این هم فراتر رفت. تشدید مخاصمات عراق با ایران، پروسه استحاله حزب دمکرات را مشخصاً تسریع کرده است. غلبه ناسیونالیسم بورژوازی کرد در حزب دمکرات آن را در سراسر وابستگی کامل قرار داده است. گزارش‌هایی که از کردستان می‌رسد، همه از تسریع همین پروسه حکایت دارد. مأمور رسمی سناواک علی قاضی (کوری‌رهن)، طبق یک برنامه‌نمایشی ۱۵ه پشیم‌رگه خود به حزب دمکرات تسلیم شده است. مذاکراتی در جریان است که سپاه رزگاری که با یول و سلاح و دستسور حزب بعث عراق تاسیس شده است، به حزب دمکرات ملحق شود. شیخ جلال حسینی که با حمایت همه‌جانبه رژیم عراق و با همکاری عناصر مشکوک و وابسته به رژیم شاه بزرگترین نیروی مسلح اطراف پایه را تشکیل داده است، اکنون هر روز روابط صمیمانه‌تری با حزب دمکرات پیدا می‌کند. "گدورت‌های سابق" به سرعت در حال دواب شدن است. اکنون حزب دمکرات از سیاست سابق خود عدول کرده است.

تحرک دمکرات در شرایط نوین برنامه‌های حساب شده را در جهت تصفیه نیروهای پیشرو و انقلابی از حزب و جذب تمام نیروهای مترجم و ضدانقلابی را پیش گرفته است. روابط کومله و دمکرات نیز رو به بهبودی است. کریم علیار (برادر سکو علیار، عنصر ضد کمونیست مزدور و شاه سابق و دشمن شماره یک سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران (اکثریت) در حزب دمکرات) جانشین سرگرد عباسی شده است. او که از یک خاندان بزرگ مانک است، روابط گرم و نزدیکی با کومله دارد.

افزایش روز افزون نفوذ عناصر وابسته به امپریالیسم، وابسته به رژیم عراق و وابسته به رژیم سابق در حزب دمکرات، ماهیت این حزب را با سرعت روز افزون دگرگون ساخته است. جنگ عراق با ایران و الرامات آن در پروسه استحاله حزب دمکرات و کومله که ارکان اصلی جنگ در کردستان بوده‌اند، تاثیر بسیار داشته است. بار دیگر باید این سخن برقرار استالین را به خاطر آورد که:

"مسئله ملی همواره خصلت یکسانی ندارد". وقتی مبارزه در راه حقوق ملی تحت رهبری ناسیونالیست‌ها قرار گیرد، وقتی سمت اصلی این مبارزه، نه علیه امپریالیسم، که علیه یک رژیم ضدامپریالیست قرار گیرد، آنگاه این مبارزه با مداخلات و تجاوزات پنهان و آشکار رژیم‌های ارتجاعی و توطئه‌های امپریالیسم همراه می‌گردد، روز به روز عناصر انقلابی بیشتر تصفیه می‌شوند و جای خود را به ضد انقلابیون می‌دهند. آنگاه آن رهبری مشخصاً یک سمت‌گیری ارتجاعی به‌خود می‌گیرد. اکنون رهبری حزب دمکرات در مراحل نهایی تکوین این پروسه قرار دارد.

تجربه جنبش ملسی در کردستان عراق و سرنوشت دردناک بارزانی‌سی نمونه‌ای است که توگویی به عینه هم اکنون دارد در کردستان ایران نیز تکرار می‌شود. این‌بار رهبری قاسطلو در حزب طایف‌الغعل بالغعل پای خود را جای پای بارزانی بی سهد، حزب دمکرات اکنون حملات خود را از ماکو تا مرزهای کرمانشاه وسیعاً گسترش داده است و در همه جا سمت اصلی تبلیقات سیاسی و هدف‌های حملات نظامی متوجه سپاه پاسداران است.

از زمانی که پس از انشعاب، ناسیونالیسم بورژوازی دمکراتیسم انقلابی را در جنبش ملی خلق کرد منفرد ساخت و از زمانی که ناسیونالیسم عربی حزب بعث عراق را یکپارچه تسخیر کرد، بی‌باید انتظار داشت که گرایش‌های ارتجاعی به نحو روز افزونی در این احزاب گسترش یابد. و اکنون نیز می‌باید انتظار داشت که هر چه می‌گذرد، حزب دمکرات، کردستان تحت تاثیر رهبری ناسیونالیسم ادامه دهد عراق و ایران و جذب نیروهای مشکوک و آشکارا ضد انقلابی، با شتابی بیش از پیش تمام خصلت‌های مترقی خود را از دست بدهد و به همان سرنوشتی دچار شود که سهمت بارزانی‌ها در عراق بدان گرفتار شد.

بدین ترتیب چنانچه اوضاع به همین منوال پیش رود، دور خواهد بود روزی که این رهبری به خلق کرد پشت کند و به آرمان‌های انقلابی آنان خیانت ورزد. فردا وقتی خلق قهرمان کرد به دوستان و دشمنان خود می‌اندیشد، رهبرانی که این جنگ را در

کردستان رهبری می‌کند، قطعا در صف مقدم دشمنان خود قرار خواهد داد.

### سیاست جمهوری اسلامی

#### در برخورد با مسئله ملی، مخرب است

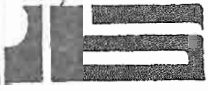
جمهوری اسلامی یا هر رژیم دیگر که حق تعیین سرنوشت را برای خلق کرد به رسمیت نشناسد هرگز نخواهند توانست جنبش ملی خلق کرد را از میان بردارند. چنانچه جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئله ملی در کردستان دید واقع‌بینانه داشت، چنانچه این جمهوری می‌فهمید که مسئله کردستان همان مسئله یزد نیست، اگر جمهوری اسلامی در کردستان راهی جز سرکوب تا به آخر را در پیش می‌گرفت، اگر خود را در برابر مردم کردستان قرار نمی‌داد، اگر جمهوری اسلامی مطالبات برحق، مسلم و پایمال شده مردم کردستان را به این شکل کینه‌توزانه پایمال نمی‌کرد، اگر جمهوری اسلامی حداقل به مضمون همان پیام مورخ ۲۶ آبان ۵۸ آیت‌الله خمینی در عمل وفادار مانده بود و در اجرای آن پیگیری بود، اگر جمهوری اسلامی ایران درک می‌کرد که چه ستمی بر خلق کرد روا داشته شده و می‌شود، اگر جمهوری اسلامی فرصت‌های بی‌تکرار صلح را از دست نمی‌داد و کوشش‌های مسئولانه سازمان ما را در جهت پایان دادن به جنگ برادرکشی نادیده نمی‌گرفت، اگر رهبران جمهوری اسلامی نمی‌کوشیدند سیاست سرکوب در کردستان و منع مذاکره با نیروهای متعهد و مترقی و صلح دوست در کردستان را وسیله‌ای برای رقابت با یکدیگر قرار دهند، امروز نه تا این حد خنول و آزادی مردم میهن ما باشند، بی پاسدار استقلال و آزادی مردم میهن ما باشند، بر زمین ریخته بود، و از همه مهمتر نه تا این حد عوامل ضدانقلاب وابسته به ارتجاع عراق، رژیم سابق و امپریالیسم آمریکا را تقویت کرده بود. اگر جمهوری اسلامی در برخورد با مسئله ملی در کردستان راهی دمکراتیک را در پیش گرفته بود، اکنون این نیروی عظیمی که زیر پرچم ناسیونالیست‌ها علیه جمهوری اسلامی گرد آمده است، زیر پرچم دیگری که عزم تاریخی خود را وقف رهایی همه خلق‌های ایران از یوغ بردگی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا می‌ساخت، گرد آمده بود.

اکنون نیز تا زمانی که جمهوری اسلامی ایران به حداقل خواست‌های خلق کرد پاسخ صریح و مشخص ندهد، تا زمانی که حقوق سیاسی، فرهنگی و اداری خلق کرد از جانب جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته نشود و جمهوری اسلامی منطبق زور را در مقابل با مردم کردستان ترک نکند. زمینه هر روز که می‌گذرد، برای عوام‌فریبی ناسیونالیست‌ها و نفوذ بیشتر ارتجاع منطقه و جهان در جنبش خلق کرد فراهم‌تر می‌گردد. از نورو اسامال تا امروز مشخصاً مسئولیت هر گامی که ناسیونالیسم کردی، بعث حاکم در عراق، عناصر وابسته به رژیم سابق در جهت گسترش موقعیت خود در کردستان برداشته‌اند، مسئولیت خون‌هایی که در کردستان از تن خلق محروم کرد بر زمین ریخته می‌شود، مسئولیت عواقب سیاسی که راه جنگ با پیشمرگان کرد را نمی‌بندد که راهی جنگ با مزدوران عراقی شود، تماماً بر عهده مقامات دولت جمهوری اسلامی ایران است. آری از نورو به بعد چنانچه سیاست جمهوری اسلامی ایران همان بود که در ۲۶ آبان ۵۸ اعلام شده بود، اکنون در رهبری حزب دمکرات قاسطلوها و امثال وی یکه‌تاز نبودند. آنان که آن سیاست را رها کردند، اکنون باید در پیشگاه خلق قهرمان ما پاسخگوی این همه فجایعی باشند که در این ۶ ماه رخ داده است. فجایعی که نه تنها ممکن بود رخ ندهد، بلکه می‌توانست حماسه‌هایی از دل‌آوری‌های خلق در برابر تجاوزگران را در دل تاریخ به ثبت رساند.

اما اکنون چیزی که بسیار مهم است، سمت و شکل این جنبش است. در شرایط فعلی وقتی می‌گوئیم مسئله کردستان راه‌حل نظامی ندارد یعنی نه رژیم جمهوری اسلامی قادر است این جنبش را از میان بردارد و نه زور سلاح علیه جمهوری اسلامی قادر است منافع خلق کرد را تأمین کند. در شرایط



# جنگ کردستان بعد از تهاجم عراق به ایران



بقیه از صفحه ۲

فعلی تنها سلاح خلق کورد در مقابل با توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع محلی وابسته به آن است که راه رهایی خلق کرد را به وی نشان می‌دهد نه جنگ علیه جمهوری اسلامی.

## سیاست رژیم عراق، تشدید و تداوم جنگ در کردستان ایران

از دیرباز که جنبش ملی خلق کرد، در ایران عراق و حتی در ترکیه پا گرفت، ناسیونالیست‌های کرد بر این عقیده بوده‌اند که هر زمان که سه دولت ترکیه، عراق و ایران با یکدیگر نزدیک و متحد باشند "نهضت کردیتی" در هر سه کشور خفیه خواهد شد. آنها همواره اعتقاد داشته‌اند که زمانی "کردیتی" (ناسیونالیسم کردی) رونق می‌یابد که تضادهای این کشورها با یکدیگر شدت یابد. رهبران "پارتی دیموکراتی کوردستان عراق" در این مطلب همیشه با رهبران ناسیونالیست حزب دمکرات کردستان ایران متفق القول بوده‌اند.

### مسئله ملی و حمایت خارجی:

راست این است که مسئله ملی در کردستان، چه در عراق، چه در ایران و یا حد کمتری در ترکیه ناشی از ستم ملی است و ستم ملی نیز ریشه در رشد ناهموزی نظام سرمایه‌داری دارد. و تا وقتی بر جامعه چنین نظامی حاکم باشد، مبارزه ملیت‌های نحت ستم هر کشور برای کسب حقوق ملی و رفع تبعیض‌ها و از آن اساسی‌تر برای کسب حق تعیین سرنوشت تداوم خواهد داشت. این مبارزات چه در اشکال خودبخودی، چه به صورت سازمان یافته، از یک واقعیت اجتماعی که همانا ستم ملی است، ریشه می‌گیرد. تداوم این مبارزات ناشی از سیاست ارتجاعی و یا مترقی این یا آن جریان نیست. مبارزه ملی ناشی از ستم ملی است و تا زمانی که جامعه در جهت حل آن ستم‌گیری نکرده باشد، (دمکراسی توده‌ای مستقر نشده باشد) همچنان تداوم خواهد داشت.

می‌بینیم که مسخره‌ترین حرف آن است که بگویند جنبش ملی خلق کرد یک جریان "بعث‌ساخته" یا "امپریالیستی" است. چه امپریالیست‌ها بخوانند و چه نخوانند جنبش ملی در کردستان وجود خواهد داشت.

اما همانگونه که توضیح داده‌ایم، اولاً امپریالیست‌ها و مرتجعین وابسته به آنها همواره می‌کوشند تا تضاد بین ملیت‌های کشورهای رها شده را دامن زدن و از طریق تشدید این تضادهای فرعی بین صفوف متحد ملل ساکن یک کشور، نفاق ایجاد کنند و از این نفاق به سود خود بهره‌برداری کنند.

امپریالیست‌ها زمانی که رژیم‌های ضد خلقی و سرکوبگر در کشورهای جهان سوم روی کار باشند با بی‌رحمی تمام سیاست سرکوب مبارزات ملیت‌های آن کشور را تعقیب می‌کنند اما زمانی که رژیم‌های ضد امپریالیست در آن کشورها روی کار می‌آیند، می‌کوشند ارتجاعی‌ترین نیروها در میان خلق‌های تحت ستم (غیرحاکم) را بسیج کنند و آنان را بسوی جنگ با آن دولت ضد امپریالیست تشویق و ترغیب و حمایت کنند.

در این میان هرگاه دمکرات‌های انقلابی و یا انقلابیون کمونیست رهبری این مبارزات را در دست داشته باشند مانع از آن خواهند شد که مبارزات خلق‌های تحت ستم برای کسب حقوق ملی در سمت و سوئی قرار گیرد که مرتجعین و امپریالیست‌ها آرزوی آن را دارند. نیروهای واقعا انقلابی خودکوشید تا این مبارزات هرچه بیشتر در پیوند با مبارزات ضد امپریالیستی دیگر خلق‌های آن کشور جریان یابد. انقلابیون واقعی مبارزه طبقاتی برای سرکوب نیروهای

صدانقلاب و ارتجاع مورد حمایت و واسه امپریالیسم را مقدم بر هر چیز بلقی خواهد کرد اما زمانی که در کشورهائی که درگیر نبرد ضد امپریالیستی هستند، رهبری مبارزه ملیت‌ها در راه رفع ستم ملی در اختیار ناسیونالیسم بورژوازی آن ملیت‌ها قرار گیرد، وضع اساسا متفاوت می‌شود. آنگاه راه برای نفوذ و غلبه سیاست‌هایی که در عمل با امپریالیسم و ارتجاع محلی همسوست، باز خواهد شد. آنگاه راه برای به‌انحراف کشیده شدن مبارزه ملی هموار خواهد شد.

### ناسیونالیسم و مداخله ارتجاع خارجی:

آن اظهار نظر ناسیونالیست‌های کرد با توجه به آنچه گفته شد، نکات قابل توجهی را بازگو می‌کند. این اظهار نشان می‌دهد که چگونه وقتی ناسیونالیست‌ها در رهبری جنبش ملی قرار می‌گیرند راه برای اتکای جنبش ملی به نیروهای ارتجاعی منطقه فراهم می‌گردد.

دولت شاه زمانی که هنوز سمت‌گیری ارتجاعی دولت عراق شروع نشده بود، به شدت ناسیونالیست‌های کرد را در عراق به جنگ علیه دولت عراق تشویق و حمایت می‌کرد. شاه ایران از بازرانی‌ها وسیعاً حمایت می‌کرد. کار به جایی رسیده بود که علاوه بر تأمین تمام تسلیحات بازرانی‌ها در جنگ، حتی زخمی‌های آنها نیز در رضائیه رسماً در بیمارستان‌های ارتش مداوا می‌شدند و این در حالی بود که ماشین نظامی دولت شاه با بی‌رحمانه‌ترین شیوه‌ها هرنوع اعتراض خلق کرد را در ایران به شدیدترین شکل ممکن سرکوب می‌کرد.

آن اظهار نظر رهبران مبارزه ملی مردم کردستان در ایران و در عراق هم چنین نشان می‌دهد که یک رهبری ناسیونالیست در دفاع از منافع طبقاتی خود تا چه حد قبل از آنکه به منافع مردم اندیشه کند، باز بودن پشت جبهه و امکان حمایت همه‌جانبه

یک دولت خارجی را مورد نظر قرار می‌دهد و مهم‌تر از آن این که ناسیونالیست‌ها در اینکار کمتر مقید آنند که ماهیت حکومتی که پشت جبهه آنان را تأمین می‌کند، کدام است؟ ناسیونالیسم بورژوازی این استعداد را دارد که با آغوش باز برای هرنوع کمک و حمایت خارجی چراغ سبز بزند. بسیاری از رهبران جنبش ملی در کردستان عراق و ایران بنا به ماهیت طبقاتی‌شان کمتر به این مسئله توجه داشته‌اند که

هدف دولتی که پشت جبهه در اختیار آنان می‌گذارد کدام است؟ آنها کاری به این نداشته‌اند که آن دولت ملی است یا وابسته به امپریالیسم. آنها به این که چرا آن دولت چنین کرده است، کاری ندارند. ناسیونالیست‌ها این مسائل را اصلاً قابل اهمیت نمی‌دانند. آنها فقط روی این مسئله تأکید دارند که این کمک‌ها برای کردهاست و به دست کردها می‌رسد پس قابل تحسین و ستایش است. ناسیونالیسم بورژوازی کرد آماده است که نادیده بگیرد که این سلاح را از دست دوستان خلق می‌گیرد یا دشمنان خلق.

رهبران حزب دمکرات هم‌اکنون در حالی که رژیم عراق وحشیانه‌ترین سیاست سرکوب خلق را در کردستان عراق تعقیب می‌کند، در حالی که هر ندای حق‌طلبانه کردهای عراق را با آتش خمپاره و تانک خاموش می‌سازد، وسیع‌ترین کمک‌های نقدی و جنسی و تسلیحاتی و مستشاری را از این رژیم برای جنگیدن با جمهوری اسلامی ایران دریافت می‌دارند. آیا هنوز این خیانتی آشکار به خلق کرد نیست؟ آیا این چیزی ارتجاعی‌تر از ناسیونالیسم نیست؟

در عصر کنونی یکی از وجوه اساسی افتراق بین ناسیونالیسم بورژوازی و دمکراتیسم پرولتری و حتی خرده‌بورژوازی همین نکته است. خصیلت‌های ارتجاعی ناسیونالیسم بورژوازی در عصر ما در آن است که آماده‌است تا برای دفاع از منافع "ملی" حتی با شیطان هم دست‌بدهد. هم‌اکنون بخش مہمی از سروها با تعصب بسیار کارهای ملامصطفی را تأیید می‌کنند. آنها اینطور استدلال می‌کنند: وقتی ما در حال جنگ با دولت عراق (۷۵ - ۱۹۷۱) و اسرائیل هم با دولت عراق درگیر جنگ بود، چه دلیلی وجود داشت

که ما از اسرائیل کمک نگیریم یا حتی در آن شرایط با اسرائیل مبارزه کنیم؟! یا دست دوستی و الفت شاه را نپذیریم؟ امگر رژیم شاه یا اسرائیل بودند که کردستان عراق را بمباران می‌کردند؟ بگذار اول عراق را که فعلا بیش از دیگران ما را "سرکوب" می‌کند، شکست دهیم. بعد اگر شاه یا اسرائیل هم خواستند ما را بغیریند یا با ما جنگ کنند با آنها هم خواهیم جنگید!

در حالی که نیروهای مردمی (دمکرات‌های انقلابی و انقلابیون کمونیست) دوستان و دشمنان خود را از روی مواضع آنها نسبت به انقلاب، نسبت به دشمن اصلی خلق‌های جهان تعیین می‌کنند. نیروهای سیاسی خرده‌بورژوازی، غلبه تمام ترلزلات و تردیدها، علی‌رغم تمام ناپیگیری‌هایشان تا زمانی که هویت طبقاتی خود را حفظ کنند. در زمانی که مبارزه خصیلت ضد امپریالیستی و دمکراتیک دارد، برای برآوردن اهداف طبقاتی خود دست یاری بسوی دشمن اصلی خلق‌های جهان دراز نمی‌کنند. آنها در این راه از اتحاد با نیروهای وابسته به امپریالیسم بیم دارند در حالیکه بورژوازی ناسیونالیست به راحتی به این کار تن می‌دهد.

عقب‌مانده‌ترین جریان‌های خرده‌بورژوازی هم، از لحاظ نظری خود را پایبند "نه شرقی، نه غربی" می‌دانند. پیشروترین جریان‌های خرده‌بورژوازی "شرقی" را و فقط شرق را در مبارزه علیه "غرب" دوست خود می‌شمارند. حال آنکه ناسیونالیسم بورژوازی آماده است تا در دفاع از منافع طبقاتی خود حتی از ارتجاعی‌ترین بلوک‌بندی‌های ضد خلقی و امپریالیستی هم کمک بگیرد. ناسیونالیسم بورژوازی در عصر ما، در عصر گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، سمت‌گیری ارتجاعی دارد و در استمرار خود تمامی خصیلت‌های دمکراتیک و ترغیبخواه خود را و بویژه زمانی که در حمایت از ستم‌گرایان قرار می‌گیرد، از دست می‌دهد و به طرف وابستگی کامل به امپریالیسم جهانی سمت‌گیری خواهد کرد.

### اهداف ارتجاع عراق در کردستان ایران:

اکنون در حزب بعث عراق - حزب حاکم - ناسیونالیسم بورژوازی غالب شده است. عراق روز به روز بیشتر به ورطه وابستگی به امپریالیسم جهانی کشیده می‌شود و این در حالیست که در ایران یک انقلاب ضد امپریالیستی رخ داده‌است و این انقلاب روی جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق عراق تأثیرات چشم‌گیری برجای نهاده است. این تأثیرات روی نیروهای اسلامی عراق و بویژه شیعیان که نزدیک به نیمی از جمعیت عرب عراق را تشکیل می‌دهند، از همه بارزتر بوده است. این تأثیرات برای بورژوازی عراق قابل تحمل نبود. رژیم عراق بنا به ماهیت و سمت‌گیری خود نمی‌توانست در برابر تعمیق وجوه ضد امپریالیستی انقلاب ایران ساکت بنشیند. رژیم عراق از همان زمان که عطر پیروزی بر رژیم شاه در فضای مہمی ما پیچیده بود، دشمنی کینه‌توزانه خود را با انقلاب ایران آشکار ساخت.

رژیم عراق بنا بر ماهیت و سمت‌گیری طبقاتی خود از همان روزهای قبل از سرنگونی شاه، زمانی که سقوط وی را حتمی دید، دست به کار تدارک دخالته گسترده در مسئله ملی کردستان ایران شد. رژیم عراق در جریان گسترش انقلاب ایران نقش فعالی در گسترش مخاصمات میان نیروهای جنبش ملی کردستان ایران با دولت جمهوری اسلامی ایران برعهده داشته است. رژیم عراق در اجرای این سیاست خود قبل از همه به روحيات "ناسیونالیسم کردی" متکی گردیده است. نیروهای ارتجاعی کردستان بعد از انقلاب مورد حمایت مستقیم رژیم عراق قرار گرفتند و با پول و سلاح عراقی شروع به استخدام مزدور کردند. رژیم عراق که گسترش انقلاب ایران را در جهت خلاف منافع بورژوازی عراق می‌دید، کوشید تا از مسئله ملی در کردستان ایران به سود خود بهره‌برداری کند و با بقیه در صفحه ۴

# جنگ کردستان بعد ازتهاجم عراق به ایران

بقیه از صفحه ۳

مداخله در جنبش ملی جهت ضد امپریالیستی و دمکراتیک مبارزه مردم کردستان ایران را به جهتی ضد جمهوری اسلامی و ضد انقلابی بدل سازد.

رژیم عراق نمی‌تواند مسئله ملی را در ایران ایجاد نماید اما قادر است با حمایت از ناسیونالیست‌ها و نیروهای وابسته در کردستان روی تشدید مسئله ملی و حتی به قهر کشیده شدن مبارزه ملی تاثیرات بسیار مهم برجای گذارد. تاریخ نشان داده‌است که رژیم‌های ارتجاعی نقش بسیار موثری در راه انداختن جنگ میان ملی‌های کشورها داشته‌اند. آنها به اتکالی نیروهای ارتجاعی و ناسیونالیست‌های افراطی در میان ملیت‌ها همواره کوشیده‌اند تضاد بین ملیت‌ها را دامن رند و آن را به وسیله‌ای برای به شکست کشاندن بیگانه‌های بخش ملل بدل سازند.

اکنون یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تشدید جنگ در کردستان همانا مداخلات رژیم عراق در مسئله ملی در کردستان است. رژیم عراق تمام نیروی خود را به کار انداخته است که در کردستان ایران صلح برقرار نشود. درست همانگونه که رژیم شاه در ۷۵-۱۹۶۸ محرک اصلی جنگ در کردستان عراق بود) زیرا صلح در کردستان طبعاً از فشارهای وارده بر جمهوری اسلامی ایران - که رژیم عراق و امپریالیسم آمریکا فشارهای حادی را بر وی تحمیل کرده‌اند - خواهد کاست.

رژیم عراق با خرج کردن دینارهای نفتی در کردستان، با گسیل انواع سلاح‌ها به کردستان ایران، با تحریک احساسات ملی مردم کردستان و با فریب توده‌های کرد - خلق کرد را به جنگ با جمهوری اسلامی ایران آشکارا تشویق و ترغیب می‌کند. رژیم عراق خود را مدافع خلق کرد و انمود می‌کند (درست مثل رژیم شاه که خود را مدافع خلق کرد عراق و انمود می‌کرد) و اینطور جلوه‌گر می‌سازد که رژیم عراق تا پای جان از آرمان به حق خلق کرد که خودمختاری ملی است پشتیبانی می‌کند. دولت عراق مخالف جدی هر نوع صلح و مصالحه‌ای میان جنبش ملی کردستان ایران و دولت جمهوری اسلامی ایران است. رژیم عراق هر روز بیش از پیش در پی تشدید این سیاست خود به ناسیونالیسم بورژوازی در کردستان "گردآیی" متکی می‌گردد.

ناسیونالیست‌های کردستان عراق در مبارزه علیه رژیم عراق در آن زمان چنان به شاه متکی شده بودند که صلح شاه با رژیم عراق موجب شد که طی چند روز ۲۰۰ هزار کرد عراقی به ایران پناهنده و آواره شود. مرگبارترین مصیبت برای جنبش ملی کردستان ایران آنست که به حمایت رژیم‌های ارتجاعی از جمله رژیم عراق متکی گردد. رژیم‌هایی چون حکومت صدام حسین جز دشمنی‌های ردیلا نه با جنبش‌های ملی خلقهای تحت ستم هیچ سبب دیگری ندارند. اکنون دسیسه‌های دولت عراق در کردستان ایران آسیب‌های بزرگی به سلامت جنبش ملی خلق کرد وارد آورده است. رژیم عراق با تبلیغ روی اینکه کردستان ایران "دژ پایداری" در برابر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی "است"، آشکارا می‌کوشد خلق کرد را فریب داده و بدین وسیله خود را در کردستان هر روز بازتر کند.

برای رژیم عراق فاجعه‌بارترین حالت آن است که نیروهای جنبش ملی کردستان ایران با همه نیروهای خلق در سراسر ایران متحد شوند و با حمایت جدی و فعال از جنبش انقلابی خلقهای کرد و عرب عراق بهترین پشت‌چینه را برای نیروهای جنبش انقلابی خلق عراق را بازگشایند.

اما متأسفانه وضع در تمام طول ۲۰ ماهه گذشته هیچگاه چنین بوده است. رهبری حزب دمکرات کردستان، این قدر تمسک بر نیروی سیاسی کردستان ایران نه تنها هیچگاه عملاً علیه رژیم بعث با نیروهای جمهوری اسلامی ایران حرکت نکرد بلکه در همان مسیری گام برداشت که بیش از همه رژیم عراق و در فراسوی آن امپریالیسم آمریکا را خشونت می‌ساخت. این جریان در تمام این مدت از کمک‌های آشکار و نهان رژیم عراق که همواره آرزو داشته است خلق کرد و خلق‌های غیر کرد ایران با شدت بیشتری باهم بجنگد برخوردار بوده است!

هم اکنون کومهله سبز با رژیم عراق آشکارا روابط "غیر مستقیم" دارد. کومهله طی ۲۰ ماهه اخیر به واسطه‌گی شرح جلال، حامد بیگ، شیخ‌الاسلامی‌ها و دهها خاندان معروف دیگر همواره کمک‌های نقدی و تسلیحاتی عراق را "مصادره" کرده است و پس از هربار "مصادره" واسطه‌های کار را رها ساخته تا دوباره به حرفه سابق باز گردند.

تمام حقایق آشکار حاکی از آن است که اگر در عراق یک رژیم انقلابی و ضد امپریالیست، حتی رژیمی مثل رژیم لیبی روی کار بود، آن رژیم تمام نیروی خود را به‌کار می‌گرفت تا به جنگ کردستان به‌سود خلقهای کرد و غیرکرد خاتمه داده شود و انرژی انقلابی تمام مردم ایران علیه امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی وابسته به آن به‌کار گرفته شود.

مداخلات رژیم عراق در کردستان ایران، شرایط برقراری صلح و ایمنی دادن به این جنگ را دشوارتر کرده است. رژیم عراق می‌خواهد بین خلق کرد و دیگر خلقهای ایران هرگز آشتی نشود. رژیم عراق تمام وسایل خود را به کار می‌گیرد که در کردستان صلح نشود. رژیم عراق یکی از مهم‌ترین عوامل ادامه جنگ برادرکشی در کردستان است.

نقش دولت عراق در ادامه این جنگ تا بدان پایه جدی است که به جرات می‌توان گفت با سرگونی رژیم مرتجع عراق و بیروزی نیروهای انقلابی در عراق و سرکوبی ضدانقلاب در عراق، مهم‌ترین کانون حمایت از نیروهای ضد انقلابی و وابسته در کردستان خاموش خواهد شد و یکی از ارکان جنگ برادرکشی فرو خواهد ریخت.

امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب ایران و همه نیروهای مرتجع منطقه و در رأس همه رژیم اسرائیل در رابطه با مسئله کردستان در هیچ‌چیز به اندازه ادامه این جنگ ذینفع نیستند. آنها با تمام توان خود از حکومت ارتجاعی عراق، از ناسیونالیسم کردی و حتی از قشریت نیروهای جمهوری اسلامی در جهت تضعیف نیروهای انقلاب و برای به شکست کشاندن آن بیشترین بهره‌گیری را خواهند کرد.

امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم اسرائیل، جلادان عراقی، رژیم ارتجاعی عربستان سعودی، پاکستان و دیگر مرتجعین منطقه هیچ‌کدام مایل نیستند جنگ در کردستان تمام شود، همبستگی خلقهای ما علیه آنها تحکیم یابد و دستاوردهای انقلاب ما استوار گردد. رژیم عراق در شرایط فعلی بیشترین و فعال‌ترین همسوئی‌ها را با امپریالیسم و نیروهای وابسته به آن (ضدانقلاب ایران) از خود نشان می‌دهد. ادامه جنگ کردستان خواست مشترک امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و همه رژیم‌ها و نیروهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم منطقه است.

## جنگ مهاباد:

در اواخر شهریور ماه، با وجود اینکه یک پادگان مجهز ارتش، ژاندارمری و پاسداران در شهر حضور داشت، سه ستون بسیار مجهز از سه طرف، میان‌دوآب، سپوه و ارومیه عازم مهاباد و روز ۲۶ شهریور وارد شهر شدند. پیشمرگان و بسیاری از مردم از قبل انتظار ورود ارتش را داشتند. از قبل شهر را ترک کرده بودند. جو شهر به علت سرعت ۸۰ میلیون تومان از بانک ملی و گروگانگیری و زاندارم توسط حزب دمکرات منتشر بود. روز ۲۷ شهریور، سربازان و پاسداران در نقاط حساس شهر مستقر شدند. ارتش اطلاعاتی اعلامی‌های شورای شهر اطلاع می‌دهد که اگر تا یک ساعت دیگر به گروگان آزاد نشوند، شهر را خواهد کوبید. اما ارتش این تهدید را عملی نکرد. صبح روز ۲۸ شهریور در داخل شهر در نزدیکی‌های فرمانداری پیشمرگان حزب دمکرات به روی پاسداران آتش گشودند که در نتیجه یک پاسدار کشته شد. به‌دنبال آن ارتش و پاسداران با توپ و خمپاره شهر را زیر آتش گرفتند. پیشمرگان دمکرات عقب نشستند اما از ظهر دوباره حمله را آغاز کردند. در چهار روز اول ۵۰ نفر کشته شدند. که همگی از مردم عادی و غیر مسلح بودند. تا روز ۱۱ مهر جمعاً ۲۰۸ نفر از مردم در داخل مهاباد کشته شده‌اند. زخمی‌ها بیش از هزار نفر تخمین زده می‌شوند. مردم اکثراً به‌خاطر

## آخرین خبرهای پیک کردستان

نمود دارو و پزشکی تلف شده‌اند. تعداد کسانی که آنا کشته شده‌اند به ۵۰ نفر نمی‌رسد ضدیت علنی و آشکار علیه حزب در مهاباد روبه افزایش است. در یکی از مساجد مردم اجتماع کرده و می‌گفتند: "فدائی‌ها که می‌گفتند جنگ غلط است، حق داشتند."

ستون یانه به سردشت: ستون مجهز ارتش که از یانه به سردشت می‌رفت، پس از تحمل خسارات و تلفات سنگینی (حدود ۱۰۰ نفر) و بیماریان روستاهای اطراف، در منطقه‌ای به نام "دارساوین" گیر کرده و راه پیشرفت و بازگشت او سد شده است. حزب دمکرات دو طرف جاده را با بولدوزر کنده و جاده را مسدود ساخت. در جنگ با این ستون عده‌ای از پیشمرگان از جمله یکی از مسئولین کومهله و دو نفر "اقلیتی" کشته می‌شوند. ستون هنوز در راه است و با هلی‌کوپتر مواد غذایی و کمک دریافت می‌کند. در تمام مدتی که ستون درگیر است، پادگان سردشت روستاهای اطراف را می‌کوبد.

سردشت می‌کند: ستون مجهز ارتش که از یانه به سردشت می‌رفت، پس از تحمل خسارات و تلفات سنگینی (حدود ۱۰۰ نفر) و بیماریان روستاهای اطراف، در منطقه‌ای به نام "دارساوین" گیر کرده و راه پیشرفت و بازگشت او سد شده است. حزب دمکرات دو طرف جاده را با بولدوزر کنده و جاده را مسدود ساخت. در جنگ با این ستون عده‌ای از پیشمرگان از جمله یکی از مسئولین کومهله و دو نفر "اقلیتی" کشته می‌شوند. ستون هنوز در راه است و با هلی‌کوپتر مواد غذایی و کمک دریافت می‌کند. در تمام مدتی که ستون درگیر است، پادگان سردشت روستاهای اطراف را می‌کوبد.

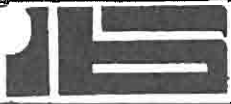
شهادت رفیق رضا پیرانی: دفتر سیاسی حزب دمکرات یک نامه‌سری درون حزبی به مسئولان در شهرهای مختلف فرستاده و دستور داده است که در صورتی که از طرف مردم زمینه‌های خلق سلاح کوبیت‌ها فراهم باشد، اینکار را بکنند. این مسأله با مخالفت برخی از مسئولان حزب مواجه شده اما روز ۷ مهر هنگامی

حزب دمکرات روز ۱۰ مهر اعلام کرد که افراد منقضی خدمت ۵۶ تصمیم به سربازی رفتن دارند، توسط حزب دمکرات دستگیر و به عنوان جاس در بازار در معرض تماشای عمومی قرار خواهند گرفت.

فقر و محرومیت بیداد می‌کند: جنگ روی دوش زحمتکشان بیشتر سنگینی می‌کند. بیکاری وحشتناک است. مرد کارگر به زیر ۵۰ تومان رسیده است. قیمت‌ها سرسام‌آور است. قند یک گونی ۷۵۰ تومان نفت یک بشکه هزار تومان، بنزین لیتری ۴۰ تومان، تخم مرغ دان‌های ۴ تومان و ...

حزب دمکرات اخیراً برخی از عناصر معتزلی خود را تحت عنوان "تحصیل" به اروپا فرستاده است. زده است. اکنون کردستان سخت‌ترین و تاریک‌ترین روزهای خود را می‌گذراند.

حزب دمکرات اخیراً برخی از عناصر معتزلی خود را تحت عنوان "تحصیل" به اروپا فرستاده است. زده است. اکنون کردستان سخت‌ترین و تاریک‌ترین روزهای خود را می‌گذراند.



## کامپوچیا

دولت جمهوری دمکراتیک کامپوچیا ضمن محکوم ساختن کوشش کورهای که درصدد تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی به منظور بررسی مسئله کامپوچیا هستند، تلاش‌های آنان را مداخله در امور داخلی این کشور دانست و اعلام نمود که برای مردم کامپوچیا که سال گذشته رژیم پول‌پوت را سرنگون کرده و حکومت جدید خلق را برقرار ساخته‌اند، هیچ مسئله خاصی وجود ندارد.

## آمریکا

همزمان با تجاوز نظامی رژیم ضد مردمی عراق به ایران و شدت یافتن جنگ بین دو کشور، بقیه در صفحه ۱۲

نیافته بود، و احتمال هجوم نیروهای امپریالیست‌های آلمان غربی و ثروتمندان فراری آلمان شرقی و حامیان امپریالیست‌شان بسیار قوی بود، مردم آلمان شرقی در دفاع از انقلاب خود به نیروهای ارتش سرخ مستقر در آلمان تکیه می‌نمودند تا اینکه بالاخره در سال ۱۹۵۶ ارتش خلقی متشکل از زحمتکشان به وجود آمد.

هم‌چنین در سیستم قضائی کشور تحولات دمکراتیک عمیقی انجام گرفت. قضات سابق که ۸۰٪ آنها فاشیست بودند و دسته ممتازی را تشکیل می‌دادند که با جیره‌خواری از کیسه انحصار داران و زمین‌داران بزرگ وظیفه کثیف دفاع از منافع و امتیازات و جنایات آنها را به عهده داشتند از کار برکنار شدند و آنهایی که عملاً در جنایات فاشیست‌ها سهم بودند بپای محاکمه کشیده شدند. بلافاصله تربیت قضات جدید از بین کارگران و دهقانان آغاز شد تا برای اولین بار در تاریخ آلمان مجری عدالت واقعی باشند.

قدرت حاکمه نوین به محروم ساختن فاشیست‌ها از اعمال قدرت اکتفا نکرد بلکه کمیسیون‌های ویژه‌ای تشکیل داد تا در مورد تمام متهمین تحقیق نمایند. در نتیجه ۱۲۸۴۴ نفر به مجازات‌های مختلف از محرومیت از استخدام در دستگاه دولتی و آموزش مجدد از طریق کار در اردوگاه‌های ویژه و عده‌ای از آنها نیز به نسبت جنایات بزرگ به اعدام محکوم شدند و بالاخره برای اینکه عناصر خائن به خلق کاملاً منفعل شده و قدرت خرابکاری خود را از دست بدهند از تمام جانیان جنگ و انحصار داران و ملاکین بزرگ سلب مالکیت گردید. تظاهرات عظیم زحمتکشان آلمان که بعد از جنگ با شعار: **از جنایتکاران جنگ سلب مالکیت کنید!**

برپا می‌شد و نیز رای عمومی مردم مبنی بر اینکه: **"آنچه دستهای خلق ایجاد کرده‌اند، باید از آن بقیه در صفحه ۱۲"**

بقیه از صفحه ۹۰

## سوسیالیسم در سرزمین ...

قادر به دفاع از خود نبود در آنجا مستقر بود. در برخورد به دستگاه دولتی فاشیستی، جمع بندی مارکس از تجارب انقلابات ۱۸۴۸ و کمون پاریس را مبنی بر اینکه **"درهم شکستن دستگاه نظامی - بوروکراتیک کهن، شرط مقدماتی پیروزی هر انقلاب واقعا خلقی است"**

که به قیمت خون هزاران کارگر قهرمان بدست آمده و صحت کامل خود را در جریان انقلاب اکثراً به اثبات رسانده بود رهنمای عمل خود قرار دادند.

ابتدا تمام صاحبان انحصارات صنعتی و نظامی و زمین‌داران بزرگ از اعمال قدرت دولتی محروم شدند. احزاب فاشیست و هواداران امپریالیسم و کانون‌ها و اتحادیه‌های صاحبان انحصارات منحل و غیرقانونی اعلام شدند و هرگونه تبلیغات فاشیستی و میلیتاریستی ممنوع اعلام شد. پس از آن تمام ادارات شهری و روستائی منحل و یا از عناصر ارتجاعی تصفیه شدند و ارگان‌های نوین قدرت محلی و منطقه تحت سرپرستی کمونیست‌ها و دمکرات‌ها جایگزین آنها شدند.

پلیس فاشیستی بکلی منحل شد و بجای آن نیروی پلیس جدیدی که اساساً از افراد طبقه کارگر تشکیل می‌شد ایجاد گردید تا وظیفه دفاع از نظام انقلابی نوین را برعهده گیرد. هم‌چنین بقایای فعال ارتش فاشیستی که در مقابله با ارتش سرخ یا درهم شکسته و یا به بخش غربی عقب نشینی کرده بود، بکلی تار و مار شد. تا اواسط دهه پنجاه که هنوز نظام نوین کاملاً استقرار

## پنجاه سال پیش بیکاری برای همیشه در اتحاد شوروی ریشه کن شد

اداره‌های کارایی می‌بایست برای بیکاران بدون گرفتن حق‌الزحمه کار پیدا کنند و مزایای بیکاری را برای آنها تأمین کنند. در نوامبر ۱۹۲۱ دولت شوروی اجرای بیمه اجتماعی وسیعی را در مورد تمام کارگران صنعتی، اداری و حرفه‌ای که توانائی کار نداشتند و یا نمی‌توانستند زندگی خود را تأمین کنند آغاز کرد. در سال ۱۹۲۵ کمک متوسط ۸ تا ۱۰ روبل در ماه بود. در همین سال حقوق متوسط کارگران صنعتی ۲۴ روبل بود. **"با گذشت هر سال زندگی راحت‌تر شد. صنعت احیاء شد و کارخانجات و کارگاه‌های جدید به کار افتادند. احتیاج به کارگر روز به روز افزایش می‌یافت. همسر من اولین نفر از خانواده ما بود که کاردا تم پیدا کرد. من نیز عملاً مشغول کار بودم ولی تمام آنها کارهای اتفاقی بودند و در مارس ۱۹۳۰ این افتخار نصیب من شد که در اداره کارایی مسکو رأی تخته کنم."** از آن موقع به بعد هیچ‌کس در شوروی بیکار نبوده است. بقیه در صفحه ۱۴

زحمتکشان شوروی سالهای سختی بود. مبارزه گسترده تحت رهبری حزب بلشویک در تمام جنبه‌ها از جبهه جنگ گرفته تا مبارزه با احتکار، گرانی و بیکاری در جریان بود. امپریالیست‌ها سعی داشتند با محاصره همه‌جانبه کشور و نابودی اقتصاد آن، انقلاب را از پای در آورده و ضدانقلاب را دوباره بر کشور حاکم نمایند. کارگران و زحمتکشان کشور شوراها با آگاهی بر اینکه دولت کارگری حاکم تمام کوشش و مساعی خود را برای بهبود زندگی آنان به کار گرفته است، مصمانه در جهت اجرای برنامه‌های انقلابی آن کوشش می‌نمودند تا کشور خود را بر روی ویرانه‌های نظام کهن با نظمی نوین و انقلابی بسازند و آینده را از آن خود سازند. میخائیل شکوف در این باره چنین می‌گوید: **"علیرغم تمام مشکلات، ما احساس می‌کردیم و اعتقاد داشتیم که این‌ها مشکلاتی موقتی هستند. دولت شوروی تمام سعی خود را به‌کار می‌برد تا بلای بیکاری را از بین ببرد. در سال ۱۹۱۸، لنین بیانیهای درباره اداره‌های کارایی امضا نمود. بر طبق این لایحه،**



میخائیل شکوف آخرین کارگر بیکار شوروی آن روزها را بیاد می‌آورد!

در تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۳۰، اداره کارایی مسکو آخرین جواز کار خود را صادر کرد و برای همیشه تعطیل شد.

میخائیل شکوف، آخرین جواز کار را برای کار در کارخانه "گراسینه‌کوزنیک" (کارخانه دباغی سرخ) دریافت کرد. او که تا قبل از این زمان کار ثابتی نداشت، برای گذران زندگی به کارهای مختلف دست می‌زد اما سرانجام زمانی که موفق به داشتن کار ثابت در کارخانه دباغی شد، بیکاری نیز برای همیشه در اتحاد شوروی از بین رفت.

سالهای بعد از انقلاب اکثراً در شرایطی که کشور جوان شوراها مورد تهاجم ۱۴ کشور امپریالیستی قرار داشت برای تمام کارگران و

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

بقیه از صفحه ۱۱

### اخبار جهانی

امریکا که ظاهرا اعلام "بی طرفی" نموده است، بر شدت توطئه‌ها و دسیسه‌ها علیه خلقهای ایران و منطقه افزوده است.

به قرار اطلاع ناوهای هواپیمابر امریکا در دریای عمان مستقر گردیده‌اند و نیروهای "سریع-العمل" امریکا به حال آماده‌باش درآمده‌است. از سوی دیگر در هفته گذشته امریکا تعدادی هواپیمای جاسوسی آواکس که مجهز به سیستم هشدار دهنده هوایی هستند در اختیار شاه عربستان سعودی قرار داد و تعدادی موشکهای هاوک نیز به عمان ارسال داشته است.

### سوریه

تلویزیون سوریه اخیرا مصاحبه‌ای با سه تن از اعضاء یازداشت‌شده سازمان اخوان المسلمین ترتیب داده است. سه عضو بازداشتی این سازمان در این مصاحبه از روابط حسنه میان اخوان المسلمین با اسرائیل و مصر و سازمان‌های مسیحی راست‌گرای لبنان یاد کرده‌اند. هم‌چنین یازداشت این سه تن آشکار نموده است که آنها از جانب یکی از سازمان‌های راست‌گرای لبنان به منظور حمل اسلحه برای اخوان المسلمین اجیر شده‌اند.

### شوروی

در ادامه طرح‌های مشترک فضائی کشورهای سوسیالیستی، هفته گذشته آرنالدو تامایومندس، به‌عنوان اولین فضانورد کوبا و امریکای لاتین به همراه یکی از فضانوردان شوروی به فضا پرواز کرد به این دو فضانورد عنوان قهرمان اتحاد شوروی که عالی‌ترین عنوان کشور شوروی است، اهداء گردید. تاکنون فضانوردان کشورهای چکسلواکی، لهستان، جمهوری دمکراتیک آلمان، بلغارستان، مجارستان و ویتنام به همراه فضانوردان شوروی در این برنامه شرکت داشته‌اند.

### اردن

ملک حسین، سلطان اردن در هفته اخیر طی مسافرت ۲۴ ساعته‌ای به عراق موضع حمایت این دولت از رژیم ضد مردمی عراق را اعلام نمود. حمایت دولت ارتجاعی و وابسته اردن از تهاجم دولت عراق مسئله غیر مترقبه‌ای نمی‌باشد. جنگ تجاوزگرانه دولت عراق علیه انقلاب ایران مورد حمایت همه جانبه امپریالیست‌ها و رژیم‌های دست‌نشانده آن قرار گرفته است و موضع‌گیری رژیم وابسته اردن هم در همین رابطه انجام گرفته است.

بقیه از صفحه ۱۱

### سوسیالیسم در سرزمین ...

خود خلق باشد" بیانگر خواست عمومی سلب مالکیت از کسانی بودند که سالیان سال خون زحمتکش را مکیده و زندگی هزاران هزار انسان زحمتکش را با زیچه منافع پست خود قرارداد کرده بودند. بالاخره برای مقابله با ایدئولوژی فاشیستی، انقلاب آموزشی و فرهنگی انجام گرفت. حدود ۷۵٪ معلمان در دوره سلطه فاشیسم تحت نفوذ ایدئولوژی فاشیستی قرار گرفته و به عضویت حزب نازی درآمده بودند. این عده از کار برکنار شدند تا توسط استادان کمونیست و ضد فاشیست یک دوره بازآموزی مجدد را از سر بگذرانند. کتابهایی که با الهام از فاشیسم و میلیتاریسم تدوین شده بودند، منهدم شدند. بلافاصله کادر آموزشی جدیدی متشکل از کارگران و دهقانان و سایر اقشار دمکرات قادر به انجام این

بقیه از صفحه ۱۱

### پنجاه سال پیش ...

دولت اتحاد شوروی برای تمام شهروندان کشور کار تامین میکند. حق کار یکی از حقوق اساسی شهروندان است. این حق انتخاب شغل و حرفه براساس استعداد، توانایی‌ها و مهارت‌های تخصصی و آموزشی هر فرد را نیز شامل می‌شود. بدین ترتیب مسئله بیمه بیکاری اساسا مفهوم و موردی پیدا نمی‌کند و از آنجا که برای تمام شهروندان حق کار تضمین شده است، دیگر در قانون کار و تامین اجتماعی شوروی مسئله‌ای بنام بیمه بیکاری مورد پیدا نمی‌کند.

من بیش از سی سال در کارخانه "دباغی

بقیه از صفحه ۷

### امپریالیسم ...

با امپریالیسم درکنار کارگران و زحمتکش میهن ما قرار دارند. باید از پیشرفته‌ترین تکنولوژی که دستاورد تاریخ بشری است برای تغییر و تبدیل صنایع وابسته میهن ما به صنایعی مستقل و درجهت تامین نیازهای رو به رشد و برای توان بخشیدن به قدرت اقتصادی میهن در مقابل با امپریالیسم بهره جست و این با گسترش روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی و ترقیخواه مقدور و میسر است. دیدگاهی که دوست و دشمن ما را در مبارزه ضد امپریالیستی که در پیش روی داریم، یکی می‌شمارد، با تضعیف قدرت اقتصادی کشور، آنگاه که اجتناب ناپذیری رابطه اقتصادی با جهان مسلح و مسلم می‌شود، راه را برای تجدید و تحکیم وابستگی به "غرب" باز می‌گذارد.

ع- باید شبکه حمل و نقل کشور ملی شود و با نظم و کارآیی و با صرفه‌جویی هرچه بیشتر در مواد سوختی اداره شود. بر وسائل حمل و نقل عمومی تا آنجا که در امکانات اقتصادی است، باید افزود و آنچه هست با نظم بسیار دقیق‌تری به‌کار گرفته شود تا رفت و آمد شهری میان شهرها و روستاها، تا نقل و انتقالات کالا به مراکز صنعتی، با بازارها، از شهرها به روستاها و بالعکس بی‌هیچ وقفه‌ای ادامه یابد.

وظیفه قابل تقدیر، تشکیل شد که پس از گذراندن یک دوره آموزشی کوتاه و فشرده مشغول کار شدند کتابهای درسی جدیدی سیز با الهام از مبارزه برای صلح جهانی و وحدت بین زحمتکش جهان در مبارزه با امپریالیسم و مبارزه برای عدالت اجتماعی تدوین شد. انقلاب آموزشی علاوه بر تغییر بنیادی در سیستم آموزشی، امکانات آموزش مقدماتی و عالی را برای همه زحمتکش فراهم ساخت.

بدین ترتیب جنبه نیروهای خلقی به رهبری " حزب وحدت سوسیالیستی آلمان" انحصارداران و زمین‌داران بزرگ را به ترتیب از لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ایدئولوژیکی نابود ساخت و در اتحاد با متحدین جهانی خود به آنها اجازه نداد که با استفاده از متحدین امپریالیست خود در سایر کشورها، دستاوردهای انقلاب را نابود سازند و بدین طریق راه پیشروی آلمان به سوی سوسیالیسم را هموار ساخت.

سرخ" کار کردم. البته با یک وقفه کوتاه در کار در سال ۱۹۴۱ برای اعزام به جبهه داوطلب شدم و در استالینگراد جنگیدم و در آنجا زخم عمیقی برداشتم. حالا من و همسرم جزو بازنشستگانیم. بچه‌های من هر کدام برای خودشان خانواده‌ای دارند و البته همه‌شان شاغل نیز هستند. آنها بیکاری و اداره‌های کاریابی را از روی کتاب‌های تاریخ و داستان‌هایی که من برایشان نقل می‌کنم، می‌شناسند.

بدین‌گونه سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی پنجاه سال پیش هیولای بیکاری را مانند هزاران مصیبت دیگر به زانو درآورد. هیولائی که هم‌اکنون در تمامی کشورهای سرمایه داری، زندگی و سرنوشت میلیون‌ها کارگر و زحمتکش را همیشه و هر روز تهدید می‌کند.

۷- مواد سوختی، کودشیمیائی و سموم نباتی مورد نیاز دهقانان باید بدور از دست تجار و توسط دولت و شوراهای روستائی میان دهقانان توزیع گردد تا آثار مصیبت‌بار کمبود این مواد بر کشاورزی میهن ما برطرف گردد.

۸- مواد سوختی مورد نیاز خانوارها باید توسط دولت جیره‌بندی شود و با صرفه‌جویی و با نظم دقیق توسط شوراهای محلی توزیع گردد تا در زمستانی که درپیش است از رنج سرما بر کارگران و زحمتکش شهری و روستائی میهن ما کاسته شود.

۹- دولت باید محصولات کشاورزی دهقانان را به قیمتی که کشاورزی را رونق دهد و رفاه کشاورزان و دهقانان را تامین کند، خریداری نماید و به قیمت ارزان در اختیار زحمتکشان گذارد. اوراق عمومی و دیگر کالاهای ضروری مصرفی باید توسط شوراهای محلی و شرکت‌های تعاونی مصرف توزیع گردد و در مواردی که ضروری است جیره‌بندی شود.

۱۰- دارو و امکانات درمانی توسط دولت تامین گردد و بطور عادلانه توزیع گردد تا کارگران و زحمتکش شهر و روستا بیش از این از کمبود این امکانات دچار رنج بیماری نشوند.

اینها رهوس برنامه‌های ضربتی برای مقابله با صدمات اقتصادی است که نیروهای نظامی دولت ضد مردمی عراق بر اقتصاد میهن ما وارد آورده است. گذشته از اینها دولت باید هرچه زودتر برنامه‌های اساسی برای بازسازی اقتصاد ایران براساس مبارزه با سلطه اقتصادی امپریالیسم بر میهن ما ارائه دهد.

### گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند -



## جنبش دهقانی ایران



### ایجاد

### شرکت‌های واقعی تعاون روستائی

### گامی در جهت حل مسأله گرانی و

### قطع نفوذ واسطه‌ها به نفع روستائیان زحمتکش



گرانی در روستاها بیدار می‌کند. هم‌میهنان روستائی ما به‌ویژه فشار قیمت‌های سرسام‌آور مایحتاج عمومی را بردوش خود احساس می‌کنند. برنج، روغن، گندم، کبریت، صابون و... که عمده مواد مصرفی روستائیان را تشکیل می‌دهند، اگر در بازار گیر بیابند، چنان قیمت‌های سنگینی دارند که بخش اعظم زحمتکشان روستا نمی‌توانند از پس خرید آنها بیایند.

برای نمونه در روستاهای لرستان، گرانی برنج و روغن روستائیان کم زمین و بی‌زمین را واداشته است که ۵ تا ۶ روز هفته را بدون روغن و برنج سر کنند. غذای عمده آنها در این ایام نان خالی یا جای و در مدت محدودی از سال نان با دوغ و ماست و پیراست. هزینه کمرشکن دارو و پزشکی بسیاری از روستائیان فقیر را واداشته است که از مراجعه به پزشک حتی‌الامکان خودداری کنند. در بسیاری موارد بیماران یا باید خودبخود شفا یابند و یا جان خود را از دست می‌دهند.

خانه‌ها و اتاق‌هایی که احتیاج به تعمیر دارند، به علت گرانی و کمبود مصالح ساختمانی به حال خود رها می‌شوند و هر لحظه ساکنانشان را با خطر مرگ تهدید می‌کنند. صابون و سایر مواد تمیز کننده که می‌تواند نقش بسزائی در امر بهداشت روستائیان بازی کند، جای خود را به خاک و شن و ماسه می‌دهند و... زحمتکشان روستا ناچارند آنچه را نیز که در دسترس قرار دارد، با قیمت‌هایی دو

تا سه برابر قیمت اصلی‌شان خریداری کنند. در این چپاول وحشیانه، واسطه‌ها نقش بزرگی ایفا می‌کنند. آنها با استفاده از دوری روستاها از شهر، با استفاده از فقر روستائیان و عدم امکان تهیه مستقیم کالاها توسط آنان، معمولاً مایحتاج عمومی را به چند برابر قیمت به آنها می‌فروشند.

شرکت‌های تعاونی موجود نیز از آنجا که در کنترل زحمتکشان و در خدمت منافع آنان قرار ندارند و از آنجا که فاقد امکانات و توانائی لازم برای تامین نیازمندیهای روستائیان می‌باشند، عملاً در حل مسئله گرانی و کمبود کالا بی‌تأثیرند.

وجود این مشکلات روز به روز تعداد بیشتری از زحمتکشان روستاها را به ضرورت ایجاد شرکت‌های تعاونی واقعی آگاه می‌گرداند آنها می‌بینند که اگر این

شرکتها توسط خود آنها و تحت کنترل خود آنها ایجاد شود، اگر دولت کمک‌های مالی لازم برای ایجاد و اداره چنین شرکت‌هایی را در اختیار آنان قرار دهد، بسیاری از مشکلات موجود حل می‌شود. حداقل تأثیر چنین اقدامی کوتاه‌شدن دست واسطه‌ها از جان و مال روستائیان است.

ما قبلاً بارها و بارها گفته‌ایم که برای ریشه‌کن ساختن گرانی و کمبود کالا، باید تولید و توزیع کالاها بدست زحمتکشان و بنفع زحمتکشان اداره شود.

ما بارها و بارها گفته‌ایم که تا زمانی که شوراهای کارگری، دهقانی و... نظارت و کنترل مستقیم بر امر تولید و توزیع نداشته باشند و آن را در خدمت رفیع نیازمندیهای زحمتکشان قرار ندهند، وضع به همین منوال خواهد بود.

برای ریشه‌کن ساختن مشکل گرانی باید ریشه‌ها سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ که همه رشته‌های اقتصاد مملکت را در خدمت کسب سود هرچه بیشتر برای خود و استثمار هرچه شدیدتر زحمتکشان قرار می‌دهند و کوچک‌ترین توجهی به هماهنگی تولید با نیازمندیهای زحمتکشان ندارند و نمی‌توانند داشته باشند، کاملاً قطع شود. در این رابطه بویژه قطع نفوذ سرمایه‌داران تاجر و واسطه‌ها که احتکار و گرانفروشی‌شان، سهم بزرگی در گرانی کالاها دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

زحمتکشان روستا با مبارزه در راه ایجاد، دتعاونی‌های واقعی روستائی در واقع گام مهمی در این جهت بر میدارند موفقیت آنها قیل از هر چیز در گرو میزان شکل وحدت و پیگیری‌شان در این

مبارزه است. در اولین قدم باید شوراهای واقعی دهقانی تشکیل شود و دهقانان را هرچه بیشتر به ضرورت تشکیل تعاونی‌ها و مبارزه در راه ایجاد و کنترل آنها آگاه سازد. این شوراهای باید کنترل تعاونی‌های موجود را در دست بگیرند. در مناطقی که تعاونی وجود ندارد، در جهت تشکیل آنها اقدام نمایند و به نیروی اتحاد و مبارزه زحمتکشان هر منطقه دولت را وادارند که منابع مالی و وسایل مورد نیاز این تعاونی‌ها را تامین کند.

به این ترتیب مواد مورد نیاز روستائیان به قیمت مناسب و بدون از دخالت واسطه‌ها، در اختیار آنان قرار خواهد گرفت و گام بزرگی در جهت حل مشکل گرانی در روستاها برداشته خواهد شد.

### روستائیان فقیر نوشهر

### خواهستار مصادره کامل زمین‌های جنگلی جلگه‌ای هستند

سال، ما باز هم اعلام می‌کنیم که بیش از این نباید مصادره کامل اراضی فوق - ۸۴۰ قطعه زمین مرغوب به وسعت ۷۵۰۰ هکتار - را به تأخیر انداخت هرگونه تأخیر در این امر تنها به سود دشمنان انقلاب مردم یعنی سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ و بقایای رژیم سابق است. کوتاهی در مصادره زمین‌های جنگلی جلگه‌ای تحت عنوان رسیدگی به پرونده صاحبان آنها در حالیکه خود مسئولین امر نیز به‌خوبی این به اصطلاح "صاحبان" را می‌شناسند، جز ایجاد مانع در راه گسترش مبارزات روستائیان زحمتکش منطقه در جهت نابودی زمین‌داری و سرمایه‌داری بزرگ معنای دیگری ندارد.

دیبا، تیمسار نعمانی، تیمسار اویسی، تیمسار آریازند، سپهبد خادم، هرمز قریب، ابوالفتح آتابای، جمشید آموزگار، رحیم‌علی خرم، بانامقلیچ، تیمسار صنیعی، تیمسار هاشمی‌نژاد، سرلشکر جهانبانی، کریم یاشابهداری فرمانفرمائیان، منوچهر شیبانی و دیگر نوکران دربار پهلوی هستند که در حال حاضر یا در داخل و یا در خارج از کشور مشغول توطئه علیه انقلاب زحمتکشان میهن ما هستند. اکنون پس از گذشت یک

بیش از یکسال پیوسته هواداران سازمان ما در نوشهر لیست نام صاحبان این اراضی را منتشر کردند و اعلام نمودند که کشاورزان کم‌زمین و بی‌زمین نوشهر خواهان مصادره کامل زمین‌های آنها هستند. هواداران سازمان فاش نمودند که به اصطلاح صاحبان این زمین‌ها اشخاص نظیر تیمسار خسروانی، تیمسار کهنوتی، تیمسار جوادیان، تیمسار ازهاری، محمد مهدی سمسار، محمودافشار (پدرزن شهرام پهلوی‌نیا)، تیمسار

اخیراً هیئت هفت نفره واگذاری زمین استان مازندران (مرکز نوشهر) طی اطلاعیه‌ای از صاحبان اراضی جنگلی جلگه‌ای منطقه خواسته است تا برای بررسی پرونده‌شان به این هیئت مراجعه کنند. در این اطلاعیه مسئولین هیئت هفت نفره، خود نیز به درستی اشاره کرده‌اند که بخش اعظم این زمین‌ها "توسط رژیم منفور پهلوی به اشخاص غیر واجد شرایط که اکثراً هم از وابستگان طاغوت بوده‌اند، واگذار گردیده است."

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

# در مجلس شورای اسلامی چه می گذرد؟ در هنگام بررسی کارگروگان های جاسوس فراکسیون لیبرال های مجلس خود را افشاء می سازند!

هفته گذشته مجلس شورای اسلامی کمیسیون ۷ نفری ویژه رسیدگی به گروگان ها را تعیین کرده و حدود اختیارات و چگونگی فعالیت آن را نیز مشخص ساخت. پس از رای گیری نمایندگان زیر به عضویت در کمیسیون ویژه انتخاب شدند:

کاظم بجنوردی، موسوی خوئینی ها، سیدعلی خامنه ای، محمد یزدی، پرورش، سید محمد خامنه ای و ناطق نوری.

با نگاهی به لیست نمایندگان انتخابی - همان گونه که پیش بینی می شد - معلوم می شود که ترکیب کمیسیون ترکیبی ضد امپریالیستی است که به عمل انقلابی تسخیر مرکز جاسوسی امپریالیسم آمریکا معتقد بوده و از آن دفاع می کند. این ترکیب نمی تواند خشم توأم با نویدی امپریالیسم آمریکا و متحدان لیبرال را به همراه نداشته باشد. انتخاب کمیسیون فوق نشان دهنده آن است که لیبرال ها و دوستان امپریالیسم در مجلس شورای اسلامی در اقلیت بوده و قادر نیستند تصمیمات مجلس را تابع اهداف ضدانقلابی خود سازند. اما به هر حال نحوه کار کمیسیون روشن کننده مواضع حقیقی آن و در واقع جمهوری اسلامی ایران، در مقابله با امپریالیسم بر سر مسئله گروگان های جاسوس خواهد بود.

طبق نظر مجلس، کمیسیون فوق حق تصمیم گیری نهایی در مورد سرنوشت گروگان ها را ندارد و باید " مراحل پیشرفت کار خود را به صورت گزارش در جلسات علنی و یا غیر علنی و یا به صورت تکثیر شده به اطلاع نمایندگان برساند. " این امر ( یعنی ارائه گزارش به مجلس) بسیار مهم است و باید از جانب نمایندگان ضد امپریالیست و مترقی مجلس فعالانه دنبال شود. اگر یکی از هدف های هرنوع تصمیم گیری در مورد گروگان ها که منطبق بر مصالح انقلاب باشد، افشای جنایات و تجاوزات امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در نزد خلقهای ایران و

سراسر جهان است، مجلس شورای اسلامی باید در طول جلسات علنی خود این امر را پیگیرانه دنبال کند.

احاله کار بررسی سرنوشت گروگان ها به کمیسیون ویژه نباید باعث آن شود که مجلس رسیدگی به جنایات آمریکا را از برنامه جلسات علنی خود حذف نماید.

بررسی گزارش کمیسیون در جلسات علنی از یکسو می تواند تا حدود زیادی به افشای جنایات امپریالیسم آمریکا علیه مردم ایران و نیز به افشای لیبرال ها بمثابة پایگاه داخلی امپریالیسم کمک کرده و به رشد شتابان آگاهی مردم و تشخیص دوستان و دشمنان خود یاری می رساند و از سوی دیگر مردم ایران را در جریان مراحل مختلف کار هیئت ۷ نفری قرار دهد.

از جمله تصمیمات دیگری که در مورد حدود اختیارات کمیسیون اتخاذ شد، منع هرگونه مذاکره ای با نمایندگان امپریالیسم بود و در طی صحبت های موافق و مخالف در زمینه فوق بود که مهندس سحابی در واقع نارضایتی و نگرانی همگی لیبرال ها را از وضع فوق به صراحت بیان داشت.

واقعیت این است که هر چقدر کار رسیدگی به سرنوشت جاسوسان آمریکائی وارد مراحل جدی تر می شود به همان نسبت تلاش بلوک ۱۲ نفری نمایندگان لیبرال و سازشکار مجلس نیز در جهت به انحراف کشاندن مبارزات مجلس علیه امپریالیسم و جلوگیری از اتخاذ تصمیمی انقلابی درباره سرنوشت آنها به روشنی بیشتری نمایان می شود.

سحابی طی سخنان خود در روز سه شنبه ۸ مهر بار دیگر نظرات و اهداف واقعی لیبرال ها را - که همواره می کوشند آنها را از توده مردم پنهان سازند - آشکارا به زبان آورد. در بند بند سخنان وی دوستی با امپریالیسم، دشمنی با انقلاب و کینه توزی به عمل انقلابی تسخیر مرکز جاسوسی آمریکا و بازداشت جاسوسان موج می زد. سحابی در صحبت های خود گفت:

" این چنان جناب آقای

موسوی خوئینی ها که ما با آمریکا درحال جنگ هستیم این هنوز یک چیز قطعی نیست و من اولین بار است که چنین چیزی می شنوم (!) باید قبلاً مظاهر آن در مملکت ظاهر شده باشد و مقامات رسمی تأیید کرده باشند!"

آیا خنده دار نیست؟ معلوم می شود که آقای سحابی تاکنون در گوش های خود پنبه گذارده بوده است و گرنه چگونه ممکن است کوششهای مداوم ضدانقلابی آمریکا در به شکست کشاندن انقلاب ایران و توطئه ها و کودتاهای گوناگون آن را تدبیر شده باشد و فریادهای میلیون ها مردم زحمتکش ایران را که بیش از ۲ سال است فریاد می زنند " مرگ بر آمریکا"، " بعد از شاه نوبت امریکاست" و... را نشنیده باشد؟! از نظر سحابی ها، بازگان ها و همه نمایندگان بورژوازی لیبرال ایران - جنگ با آمریکا هنوز یک چیز قطعی نیست" و " مظاهر آن در مملکت ظاهر نشده است! از نظر این دوستان وفادار امپریالیسم، کشتار خونین ۱۷ شهریور و ۱۳ آبان و قیام دلاورانه ۲۲ بهمن جنگ با آمریکا نبود. از نظر این آقایان نزدیک به ۶۰ هزار شهید و هزاران هلول انقلاب " مظاهر جنگ کارگران و زحمتکش ایران با امپریالیسم و سند جنایت امپریالیست ها نیست! از نظر این شیفتگان " سوسیال دگرگسی" بختیار مزدور، حمله نظامی آمریکا به طیس، کودتای آمریکائی پایگاه نوزه، محاصره اقتصادی ایران و هزاران توطئه دیگر امپریالیسم آمریکا نشانه جنگ امپریالیسم آمریکا علیه زحمتکش ما نیست و هنوز در جنگ رسمی با آمریکا نیستیم" آقای سحابی در واقع از خلق قهرمان ایران و هزاران شهید انقلاب " خجالت کشید که آرزوی قلبی خود را مبنی بر اینکه " اصلاً ما هیچ وقت با آمریکا جنگی نداریم" به زبان آورد!

لیبرال های ایران همه اشکالات امروز را " نتیجه گروگان گیری" می دانند.

سحابی می گوید: مسئله گروگان ها مسئله ای است که تمام اشکالات امروز ما را باعث شده و ما باید این مسئله را حل کنیم.

هزاران مشکل توده های مردم، فقر و استثمار و حشمتناک طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما، چپاول ثروت های ملی و... از نظر لیبرال های کهنه کاری چون مهندس سحابی نتیجه تسلط امپریالیسم جهانی بر زمینه های اقتصادی، سیاسی فرهنگی و نظامی میهن ما نبوده بلکه نتیجه " گروگان گیری" می باشد. سحابی بدین گونه می خواهد امپریالیسم را تبرئه کند. او می خواهد در نزد توده های مردم چنین وانمود سازد که ادامه روابط غارتگرانه امپریالیسم بر میهن ما " چیز بدی نیست" و اشکالات کار در جای دیگری است! پس باید مبارزه علیه امپریالیسم را متوقف سازیم، به تسلط امپریالیسم گردن نهیم تا " اشکالات" مرتفع شود و صد البته در چنین شرایطی " اشکال" لیبرال های نظیر سحابی در ادامه استمار مردم زحمتکش ما برطرف خواهد شد! این در واقع چکیده سیاست ها و هدف های بورژوازی لیبرال ایران است که توسط نماینده شان در مجلس شورا عنوان می شود. اگر بختیار از داخل خاک رژیم ارتجاعی عراق و همدست با ارتش تجاوز - گران چنین یاهو هائی را سر داده و اکنون نیز مسلحانه علیه انقلاب ایران می جنگد سحابی از پشت تریبون

مجلس شورای اسلامی علیه انقلاب موعظه می کند. فاصله بین آنها چندان زیاد نیست کما اینکه این فاصله توسط مدنی، نزیه، مراغهای و... دیده شده، به سرعت پیموده شده و آنان به جبهه بختیار پیوستند تا تلاشهای مذبحخانه شان را برای شکست انقلاب ایران یا جنگ مسلحانه مورد حمایت امپریالیسم آمریکا دامه دهند این واقعیتی است که لیبرال ها امروز بعنوان متحدین داخلی امپریالیسم عمل کرده و در تلاشهای مذبحخانه امپریالیسم برای به زانو درآوردن انقلاب ایران سهیم اند. نمایندگان مترقی مجلس باید فراکسیون نمایندگان بورژوازی لیبرال و دیگر دوستان امپریالیسم در مجلس را قاطعانه افشاء ساخته و از پیوستن نمایندگان منفرد و متزلزل به آنان جلوگیری کنند. این نمایندگان باید توجه داشته باشند که سیاست های تنگ - نظرانه ای که بر بخش بزرگی از نمایندگان مجلس حاکم است خود بهترین زمینه رشد لیبرال ها است. این انحصار طلبی سیاسی بسیاری از کسانی را که با آن مخالفند بسوی لیبرال ها که چهره های آزادیخواهانه بخود گرفته اند سوق داده و فراکسیون آنان را نیرومندتر ساخته و نفوذ امپریالیسم در مجلس شورای اسلامی را گسترش می دهد.

نمایندگان مترقی مجلس باید ضمن دفاع از مواضع ضد امپریالیستی انقلاب، با انفراد و افشای فراکسیون لیبرال های درون مجلس ضربه دیگری بر پیکر بورژوازی لیبرال ایران و امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا وارد سازند چنین تلاشی خواست تمامی کارگران و زحمتکشان میهن ما و مورد حمایت آنان است.

هم اکنون دهقانان زحمتکش گیلان حاصل تلاشهای چندین مملعه خود را به بازار عرضه می کنند، آنها نمی خواهند که حاصل دسترنجان را نجار و کلاه و میلبورهای فشنوار بازار به غارت ببرند!

**دولت جمهوری اسلامی موظف است!**

● با تضمین خرید محصول برنج به قیمت مناسب، به

● افرادی که زندگی آنان را تأمین نماید، دهقانان را مورد حمایت قرار دهد!

● با ایجاد شبکه های تعاونی توزیع که توسط نمایندگان مردم زحمتکش نظارت و کنترل می شود، برنج و سایر محصولات ضروری را مستقیماً در

● دستفروشی مردم قرار دهد، تا بدینوسیله دست واسطه ها کوتاه گردد!

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) شاخه گیلان ۵۹/۱۳۸

# امامزاده حسن: محله مشکلات بی شمار محله امید و مبارزه



سیاهی شب تازه روی شهر نشسته است که از روی ریلها رد شده و وارد محله می شویم. کانال کثیف آب خانه های مخروبه، چهره های تکیده و رنج کشیده و... لباس پاره و پوره و قیافه معصوم کودکانی که در خاکها می لولند. هیچ کدام برای ما تازگی ندارد. این چهره آشنا و دردمند همه محلات فقیرنشین تهران است. "امامزاده حسن" مثل گودهای دروازه غار، مثل جوادیه و نازی آباد در کنار قصرها و آسمانخراشها همچنان در فقر نشسته است.

از کنار کانال رد می شویم. دوزن با چوب های بلند و بیل عرق ریزان تلاش می کنند که آشغالها را از کانال بیرون بریزند و آبی را که تا نیمه دیوار خانه شان را خیس کرده به کانال برگردانند به کمکشان می رویم:

— مادر اجازه بدین کمکت کنیم. چشمان گودافزاده اش دنبائی محبت را نثارمان می کند. ما که مشغول می شویم در حالیکه همچنان نفس نفس می زند، می گوید:

— شب و روز کارمان همین است. بعضی وقتها حتی نصف شب مجبوریم بیائیم کانال را باز کنیم این کانال ما را بیچاره کرده هیشکی هم نیست که فکری به حال ما بکند...

اینجا مشکلات یکی دوتا نیست هر جای محله را که دست بگذاری مشکلی است و به هر گوشه که می روی، فریادی به آسمان بلند است.

چند روز قبل از یکی از رفتای کارگر محله خواسته بودیم که تعدادی از ساکنین محله را جمع کند تا ششی را با آنها بگذرانیم و مسائل و مشکلات را از زبان خودشان بشنویم و حالا می رفتیم که آنها را ببینیم.

پنج نفر از اهالی محل قبل از ما به آنجا آمده بودند. علیرغم خستگی کار روزانه گرم و صمیمانه از ما استقبال می کنند. صحبتها که شروع می شود تازه معنی مشکلات را درک می کنیم. یکی از اهالی می گوید:

— خانه ما را که دیدید. توی هر کدام از این بیفوله های شصت متری دست کم ده تا پانزده نفر زندگی می کنند. یعنی توی هر خانه دو تا سه خانوار. خانه یا اتاق اجاره ای کمیاب است، مشکل پیدا بشود. بعد از ماهها این در و آن در زدن باید یک اتاق را دست کم ۸۰۰ تومان کرایه کرد. مرد دیگری می گوید:

— مطلب برای گفتن زیاد است. اگر بخواهیم از مشکلات امامزاده حسن بگوئیم تا صبح درد دل برای گفتن داریم. همین کانال فاضلاب را نگاه کنید. این از بالای شهر میاد و از وسط زندگی ما می گذره. هر چه کثافت است میاره توی محله ما. روی این کانال بازه. همیشه آشغال توی اون جمع می شه. فاضلاب آنها سرازیر می شد و کوچمه ها و خانه و پشت دیوارها رو پر می کنه.

جوانی که کارگر ساختمانی است شروع می کند: — این محله و محله های اطراف علاوه بر همه مشکلاتی که یقه آدم هائی مثل ما رو می گیرد، دو مشکل مخصوص به خود ما داره. یکی این خط تهران - تبریز است که مثل کانال فاضلاب اینهم از وسط زندگی ما می گذره. و دیگری این هواپیماهای بدمصوب است که شب و روز از آسمان محله ما می گذره. باور کنید دیگر ما سرسام گرفتیم. محله ما با چند محله دیگر بین دو فرودگاه نظامی قرار دارند وقتی که هواپیماها در این دو فرودگاه پرواز ترمینی دارند، ما بیچاره میشیم. شبها هم هواپیماهای مسافربری که می خواهند در فرودگاه مهرآباد بنشینند، خواب از چشمانمان می گیرند.

پیرمردی که تا این لحظه خاموش نشسته است، می گوید:

— بالای سرمون توی هوا گیر این طیاره ها هستنیم و پائین روی زمین گیر قطار و فاضلاب. ترو خدا این هم شد زندگی! از زمین و آسمون پلامی باره!

امیرالیسم را قطع کرد. رفاه زحمتکشان را تامین نمود و در جهت رهایی از استثمار گام برداشت. به آنها می گوئیم که در کشورهای سوسیالیستی که ما کمونیستها برای تحقق آن مبارزه می کنیم، دیگر نشانی از این محله ها، نشانی از فقر، بیماری و بیسوادی نیست.

با اشتیاق گوش می دهند. از سؤال هایشان از نگاهشان می شد فهمید که امیدوارند. تصمیم به ادامه مبارزه و روح پایداری از چهره شان پیدااست...

صبح روز بعد هنگامی که محله را ترک می کردیم سراغ خیاط آشنائی از اهالی محله رفتیم. او هم از مسائل زندگی و از کسب و کارش می گفت. دو بچه داشت که در دو گوشه دکان کوچک پدر کز کرده بودند. صحبت را به ریل راه آهن می کشاند:

— یک وقت حواسم پرت میشه. می بینم که بچه ها روی خط هستند و قطار داره میاد. آدم بیچاره میشه. زورمان به قطار که نمی رسه، بچه ها را می زنیم. طفلکی بچه ها روزی ده دوازده بار سر این ریلها کتک می خورند. یک وقت هم دیگه اعصابم خرد میشه و با طناب پاهایشان را می بندم بهمیز! از صبح تا شب باید سوزن بزنیم و چون بکنیم بعد هزار و یک مصیبت هم داریم. او هم دلش پر بود و ما نیز بادلی پر از او خداحافظی کردیم.

صدای هواپیمائی به گوشم می رسد که خیلی پائین و از بالای سرمان رد می شود. بیاد حرف پیرمرد می افتم:

— بالای سرمون، توی هوا گیر طیاره ها هستیم و پائین روی زمین گیر قطار و فاضلاب. ترو بخدا اینهم شد زندگی! از زمین آسمان می باره.

محله را ترک می کنیم. کنار خط راه آهن می رویم. تا دور دست، تا جایی که آسمان و زمین به هم می رسند، ادامه دارد...

راهی طولانی در پیش است. صعب است، پیچ و خم های فراوان دارد، اما... ستاره های سرخ در انتهایش می درخشد. باید این راه را طی کرد. باید تمام مشکلات را از سر راه برداشت. مردم باید خوشبخت باشند. خوشبختی حق مسلم آنهاست. باید تمام آن چیزهایی را که سد راه این خوشبختی است بی رحمانه نابود کرد. باید راهی پر پیچ و خم، طولانی و صعب را پشت سر گذاشت... راهی که روشنائی ستاره های سرخ، در انتهایش، نذر امید و حرکت در دل می فشاند.

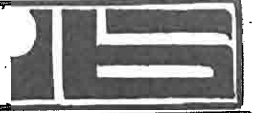
باید هر آنچه که غرور شوهمند انسانی را زیر پا می نهد، بزیر پا نهد. اما... چه کسی جز خود این مردم می تواند این کار را انجام دهد؟ "جاده های در کار نیست جاده را راهپیمایان می سازند" فرشت نجاتی نیست. فرشته های در کار نیست! همین مردم باید آگاه و بسیج شوند! باید آنها را آگاه و بسیج کرد! باید دشمنان طبقاتی شان را به آنها شناساند، باید به آنها گفت که چاره همه دردها نابودی آنچنان جامعه ای است که به قیمت فقر و درماندگی میلیون ها انسان زحمتکش عیش و عشرت یک عده قلیل را فراهم می آورد.

باید به آنها گفت که ما با بیرون کردن شاه قدم اول را برای نابودی چنین جامعه ای برداشته ایم. باید پیشاپیش و دوشادوش آنها گام بعدی را قاطعانه به پیش ببریم. باید به آنها گفت که دیگر زمان آن است که دست امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن، یعنی سرمایه داران و زمینداران از جان و مال مردم به کلی قطع شود. صدها و هزاران بار باید به آنها گفت که: "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است" و ما فدائیان خلق "اکثریت"، در راه وحدت و تشکیلات زحمتکشان که می باید ایران آزاد و دمکراتیک را بنا نهد، پیکار می کنیم.

از وضع آب و برق می پرسیم، صدایشان بلند می شود. مردی میانسال می گوید:

آب! آقا جان، کدام آب؟! والله بخدا. توی کثافت خودمان زندگی می کنیم. آن موقع وقتی که قیام کردیم، فکر می کردیم همین امروز و فردا همه چیز درست می شه نمی دونیم این جوونا چکار کردند، جوونا تنها هم نه. زنا، مردا دخترها همه جنگیدند. خون دادند. میدونیم ما هم توی این محله کلی شهید دادیم. با جنگ و دندون جنگیدیم ولی حالا... از وضع شغلی ساکنین محله پرس و جو می کنیم و با توضیحاتی که می دهند متوجه می شویم که بیشتر ساکنان آن کارگران کارخانه های کفش ملی، جنرال موتورز، مینو و دیگر کارخانه های جاده کرج و نیز کارگران ساختمانی هستند. جوان کارگر اضافه می کند:

— به اضافه بیکارها! بیکاری که بیداد می کند. خیلی ها هم بیکارند. امامزاده حسن برآستی محله دردهای بی درمان جامعه سرمایه داری است. محله مشکلات بی شمار. محله امید و مبارزه. نیمه های شب است که ما شروع به صحبت می کنیم. از مسائل روز. از وضعیت سیاسی، از انقلاب و ضدانقلاب و بالاخره از آینده تابناک. آینده ای که در انتظار کارگران و زحمتکشان است سخن می گوئیم. بسادگی برای آنها توضیح می دهیم که پایگاه امپریالیسم یعنی سرمایه داران وابسته چه کسانی هستند و چرا آنها دشمن زحمتکشان هستند. به آنها می گوئیم که نباید فریب لیبرالها را خورد. ریشه ناپیکوری و ترلزول حاکمیت را برای آنها شرح می دهیم و به آنها می گوئیم که چرا اینها نمی توانند مشکلات اساسی آنها را، کار و مسکن و آزادی را تامین کنند. به آنها می گوئیم که چرا با آنهمه خونی که جوانان همین محلات نثار انقلاب کردند، هنوز در فقر و مسکنت زندگی می کنند و بعد برنامه های خودمان برنامه کارگران و زحمتکشان را برای آنها شرح می دهیم. می گوئیم که چطور باید وابستگی به



نمونه ای از تفتیش عقاید در جمهوری اسلامی ایران؛

# «پاکسازی» از آموزش و پرورش استان فارس اخراج معلول انقلاب به بهانه

انقلاب ایران بی هیچ تردیدی، شمره جانفشانی و قهرمانی میلیون ها کارگر و زحمتکشی است که برای رهایی از یوغ امپریالیسم بیخاستند و فداکاری های بسیاری نشان دادند. ثمره جانبازی دهها هزار شهیدی است که با نثار جان خویش انقلاب را بارور ساختند، رژیم منغور پهلوی را سرنگون کرده و راه را برای نابودی کامل سلطه امپریالیسم و رهایی همیشگی زحمتکشان گشودند. به همین خاطر است که شهیدان و معلولین در انقلاب میهن ما و در نزد زحمتکشان جای خاصی دارند. آنها در واقع تجسم مبارزه قهرمانانه خلق دلاور ما علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا می باشند.

اما کار سیاست های تنگ نظران و ضددمکراتیک جمهوری اسلامی ایران بویژه در آموزش و پرورش کشور اکنون بداجا رسیده است که این معلولین باقی مانده از روزهای خونین و افتخار آفرین ۱۷ شهریورها ۲۲ بهمن ها را نیز ضدانقلابی دانسته و بر آنها مهر تکفیر می کوبد!

اخیرا وزارت آموزش و پرورش استان فارس در پی پاکسازی و تفتیش عقاید معلمین و کارکنان انقلابی یکی از همین معلولین انقلاب را که در جریان مبارزه علیه رژیم شاه یکدست خود را از دست داده، از وزارت آموزش و پرورش اخراج کرده است! (خبر آن در کیهان ۱۳ مهر درج شده است)

کوشش در جهت پنهان ساختن آنچه که اکنون در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران می گذرد - و در واقع چیزی جز تفتیش عقاید قرون وسطایی نیست - و تکذیب های مکرر مسئولین آن و آفاه رجائی، نخست وزیر - که طراح و برجسته ترین مدافع سرخت چنین سیاستی است دیگر نمی تواند ماهیت بغایت ارتجاعی سیاست حاکم بر آموزش و پرورش را پرده پوشی کند. این سیاست که با شدت تمام در وزارت آموزش و پرورش پهن می رود

آنچنان ابعاد وسیعی گرفته که آنها اکنون معلولین انقلاب را نیز بعنوان "ضد انقلاب" از آموزش و پرورش اخراج می کنند. تاجائی که حجت الاسلام کروبئی سرپرست بنیاد شهید نیز زبان به اعتراض گشوده و طی نامه ای نسبت به اخراج یکی از معلولین انقلاب از آموزش و پرورش فارس توضیح خواسته است. حجت الاسلام کروبئی نیز می داند که هیچ گونه "حساب، کتابی" در تصفیه و اخراج کارکنان و معلمین انقلابی وجود ندارد و هیچ گونه جوابی نیز به اعتراضات آنان داده نمی شود. از همین رو در نامه خود نوشته است:

"چنانچه مدارکی در این مورد (اخراج معلول انقلاب کار) وجود نداشته باشد و پاسخ این بنیاد را اعلام نفرمائید ما ناچار خواهیم بود بنا به وظیفه بنیاد شهید برای رسیدگی به امور خانواده های شهدا و مجروحین انقلاب مراتب را به استحضار مقام رهبری انقلاب و دولت و در صورت لزوم مجلس برسانیم." (کیهان - یکشنبه ۱۳ مهر)

این نتیجه سیاستی است که آقای رجائی و دولت وی بر آموزش و پرورش اعمال می کنند. در طی چند ماه اخیر، در همه نقاط ایران گروه گروه معلمین انقلابی و مبارز را اخراج کرده اند و در برخی مناطق از اینکه آموزش و پرورش را منحل کرده و مدارس را تعطیل کنند نیز ابائی نداشته اند (کردستان، لرستان) جرم معلمین انقلابی از نظر آقای رجائی و دولت وی کوشش در راه ارتقاء دانش و آگاهی دانش آموزان برای مبارزه علیه امپریالیسم بوده است. جرم آنان این بوده که ادامه دهندگان راه معلمین انقلابی ای هم چون صمد بهرنگی ها بوده اند. جرم آنان شرکت در مبارزه و همکاری با مبارزات کارگران و زحمتکشان علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم منغور پهلوی بوده است.

سیاست انحصارطلبانه ای که دولت رجائی در مورد

آموزش و پرورش دنبال می کند و تفتیش عقاید ارتجاعی ای که وی به راه انداخته است، اکنون آنچنان ابعاد وسیعی یافته که اخراج درست و انقلابی عناصر ضدانقلابی و وابسته به امپریالیسم را تحت تاثیر قرار داده و آن را کم اثر ساخته است.

ما بارها گفته ایم و باز هم می گوئیم که چنین سیاستی آب به آسیاب امپریالیسم می ریزد و موجب شادمانی آنان می گردد. تنها نتیجه ای که تفتیش عقاید و اعمال ضد دمکراتیک جمهوری اسلامی دارد، محروم کردن خلق از سنگرهای مبارزه خود علیه امپریالیسم و رشد نیروهای ضدانقلابی است. با استفاده از چنین سیاست هایی است که لیبرال ها این دوستان وفادار امپریالیسم، در پوشش آزادی خواهی و دمکراسی به میدان می آیند و برای گسترش پایگاه خود در میان مردمی که از رفتارهای ضد دمکراتیک جمهوری اسلامی به تنگ آمده اند، مردمی که بر اثر سیاست های تنگ نظرانه هرگونه مرم درآمدی را از دست داده اند، بهره گیری می کنند.

کارگران و زحمتکشان ایران هرگز اجازه نخواهند داد که معلمین انقلابی و جان برکف که معلولین انقلاب که ثمره جانبازی شان سرنگونی رژیم منغور پهلوی بود، اکنون مورد تصفیه و تفتیش عقاید سیاست های ارتجاعی حاکم بر آموزش و پرورش قرار گیرند. کارگران و زحمتکشان میهن ما خواهان ادامه پاکسازی و تصفیه عناصر ضدانقلابی از نهادهای دولتی نظیر آموزش و پرورش، ارتش و ... هستند. آنها سیاست اخراج معلمین انقلابی را شدیداً محکوم کرده و اعتراض خویش را برای متوقف ساختن تصفیه عناصر ترفیخواه و انقلابی و تفتیش عقاید که تاکنون ضربات سنگینی بر وحدت مردم ایران در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی وارد آورده است، گسترش خواهند داد.

در ملاقات با نخست وزیر،  
سفیر اتحاد جماهیر شوروی اعلام داشت:  
«ما حاضریم از نظر  
تسلیحات نظامی به شما کمک کنیم»

از نظر تسلیحات نظامی به شما کمک کنیم. این اولین بار نیست که اتحاد شوروی موضع خود را در همبستگی و پشتیبانی از انقلاب مردم ایران اعلام نموده است. از همان نخستین روزهای انقلاب میهن و هم چنین در جریان تشدید مبارزات خلق ما علیه امپریالیسم آمریکا در مقطع اشغال سفارت آمریکا و ... دولت شوروی بارها حمایت و همبستگی خود را با انقلاب مردم ایران اعلام داشته است.

موضع اخیر سفیر این کشور در ایران نیز بیانگر حمایت قاطع دولت و مردم شوروی از انقلاب و مبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران است. در همین رابطه باید اشاره نمود که سایر کشورهای سوسیالیستی و از جمله بلغارستان، کره شمالی، کوبا، ویتنام و ... موضع خود را در حمایت از انقلاب مردم ایران بارها اعلام نموده و همگی توطئه امپریالیسم آمریکا را برای ایجاد تشنج و جنگ بین ایران و عراق محکوم ساخته اند.

## مردم مبارز، نیروهای انقلابی هواداران رزمنده

"زمانی که امپریالیستهای جهانخوار بسرکردگی امپریالیسم آمریکا توسط ایادی خارجی و داخلی خویش انقلاب ما را در خطر نابودی قرار دادند، حفظ دستاوردهای انقلاب و وظیفه همه نیروهای انقلابی و رزمنده است."

### در چنین شرایطی

برای مقابله با ضدانقلاب که مسلحانه به مقابله با انقلاب ما برخاسته است و هنگامی که دشمن مردم یعنی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و دولت بعث عراق و عوامل دست نشانده داخلی اش مسلح اند، مردم باید برای مقابله با ضدانقلاب مسلح شوند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا  
مرگ بر مزدوران بعث عراق  
بیخ مسلح توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست.

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)  
(استان ساحلی) - ۵۹/۷/۲





# مخالفت روحانیون مدافع سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ با اصلاحات ارضی

دشمنی آنان را با تعمیق و گسترش انقلاب ایران پیش از پیش نمایان می‌سازد

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اخیراً طی نامه سرگشاده‌ای که در روزنامه‌های رسمی کشور (کیهان ۱۳۵۹/۷/۲) نیز درج شد، مخالفت خود را با طرح اصلاحات ارضی اعلام نمودند. آنها در نامه خود خطاب به مجلس از لایحه اصلاحات ارضی چنین سخن می‌گویند:

... از جمله این لوائح لایحه اصلاحات ارضی است که نه تنها با موازین اسلامی و فتاوی مشهور و مراجع تقلید و مخصوصاً فتاوی صریح مرجع بزرگمان امام امت دام‌ظله تطبیق نمی‌کند و مخالفت دارد، بلکه از نظر اثرات اقتصادی علاوه بر اینکه موجب توسعه کشاورزی و تامین منافع مستضعفین نیست، زمین‌های آباد را به ویرانی می‌کشد و اعتماد کشاورزان را به کار خود سلب می‌کند و مملکت را از نظر کشاورزی دچار رکود و عقب‌گرد و ورشکست می‌نماید آنهم در زمانی که ما باید برابر امریکای جنایتکار هرچه زودتر خود را به سرحد خودکفائی برسانیم و از وابستگی رها می‌شویم...

این اولین بار نیست که روحانیون مدافع زمین‌داران بزرگ و سرمایه‌داران با طرح اصلاحات ارضی به مخالفت برمی‌خیزند. این طرح و قانون مربوط به آن در گذشته نیز بارها و بارها با چماق تکفیر روحانیون مرتجع روبرو شده است:

آیت‌الله روحانی در تلگرامی به رئیس‌جمهور که در روزنامه اطلاعات ۲۳ اسفند ماه ۵۸ چاپ شده است، می‌گوید:

جناب آقای بسی‌صدر رئیس‌جمهور دامه مجده با ابلاغ سلام طرح اصلاحات ارضی که اخیراً به مرحله اجراء در آمده بعضی از موارد آن مخالف شرع انور است و از طرفی اجرای آن مخالف قانون اساسی است زیرا اولاً شورای انقلاب حق تصویب آن را ندارد و ثانیاً آن را تصویب نکرده و ثالثاً رهبر انقلاب هم آن را تأیید نفرموده و مراجع تقلید نیز اعلام کرده‌اند که مخالف شرع است با کمال تأسف در یکی از مناظره‌های تلویزیونی گفته بودید طرح مذکور در دست اجراست مقتضی است فوراً این اشتباه بزرگ را جبران نموده و دستور دهم اجراء نشود و...

آیت له سید محمد رضا گلپایگانی در پاسخ به یک مسئله شرعی در رابطه با مالکیت زمین به تاریخ ۵۹/۵/۱۴ صریحاً اظهار می‌دارد که:

طرح‌هایی که قبلاً از شورای انقلاب گذشته، مخالفت آن را با احکام شرع تذکر داده‌ام. آیت‌الله گلپایگانی طراحین و تصویب‌کنندگان چنین طرح‌هایی را - که لایحه اصلاحات ارضی یکی از آنهاست - با چماق تکفیر می‌کوبد و باز در تلگرامی به شورای انقلاب به تاریخ ۵۸/۱۲/۲۹ در قبال قانون اصلاحات ارضی همان موضع مرتجعانه را به صراحت بیان می‌دارد:

" لایحه‌ای که دو نفر از آقایان اعضاء محترم در موقع تشرف به قم جهت اظهار نظر ارائه فرمودند ملاحظه شد. این طرح مشتمل بر خلاف شرع بتین بود و قابل اجراء در مملکت اسلامی نیست چنانکه تذکر داده شد اینگونه تبلیغات سوء و فتح بلب ظلم و اجحاف جز سوق کشور به هرج و مرج و بی‌ثباتی و انحطاط کشاورزی و استبعاد و سلب آزادی کشاورزان نتایج‌ای ندارد. مقتضی است دستور فرمائید

جدا از ابلاغ و اجراء آن خودداری شود. مملکت برای بازسازی صحیح اسلامی فعلاً به امنیت و ثبات و جلب اعتماد مردم محتاج است. امید است خداوند متعال این نهضت اسلامی را از شر تزیقات سوء و دسائیس اجانب و وابستگان آنها حفظ فرماید...

روحانیون مرتجع با سوء استفاده از احساسات مذهبی زحمتکشان و با تشبث به احادیثی نظیر "الناس مسلطون علی اموالهم" ( مردم بر اموال خود مسلط هستند) تمام تلاش خود را بکار می‌برند تا مبارزات زحمتکشان روستا را در جهت مصادره زمین زمین‌داران بزرگ، تجاوز به حقوق دیگران و امری غیرقانونی و غیر شرعی جلوه دهند و به این ترتیب طبقات استثمارگر را هرچه بیشتر از ضربات بنیان شکن کارگران، دهقانان و دیگر افشار انقلابی در امان بدارند.

آنها با مخالفت صریح با شعار زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند. ماهیت استثمارگرانه خود را نشان می‌دهند. این بخش از روحانیت همواره اقدامات مترقی روحانیون مبارز و ضدامپریالیست را با مانع روبرو ساخته است. مخالفت و درگیری‌های آنان با جناح‌هایی از پاسداران که تمایلات مترقی ضد زمین‌داری بزرگ از خود نشان می‌دهند، جلوگیری از مصادره زمین‌ها توسط زحمتکشان روستا با توجیه و لافانه احترام به حق مالکیت، روابط آنها و در راس همه‌شان آیت‌الله شریعتمداری با سرمایه‌داران لیبرال... همه نشانه آن است که مخالفت با اجرای طرح اصلاحات ارضی تنها حلقه‌ای از سلسله زنجیر اقدامات این روحانیون مرتجع برای به شکست کشاندن انقلاب ایران است.

حفظ ثمرات انقلاب اکنون بیش از پیش در گرو اقدامات بنیانی برای تغییر اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی توده‌های میلیونی مردم است. اکنون تنها برپایه بهبود مستمر وضعیت مادی و معنوی توده‌ها می‌توان شوق و انگیزه آنها را در جهت مقابله با تجاوزات تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم امپریالیسم و رژیم‌های مرتجعی نظیر عراق بیش از پیش تقویت کرد.

زحمتکشان از افشار طبقات مختلف زمانی که ثمرات انقلاب را به عینه در زندگی روزمره خود احساس کنند، با انرژی دودچندان در برابر هر نیرویی که بخواد آنها را از نعمت این دستاوردها محروم سازد، خواه این نیرو سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ باشد، خواه رژیم ارتجاعی و متجاوز عراق تا پای جان به دفاع برمی‌خیزند.

در چنین شرایطی اعمال ضدانقلابی روحانیون مدافع سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ در جهت سنگ‌اندازی بر سر راه اجرای طرح اصلاحات ارضی که بخشی از خواسته‌های اقتصادی زحمتکشان روستا را برمی‌آورد جز ایراد ضربه مستقیم بر انقلاب ایران و کمک به اهداف امپریالیسم برای جلوگیری از تعمیق و تداوم این انقلاب معنای دیگری ندارد.

آنچه که مسلم است، خواست زحمتکشان روستا در جهت مصادره کامل اراضی و اموال سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ و مبارزه بی‌امان در جهت تحقق این خواست است. هم‌اکنون بخش اعظم روستاهای ایران صحنه چنین نبرد

بسم الله الرحمن الرحیم  
شیرای عزم انقلاب اسلامی  
نقیرات

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. لایحه‌ای که در روزنامه‌ها  
آقایان اعضاء محترم در موقع تشرف به قم جهت اظهار  
نظر را بر زمین‌ها ملاحظه شد. این طرح مشتمل بر  
شرع بتین بود و قابل اجراء در مملکت اسلامی نیست. این  
تذکر داده شد اینگونه تبلیغات سوء و دسائیس اجانب  
جز سوق کشور به هرج و مرج و بی‌ثباتی و انحطاط  
کشاورزی و استبعاد و سلب آزادی کشاورزان  
نتایج‌ای ندارد. مقتضی است دستور فرمائید  
مبارزات زحمتکشان روستا را در جهت مصادره زمین زمین‌داران بزرگ، تجاوز به حقوق دیگران و امری غیرقانونی و غیر شرعی جلوه دهند و به این ترتیب طبقات استثمارگر را هرچه بیشتر از ضربات بنیان شکن کارگران، دهقانان و دیگر افشار انقلابی در امان بدارند.  
آنها با مخالفت صریح با شعار زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند. ماهیت استثمارگرانه خود را نشان می‌دهند. این بخش از روحانیت همواره اقدامات مترقی روحانیون مبارز و ضدامپریالیست را با مانع روبرو ساخته است. مخالفت و درگیری‌های آنان با جناح‌هایی از پاسداران که تمایلات مترقی ضد زمین‌داری بزرگ از خود نشان می‌دهند، جلوگیری از مصادره زمین‌ها توسط زحمتکشان روستا با توجیه و لافانه احترام به حق مالکیت، روابط آنها و در راس همه‌شان آیت‌الله شریعتمداری با سرمایه‌داران لیبرال... همه نشانه آن است که مخالفت با اجرای طرح اصلاحات ارضی تنها حلقه‌ای از سلسله زنجیر اقدامات این روحانیون مرتجع برای به شکست کشاندن انقلاب ایران است.  
حفظ ثمرات انقلاب اکنون بیش از پیش در گرو اقدامات بنیانی برای تغییر اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی توده‌های میلیونی مردم است. اکنون تنها برپایه بهبود مستمر وضعیت مادی و معنوی توده‌ها می‌توان شوق و انگیزه آنها را در جهت مقابله با تجاوزات تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم امپریالیسم و رژیم‌های مرتجعی نظیر عراق بیش از پیش تقویت کرد.  
زحمتکشان از افشار طبقات مختلف زمانی که ثمرات انقلاب را به عینه در زندگی روزمره خود احساس کنند، با انرژی دودچندان در برابر هر نیرویی که بخواد آنها را از نعمت این دستاوردها محروم سازد، خواه این نیرو سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ باشد، خواه رژیم ارتجاعی و متجاوز عراق تا پای جان به دفاع برمی‌خیزند.  
در چنین شرایطی اعمال ضدانقلابی روحانیون مدافع سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ در جهت سنگ‌اندازی بر سر راه اجرای طرح اصلاحات ارضی که بخشی از خواسته‌های اقتصادی زحمتکشان روستا را برمی‌آورد جز ایراد ضربه مستقیم بر انقلاب ایران و کمک به اهداف امپریالیسم برای جلوگیری از تعمیق و تداوم این انقلاب معنای دیگری ندارد.  
آنچه که مسلم است، خواست زحمتکشان روستا در جهت مصادره کامل اراضی و اموال سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ و مبارزه بی‌امان در جهت تحقق این خواست است. هم‌اکنون بخش اعظم روستاهای ایران صحنه چنین نبرد

طبقاتی سرنوشت‌سازی است. زحمتکشان روستا در مبین ما با مبارزات درخشان خود بویژه در دوران پس از قیام نشان دادند که هیچ عاملی نمی‌تواند سد راه گسترش و تعمیق روزافزون تلاش انقلابی که در جهت تشکیل شوراهای و اتحادیه‌های دهقانی، مصادره زمین‌ها و کنترل امر کاشت، داشت و برداشت توسط این شوراهای نیز پیشبرد پیروزمندانه مبارزه علیه امپریالیسم اعم از مبارزه اقتصادی، سیاسی فرهنگی و نظامی باشد.

طرح و قانون اصلاحات ارضی یکی از نخستین ثمرات چنین مبارزه‌ای است. اما همانگونه که ما در گذشته نیز بارها اعلام کرده‌ایم به هیچ‌وجه تمام آن چیزی نیست که زحمتکشان روستا در پی آن هستند. طرح و قانون اصلاحات ارضی امر مصادره کامل اموال و وسایل تولید زمین‌داران بزرگ را قاطعانه مطرح نمی‌کند. این طرح بیش از آنکه بر نیروی خود توده‌های روستایی و شوراهای واقعی آنان متکی باشد، بر اقدامات اداری متکی است.

ویژگی‌های این طرح، جنبه‌های مترقی و نیز نارسائی‌های آن را ما قبلاً بارها شکافته‌ایم. آنچه در این میان با برجستگی خاصی نمودار است، مقاومت مذبوحانه روحانیون مدافع سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ برای جلوگیری از برآورده شدن کوچک‌ترین خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی زحمتکشان است. اجرای قاطع اصلاحات ارضی نه تنها خنثی کردن توطئه این مرتجعین بلکه تعمیق هرچه بیشتر انقلاب است. روحانیون مرتجع با دشمنی آشکار نسبت به اجرای طرح اصلاحات ارضی، در واقع دشمنی لجوجانه خود را با تعمیق، گسترش و تداوم انقلاب ایران بیش از پیش نمودار می‌سازند و به این ترتیب در کنار و همسو با امپریالیسم که تمام هم و غمش شکست انقلاب و نابودی دستاوردهای آن است، در مقابل تمایلات انقلابی توده‌ها قرار می‌گیرند.

# نیروهای ترقیخواه جهان

از صفحه ۱

جنگ تجاوزکارانه رژیم ارتجاعی عراق، در هفته گذشته در ابعاد جدی تری ادامه یافت. تنها در روزهای یکشنبه و دوشنبه ۱۳ و ۱۴ مهرماه علاوه بر شهرهای جنوبی و جنوب غربی، تهران بارها مورد یورش تجاوزکارانه بمب افکنهای عراقی قرار گرفت.

مقاومت دلاورانه توده های میلیونی در برابر تجاوزگران که باردیگر نمونه هایی از قهرمانی و پایداری به بشریت در حال پیکار با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا عرضه داشته است، همه کسانی را که به تصمیم و اراده خلل ناپذیر مردم ما در دفاع از آزادی و استقلال میهن با دیده شک می نگرند، به ناکامی و یاس کشانده است. جانبازی و دلاوری های مردم زحمتکش ایران، پاسداران، پرسنل انقلابی و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) و دیگر نیروهای انقلابی خلق، رژیم تجاوزگر عراق را وادار ساخته است تلقی تازه ای از انقلاب مردم ما بدست آورد و شکست های ناگزیری را که متحمل شده است، جدی بگیرد!

بمب افکنهای عراقی نه رعب و وحشت بلکه تنها خشم انقلابی و توفنده مردم ما را علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم های ارتجاعی منطقه دامن زده است. همه مردم و نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست مصمم و بدون هیچگونه تزلزلی برآنند که تا رفع همه آثار تجاوز لحظه ای از ایثار و فداکاری بازمانند. همه شواهد حاکی از آن است که رژیم عراق جز شکست و ناکامی نصیبی از این جنگ تجاوزکارانه نخواهد داشت و این همان نکته ای است که تاریخ مبارزات همه خلفای جهان علیه رژیم های تجاوزگر به اثبات رسانده است.

اکنون به نحو آشکارتری بر همگان معلوم می گردد که تجاوزات وحشیانه رژیم عراق در خدمت به منافع امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا صورت گرفته است. اخبار و گزارشاتی که طی مدت جنگ از طریق محافل رسمی و غیررسمی انتشار یافته، همه حاکی از فرار گرفتن بیش از پیش رژیم عراق در جبهه ارتجاع جهانی است. هر روز که از جنگ می گذرد، صف بندی و آرایش نیروها هم در عرصه داخلی و هم در عرصه جهانی ماهیت جنگ تجاوز -

کارانه عراق را بیشتر آشکار می سازد.

هم اکنون رژیم های ارتجاعی منطقه به نحو آشکارتری از تجاوزات رژیم عراق جانبداری می کنند. رژیم های اردن، مصر و عربستان سعودی و عمان و شیخ نشین ها که جلگی وابسته و سرسپرده امپریالیسم آمریکا هستند، برای تقویت رژیم عراق در مقابله با انقلاب مردم ما و دستاوردهای آن به تلاش های مذبوحانه ای دست زده اند.

امپریالیسم آمریکا تمام کوشش خود را برای تقویت و تحکیم جبهه های از نیروها و دولت های ارتجاعی منطقه، به نحوی که بتواند از رژیم ارتجاعی عراق حمایت به عمل آورد و جبهه ضد انقلاب داخلی را تحکیم بخشد، به عمل می آورد.

بر اساس گزارشات و اخبار رسیده ژنرال جونز رئیس ستاد ارتش آمریکا به منظور هماهنگی بین نیروهای ارتجاعی منطقه و در اس آن عربستان سعودی، عمان، اردن با رژیم عراق از یکسو و جبهه ضد انقلاب داخلی، باند بختیار - اویسی از سوی دیگر از مصر، عربستان و عمان دیدار کرده است.

برزیسکی مشاور امنیتی کاتر فاش کرده است که آمریکا مقادیر زیادی تجهیزات برای دخالت نیروهای آمریکا در خاورمیانه تدارک دیده است. برزیسکی اظهار داشته است آمریکا آماده است تا همانگونه که در برلین و کره جنوبی از منافع حیاتی خود دفاع کرد، در خاور میانه نیز از هیچ اقدامی در این راه فروگذار نکند.

امپریالیست های اروپایی که روزنامه انقلاب اسلامی آنها را دوست مردم ما معرفی می کند، در پوشش نزاکت های به اصطلاح دیپلماتیک دست به اقدامات تازه ای برای تقویت رژیم تجاوزگر عراق زده اند.

امپریالیست های اروپایی و کشورهای زیر سلطه آنها از طریق سازمان ملل متحد می کوشند موضع و موقع تضعیف شده رژیم ارتجاعی عراق را تقویت کنند. این کشورها به جهت

اهمیتی که خلیج فارس و آبراه تنگه هرمز در صدور نفت خام به این کشورها دارد، با تمام توان خود در تقویت جبهه های که از نیروهای ارتجاعی منطقه تشکیل شده است، تلاش می کنند.

اگر ارتجاع جهانی حمایت خود را از صدام آشکارتر ساخته است، انقلاب مردم ما که از همان آغاز با پشتیبانی قاطع جبهه جهانی انقلاب برخوردار بوده است، اکنون در برابر تجاوزات رژیم عراق بیش از همیشه مورد حمایت و پشتیبانی همه رژیم های ترقیخواه و انقلابی جهان است.

نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی عراق که علیه رژیم ضد مردمی صدام پیکار می کنند، طی بیانیه ای که اخیراً انتشار داده اند، جانبداری خود را از دفاع حق طلبانه مردم ما در برابر توطئه های امپریالیسم آمریکا و تجاوزات رژیم عراق اعلام کرده است.

رژیم های سوسیالیستی جهان ضمن دفاع از انقلاب مردم ما به نحو آشکارتری تلاش های صلح طلبانه خود را برای رفع آثار تجاوز امپریالیسم و عراق و حفظ دستاوردهای انقلاب مردم ما افزایش داده اند.

تاکنون تمامی دولت های سوسیالیستی جهان بویژه اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری دموکراتیک خلق کوه رسما آمادگی خود را برای کمک به ایران اعلام داشته اند. دولت های ترقیخواه عرب الجزایر، لیبی، یمن - دمکراتیک و سوریه نیز حمایت خود را از پیکار عادلانه مردم علیه تجاوزگران اعلام داشته اند.

این کشورها ضمن اعلام حمایت از انقلاب ایران تاکید کرده اند که ادامه جنگ در منطقه به زیان زحمتکشان و خواست امپریالیسم امریکاست و جلگی بر تلاش هایی که بتواند صلح را در منطقه مستقر سازد تاکید کرده اند.

ما همصدا با زحمتکشان ایران از تلاش هایی که از جانب این نیروها برای استقرار صلح صورت می گیرد، استقبال می کنیم و تاکید می کنیم که جنگ علیه

زحمتکشان ایران و علیه انقلاب ایران خواست امپریالیسم امریکاست. ما اعلام می داریم که تنها زمانی صلح می تواند در منطقه استقرار یابد که آخرین سرباز ارتش تجاوزگر عراق را از خاک میهن انقلابی مان بیرون رانده باشیم. پیکار ما علیه تجاوزگرانی که با حمایت امپریالیسم آمریکا و رژیم های سرسپرده منطقه استقلال و تمامیت ارضی ایران را نقض کرده اند، پیکاری عادلانه است که بدون تردید باید تا

## روزنامه انقلاب اسلامی

برابر خلقهای زیر سلطه این کشورها حمایت می کند، بهترین گواه بر ماهیت ارتجاعی و ضد خلقی این نظریه است. امروز امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا که در برابر جنبش های اوج - گیرنده خلقهای جهان قرار گرفته است، این نظریه را به صورت پوششی عوام فریبانه در خدمت منافع خود و منحرف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی توده های ستمدیده جهان به کار گرفته و متحدان امپریالیسم همجا

## به فدائیان خلق

رفقای ما را بر لاله زارهای وطن جاری می سازد. همواره و در همه حال ما در راه آرمان طبقه کارگر، در راه پیروزی نهائی زحمتکشان پیکار می کنیم. هیچ چیز، هیچ مانعی نخواهد توانست ما را از ادامه راه دلسرد و سرخورده کند. ما روز به روز و حتی در دست است اگر بگوئیم لحظه به لحظه مصمم تر و آبدیده تر از پیش در این راه پرافتخار پیکار می کنیم. آری! رفیق فدائی ما! این است آن انگیزه ای که برغم همه تبلیغات کینه توزانه علیه من و تو، به رغم جعل و سانسور بی حد و حساب علیه من و تو، به رغم همه موانعی که در راه پیکار من و تو ایجاد می شود، در سنگرهای نخستین مقاومت در برابر رژیم ضد مردمی عراق و در هر جا که سنگر مبارزه علیه امپریالیسم و متحدان آن

از میان برداشتن کامل آثار تجاوز و بیرون راندن همه تجاوزگران ادا شده یابد. زحمتکشان ما خواهان جنگ نیستند بلکه خواهان پاسداری از دستاوردهای انقلاب و گسترش و تدوام انقلاب شوکمند ایرانند. مردم زحمتکش ما می دانند که بارگران این جنگ تحمیلی بردوش آنهاست و اثرات آن بیش از همه، زندگی را بر زحمتکشان سخت می کند. آنها با خشم و نفرت علیه تجاوزگرانی که جنگ را به مردم انقلابی ایران تحمیل کرده اند قاطعانه و تا پای جان پیکار می کنند تا صلح عادلانه و صلحی که ضامن استقلال و آزادی ایران و حفظ تدوام انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران باشد استقرار یابد.

## بقیه از صفحه ۲

زیر پوشش این نظریه دشمنی با اردوگاه سوسیالیسم و دوستی با امپریالیسم را تبلیغ می کنند. روزنامه انقلاب اسلامی باید روشن سازد که آیا نظریه سه جهان و تبلیغ دوستی با امپریالیسم و دشمنی با اردوگاه سوسیالیسم مشی غالب این روزنامه است و یا آن که نفوذ نسبی سی طرفداران نظریه ارتجاعی سه جهان سبب شده است که گاه و بیگاه مظاهر این نظریه در روزنامه انقلاب اسلامی تجلی پیدا کند.

## بقیه از صفحه ۱

برپاست، سینه هامان را سپر گلوله های خصم می کنیم. ما را که از گلوله های تجاوزگران پاک نداریم، ما را که پیکارمان عادلانه و آرمانمان هیچ مانعی نخواهد توانست ما را از ادامه راه دلسرد و سرخورده کند. ما روز به روز و حتی در دست است اگر بگوئیم لحظه به لحظه مصمم تر و آبدیده تر از پیش در این راه پرافتخار پیکار می کنیم. آری! رفیق فدائی ما! این است آن انگیزه ای که برغم همه تبلیغات کینه توزانه علیه من و تو، به رغم جعل و سانسور بی حد و حساب علیه من و تو، به رغم همه موانعی که در راه پیکار من و تو ایجاد می شود، در سنگرهای نخستین مقاومت در برابر رژیم ضد مردمی عراق و در هر جا که سنگر مبارزه علیه امپریالیسم و متحدان آن

### روزنامه انقلاب اسلامی

## همچنان دوستی با امپریالیستهای اروپا و ژاپن و

## دشمنی با اردوگاه سوسیالیسم را تبلیغ می کند!

روزنامه انقلاب اسلامی، در سرمقاله شنبه ۱۲ مهرماه خود، باردیگر کوشش کرد امپریالیستهای اروپا و ژاپن را دوست مردم ما معرفی کند این روزنامه می نویسد: "ژاپن و اروپا نیـــــــز می توانند از این وضع در جهت آزادی و استقلال و رهائی از ابرقدرت آمریکا بهره ببرند."!

ماهیت ارتجاعی تئوری سمجهان که رسالت در هم ریختن مرز دوستان و دشمنان خلقهای جهان و تطهیر امپریالیسم جهانی را بردوش دارد، امروز دیگر رسواتر از آن است که بتوان برای آن هوادار دست و پا کرد. این تئوری که وابستگی به امپریالیستهای اروپائی و امپریالیسم ژاپن را تبلیغ می کند و زیر پوشش مبارزه با دو ابر قدرت عملا راه را بر

تحکیم سلطه امپریالیسم جهانی که سرکرده آن امپریالیسم آمریکا است، هموار می کند. سیاست ارتجاعی و خیانتکارانه چین که امروز زیر پوشش مبارزه با دو ابر قدرت آشکارا از رژیم های سلطان عمان، رژیم پاکستان و سایر رژیم های ارتجاعی جهان و حتی رژیم نژادپرست افریقای جنوبی در بقیه در صفحه ۱۹

### در مناطق اشغالی مرزی،

## باید روز و شب با همه نیروی انقلابیمان

## به تجاوزگران یورش بریم

مردم مبارز غرب و جنوبغربی ایران!  
رفقای هوادار!

حمله به تجاوزگران در مناطق مرزی اشغالی برای درهم شکستن مقاومت رژیم تجاوزگر عراق و پاسداری از استقلال میهن حائز کمال اهمیت است. در این مناطق باید با تمام نیرو به سازماندهی مقاومت بپردازیم. باید به هر وسیله ممکن روز و شب در مناطق اشغالی به خطوط تدارکاتی تجاوزگران و به هرکجا که تجاوزگران حضور دارند و به هرکس که با تجاوزگران همکاری کند، با تمام نیروی انقلابیمان یورش بریم و اجازه ندهیم که تجاوزگران لحظه ای در خاک میهن ما بیاسایند. پایداری در مناطق مرزی اشغالی از مهم ترین وظایف انقلابی ماست و دشمن را به سرعت با شکست روبرو می سازد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)  
شنبه ۱۲ مهرماه ۱۳۵۹

## گرامی باد خاطره کارگران شهید!

فداکاری های کارگران قهرمان ایران طومار جنایت ها و تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم ضد مردمی عراق را درهم خواهد پیچید

شهادت ۶ تن از کارگران کارخانه های ماشین سازی و هیکو در جبهه نبرد علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم متجاوز عراق، صفحه زرین دیگری است بر تاریخ افتخارات و قهرمانی های کارگران و زحمتکشان میهنمان  
ضمن گرامیداشت خاطره کارگران شهید، به همه همشهریان مبارز به ویژه خانواده ها و بستگان شهدا صمیمانه تسلیت می گوئیم

افتخار بر رزم پیگیر کارگران  
گرامی باد خاطره شهدای به خون خفته خلق  
مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا  
ننگ و نفرت بر رژیم ضد مردمی عراق

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) - اراک  
۷ مهرماه ۱۳۵۹

### حزب دمکرات کردستان



فدائی شهید  
رفیق رضا پیرانی

### بجای رژیم عراق

به سینه

فدائیان خلق

شلیک می کند!

فدائی خلق رفیق رضایرانی به اتفاق دو رفیق دیگر از مسئولین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) - شاخه کردستان، در تاریخ ۷ مهرماه ۵۹ توسط پیشمرگان حزب دمکرات کردستان در نزدیکی روستای خلیخان سفز بطرز ناجوانمردانه ای به گلوله بسته می شوند که رفیق رضا پیرانی به علت جراحات وارده قبل از رسیدن به شهر شهید و دو رفیق دیگر توسط پیشمرگان حزب بازداشت می شوند.

اینک تفنگ حزب دمکرات کردستان ایران سینه رفقای ما را نشانه می گیرد و اینهمه بخاطر مسئولیتی است که سازمان ما در برابر مردم کردستان و همه خلقهای سراسر ایران در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و متحدان آن برعهده دارد.

ما همواره وظیفه خود می دانیم ماهیت کسانی را که بنام خلق کرد اما علیه خلق کرد اقدام می کنند و بنام دشمنی با امپریالیسم آمریکا و متحدان آن عملا در راه تحکیم منافع امپریالیسم آمریکا و متحدان آن گام برمی دارند، افشاء سازیم.

فدائیان خلق در راه آرمان انقلابی خلق پیکار می کنند و تا پای جان از مشی انقلابی سازمان دفاع می نمایند. رفقای ما با ایمان به راه سرخ همه شهدای فدائی در مقابل اینگونه جنایات از جانب هر نیروئی که باشد، از آرمان انقلابی سازمان دفاع خواهند نمود.

تاریخ نشان داده است که آنان که در برابر نیروهای ترقیخواه خلق می ایستند سرانجامی جز شکست و ناکامی نخواهند داشت!

مردم اهوازی می گویند:

اگر دکتر نریمیسازنده بود...

تا کنون دست های توانا و چشمان خندان او  
به نجات جان دهها هم میهن جان پرکف ما  
ششافته بود.

## جای او اکنون خالیست اماراه او همیشه باقی است

چرا که هم اکنون نریمیساهای دیگر  
در سرگهای خونین خوزستان راه او را می پویند.  
لکه ننگ قتل ناجوانمردانه دکتر نریمیسازنده  
هرگز از دامان قائلین او پاک نخواهد شد.

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر